یا فتاح

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوة علی من اوتی الحکمة والکتاب الکریم و هو یسعی بلطفه العظیم
واله علی خلق العظیم واله الهادین الی صراط المستقیم بعدهُ پوشیده نماند که فقیر حقیر مظفر بن
محمد حسین الشفائی در زمانی مدید ترکیبی چند که در معالجات امراض از آن گریز نبود
جمع کرده بود خواست که در سلک ترتیب درآورد و بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب
از کتب موثوقه معمول علیها حکمای متقدمین و متاخرین منتخب و مترجم نمودم و بآن منضم کردم
تا کتاب جامع و مستغنی از سایر قرابادینیات باشد و بترتیب حروف تهجی مرتب ساخت
مامول از کرم کرام آنکه چون بر سهوی اطلاع یابند بر قلم شفقت اصلاح فرمایند و اینکه
مع قلة البضاعة بالاعتراف بالعجز والجهالت را عیب نفرمایند والله ولی الهدایة
والتوفیق من عنده به الاعانة باب الف انوشدارو اعضاء رئیسه را قوت دهد و خفقان
تفریح را نافع باشد و فرح آورد و ثوران را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق را خوش کند

واشتهای طعام آورد و پس از طعام و پیش از طعام توان خورد **صفته** کلسرخ نیم درم
سعد کوفی پنج درم قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم قاقله کبار و قاقله
صغار زرنب بسباسه جوز بوا قرفه زعفران از هر یک دو درم امله مقشر یک رطل قند
و عسل مصفی صد و هشتاد مثقال امله را در شیر خیسانیده یکشبانه روز پس بشوید در نه
رطل آب جوشاند تا مهرا شود از پشت غربال بیرون کند و با قند و عسل صاف بقوام
آورد بعد از آن زعفران باب گرم حل کرده اضافه نماید پس ساير ادویه کوفته بیخته
بان بسرشند شربتی دو مثقال **صفت انوشدارو بوئی** تقویت قلب میکند و معده و دماغ
را قوت بخشد **صفت آن** مروارید ناسفته لسان الثور سعد کوفی اذخر از هر یک
مثقال و نیم عود خام سه مثقال زعفران دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال کبابه ایک مثقال عسل قند
مصفی سه وزن ادویه **انتباه** چون بعضی را ادویه ارسطون کبیر نایاب است و منافع هر دو قریب
یکدیگر است با رسطون صغیر اکتفا نمود **ارسطون صغیر** نافع است از جهت سل و وجع بطن و حمی مختلفه و
ربع قولنج و وجع رحم و برقوت بدن **صفت آن** افیون مصری چهار درم اقاقیا و فلفل از هر یک ده
درم عاقرقرحا سه درم حماما ابهل دو درم سلیخه چهار درم زعفران سه درم کوکب الرو ده درم فرفیون
سه درم سنبل الطیب ده درم عسل صاف بقدر احتیاج ادویه سا کوفته بیخته چنانکه رسم است
معجون سازند شربتی یکمثقال **انقردیا** که نافع است جهت فالج و استرخا و لقوه و دماغ را از
خلط ردیه پاک کند و ذهن را تیز کند و عقل را زیاد کند **صفت** سنبل الطیب سلیخه ساذج
هندی میعه زعفران دارچینی ترکی افتیمون تفاح اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هر یک

از ہریک دو درم حب البان مقشر زنجبیل از ہریک ده درم مصطکی و عسل بلادر جوزبوا و فلفل دراز از ہریک سه درم عاقرقرحا دو درم صبر سقوطری ده درم ابرسا شش درم پوست
بیخ رازیانه سه رطل سرکه کهنه نه رطل پوست بیخ رازیانه سه شبانروز در سرکه خیسانند
پس بجوشانند و بعد از سه چہار جوش از آتش فرو گیرند و آن سرکه را صاف کرده در
دیگ ریزند و با سه رطل و نیم عسل مصفی با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید ادویه را کوفته
بیخته با آن ممزوج سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت یکدرم تا یک مثقال القردیا
کبیر قائم مقام لقوه و صرع و نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد هاضمه را قوت دهد
و باه را زیاده کند صفت آن عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دارفلفل وج از ہریک ده درم
سداب حسطیما ما حلبت زراوند مدحرج حب النار جند بیدستر زعفران شیطرج ہندی خردل
از ہریک پنج درم عسل بلادر چہار درم و نیم کوفته بیخته بروغن بادام یا گردکان چرب
کنند و با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صافی گرفته بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربت یک مثقال القردیا صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت هلیله سیاه
پوست بلیله و هلیله کابلی امله مقشر از ہریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر بسبایج کرفس وج
فلفل و زنجبیل عسل بلادر از ہریک پنج درم دارو ها کوفته بیخته بروغن گردکان چرب کنند
و با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صافی بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
القردیا دیگر پیران را نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند صفت هلیله سیاه پوست بلیله
امله مقشر از ہریک سی و شش درم سورنجان و چہار درم طباشیر و سعد و عسل بلادر

از هر یک شش درم هیل بغت درم فلفل دار فلفل زنجبیل قلقلموبیه انیسون از هر یک دوازده
درم فانید شش صد درم ها سدرا در آب گرم بگذارند و ادویه کوفته بیخته و عسل بلادر بدان
مخلوط کنند بعد از شش ماه استعمال نمایند القرد یا بیر دیگر مصروع را بغایت نافع بود صفته پوست بلیله
کابلی پوست بلیله املا مقشر کشنیز خشک اسطوخدوس از هر یک پنج درم جند بیدستر یکدرم
عود الصلیب زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن ادویه
بطریق معهود معجون سازند امروشیا جگر سپرز را سود دارد و سده بگشاید و بول براند
و سنگ از گرده و مثانه پاک کند و در ابتداء استسقا نافع باشد صفته زیره کرمانی و
عود بلسان سلیخه قرد مانا فقاح اذخر تخم کرفس از هر یک یک درم قسط فلفل دار
فلفل از هر یک یکدرم مرصاف سه درم حب الغار ده درم زعفران از هر یک دو درم
کوفته بیخته به وزن ادویه عسل بسرشند شربتی مقابل فندق در آب گرم نافع بود
اثاناسیا امری از درد کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال مزمن و قی الدم و حدر
و وجع کلیه و مثانه و ریح بواسیر را نافع بود و بادها بشکند و دردها تسکین دهد صفت
مراصون زعفران جند بیدستر بزر البنج قسط قرد مانا خسی اس سنباده غافث سلیخ
مقشر صمغ عربی جگر کرک خشک کرده مجموعه متساوی باشد آنچه کوفتنی است بکوبند و آنچه
گداختنی است بگذارند در شراب و با عسل مصفی معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب اثاناسیا صغیر منافع آن قریب بکبری است
صفته سعد زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث

هر دارم

هشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقدار یک
فندق و در نسخه دیگر عود بلسان و تمر از هر یک چهار درم اضافه نموده اند اطریفل ملینی
جهت درد سر و درد گوش عظیم نافع صفته پوست هلیله کابلی پوست بلیله امله مقشر
تربد سفید از هر یک ده مثقال درازیانه مصطکی اسطوخدوس سقمونیا ریوند چینی
از هر یک پنج مثقال هلیله سیاه دو مثقال کوفته بیخته با سه چندان عسل سرشته شود شربتی
چهار مثقال یا پنج مثقال نافع باشد اسرار الاطبا قوت باه زیاده کند و منی بیفزاید
و تقویت دل و معده کند و هاضمه تمام آورد صفته سقاقل مصری خولنجان حب الصنوبر
بهمن سفید و بهمن سرخ وج بودری سفید بودری سرخ از هر یک سه درم اندر
جو شیرین عنبره سقنقور سه مثقال حب الزلم مغز تخم کدو شیرین حب بلسان فلفل
سفید مغز تخم خربزه تخم خیارین تخم خرخره تخم پیاز تخم شلغم تخم اسپست حب القلقل کنجد
دانه از هر یک دو درم مغز بادام مغز بارجیل مغز پسته مغز حب الصنوبر کبار حب الخضرا
مغز حب القطن کنجد مقشر از هر یک هفت درم دارچینی قرنفل سنبل الطیب اسارون
بسباسه کبابه چینی سعد هندی قرفه جوزبوا از هر یک مثقال نارمشک عود
خام عنبر اشهب زعفران مشک برابر هیل انگ زنجبیل ستوه بوزیدان قسط
شیرین مغز حب الزلم دورونج عقرقرحا از هر یک دو درم کوفته بیخته تا سه وزن
ادویه کف گرفته معجون سازند و در حقه نگاه دارند و بکار برند اطریفل کبیر
بواسیر را نافع بود و لون را نیکو کند و باه زیاده سازد و معده و امعا

ومثانه را قوت دهد و طعام را هضم کند صفته هلیله سیاه و پوست بلیله و پوست
هلیله کابلی امله مقشر فلفل دارفلفل از هر یک سی درم زنجبیل بسباسه بوزیدان مصطکی
زراوند سقاقل تودری سرخ تودری زرد لسان العصافیر مغز حب الفلفل کنجد
مقشر خشخاش سفید بهمن سرخ سپید از هر یک ده درم کوفته بروغن گاو
چرب کنند و بعسل سرشته کنند و بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل صغیر استرخاء
معده و بواسیر را نافع بود و دهن را نیکو کند و لون را صافی گرداند صفته هلیله
سیاه و پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد و امله مقشر متساوی کوفته
بیخته و با روغن گاو چرب ساخته با سه مقدار آن عسل سرشته کنند شربتی دو درم
اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد و درد سر و درد چشم و درد گوش را که سبب
آن بخار بود نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی و پوست هلیله زرد و پوست
بلیله و هلیله سیاه و امله مقشر کشنیز خشک متساوی کوفته بیخته بروغن بادام
با روغن گاو چرب نموده با سه مقدار عسل سرشته کنند و بعد از دو ماه استعمال
نمایند اطریفل مقل جهت بواسیر عظیم نافع بود صفته پوست هلیله زرد امله منقی پوست
بلیله از هر یک ده درم مقل بیست درم مقل را در آب کنند تا بگدازد و شصت
مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید داروها کوفته بیخته با آن سرشته کنند
اطریفل مقل ملین طبع را نرم کند و بواسیر را نافع باشد صفته پوست هلیله کابلی
و پوست بلیله و هلیله سیاه امله مقشر افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم

مقل

مقل ازرق و فلوس خیار شنبر از هر یک پنج درم مقل و فلوس را در آب کنند تا حل کنند
و با عسل مصفی با قوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشته کنند اطریفل دیگر کرمهای
بزرگ و خورد و حب القرع را بکشد صفته هلیله کابلی ده درم تربد حب النیل قسط
تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل
سنجم حنظل سعد راسن از هر یک سه درم کوفته بیخته با دو مقدار آن عسل سرشته کنند
شربت از دو مثقال تا چهار مثقال بحسب مزاج نوع دیگر صفته آن پوست هلیله زرد و
و پوست هلیله کابلی هلیله سیاه املهٔ مقشر پوست بلیله از هر یک پنج درم تربد سفید
هفت درم مصطکی سه درم مقل ازرق و روغن بادام از هر یک بیست درم عسل
مصفی سه وزن اجزا مقل را در آب کنند تا حل کرده داروها کوفته بیخته بروغن
بادام چرب سازند و با عسل بقوام آورده معجون سازند و شربتی هر شب دو مثقال
اطریفل افتیمون بیماریهای سوداوی را عظیم نافع باشد و سیاهی موی را نگاه دارد
صفته پوست هلیله کابلی پوست پوست بلیله املهٔ از هر یک ده درم سنای مکی
تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم سطوخ سه درم بسفایج فستقی یک درم
انیسون نمک هندی از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل سرشته کنند شربتی یک مثقال
تا چهار مثقال اطریفل غددی خناق و خنازیر را سود دارد صفته هلیله سیاه پانزده
درم بلیله املهٔ تربد سفید غدد که در گردن گوسپند می‌باشد خشک کرده از هر
پنج درم افتیمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس سنای مکی از هر یک هفت درم

سیطرج زرنباد غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی خرنوبا
قرنفل جوز بوا سنبل از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل بسرشتند شربتی یکدرم
اطریفل کمانی بهق و برص را سود دارد سیاهی موی را نگاه دارد و امراض
بلغمی را نافع باشد صفته پوست هلیله کابلی بیست درم پوست بلیله امله مقشر
از هر یک ده درم برنگ کابلی بقسرباپرده درم شیطرج سعد زنجبیل از هر یک
سه مثقال سادج پنج درم سقاقل اسطوخدوس از هر یک هفت درم غاریقون
شش درم قسط سه درم مصطکی کندر انیسون قرنفل جوز بوا از هر یک
دو درم فلفل دار فلفل نارمشک از هر یک چهار درم کوفته بیخته بعسل بسرشتند
و شربتی از سه درم تا چهار درم اطریفل تربد پوست هلیله زرد پوست
هلیله کابلی پوست بلیله هر یک دو درم شاهتره امله مقشر سنای مکی هر یک
نیم درم گل سرخ و زنجبیل هر یک یکدرم انیسون پیل دارچینی مصطکی از هر یک
نیم درم تربد سفید به روغن بادام چرب کرده چهار درم عسل سه وزن ادویه
معجون سازند اطریفل صغیر جمیع خارشها را نافع صفته آن پوست هلیله کابلی
پوست هلیله زرد پوست بلیله امله سنای مکی شاهتره ریوند چینی حوب
که بروغن بادام چرب کرده کشمش دو وزن ادویه بسرشتند اطریفل دیگر عرق
مدینی یعنی رشته که بزبان هندی نارو گویند نافع باشد صفته پوست بلیله
کابلی پوست بلیله امله مقشر تربد سفید زنجبیل قرنفل مساوی کوفته بیخته

ادوی

بروغن بادام چرب کنند و با عسل بسرشند شربتی سه درم **ایاره فیقرا** اعضای غذا

را پاک کند و فضول را از دماغ فرود آورد و لقوه و گرانی زبان و استرخاء مثانه

و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد **صفت آن** سنبل و ارچینی

عود بلسان حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران هر یک جزوی صبر سقوطری

دو وزن ادویه شربتی دو درم بعسل و آب گرم بنوشند و قوت این معجون تا چهار

سال باقی بماند **ایاره لوغاذیا** صرع و مالیخولیا و فالج و سکته و رعشه و لقوه و تشنج

و جذام و داء الفیل و برص بهق و قوبا و سعفه و صداع و سعفه و دوار و صمم و شهوت

کلبی و عسر النفس و درد گرده و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و دواء

الثعلب و داء الحیه و ریشهای کهنه بد را نافع باشد و حیض بگشاید و این مسهل مبارک

است و اسهال او بی زحمت باشد **صفت** شحم حنظل پنج درم ایارج غافث مسویا

غاریقون سقمونیا خربق سیاه اسق اسقوریون از هر یک چهار درم و نیم

افتیمون افریطی کمادریوس مقل ازرق صبر سقوطری از هر یک سه درم جاوشیر

هوفاریقون ساذج فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر و جندبیدستر

فطراسالیون زراوند طویل عصاره افسنتین فرفیون سنبل حماما زنجبیل از هر یک

دو درم حنطیانا اسطوخودوس از هر یک یک درم و نیم کوفته بعسل بسرشند شربتی

چهار مثقال با آب گرم و عسل و بعد از شش ماه استعمال نمایند **ایارج روفس** سود کند

بود و بر اخلاط بلغمی و سوداوی و داء الثعلب را بغایت نافع بود و تفسیر ایاره

ودر نسخهٔ طبع [illegible]

دوار الهی است و ایاره سالم از حبوب و مطبوخ بود صفت شحم حنظل بیست درم صبر سقوطری

پنجدرم جواسیر سلیخه از هریک بیست درم خولنجان ده درم کادریوس بیست درم فلفل سفید

فطراسالیون زراوند مدحرج دارچینی زعفران زنجبیل جعده مرصافی از هریک دو درم کوفته با آب

حل کرده به وزن ادویه عسل کفکرفته با بر شتد شربتی از سه مثقال تا چهار مثقال با بن مطبوخ

افتیمون و شاهتره هلیله سیاه مویز طائفی و غاریقون و اسطوخدوس کمافیطوس اسفایج کاو زبان

تجریع فرمایند و قوت این ایاره بعد از شش ماه تا چهار سال باقی میماند ایاره لوغاذیا نسخه معارف

منافع هر دو ایاره لوغاذیا قریب بیکدیگر است صفت شحم حنظل سقمونیا صبر از هریک پانزده

درم اصل الفار بیست درم افتیمون غاریقون خربق سیاه از هریک ده درم جاوشیر دو درم

فراسیون اسفایج سلیخه از هریک هفت درم فلفل سیاه دار فلفل سنبل زعفران دارچینی مر

فطراسالیون از هریک چهار درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخدوس کمادریوس

استوخودیون از هریک پنجدرم زنجبیل جندبیدستر زراوند طویل حنطیانا رومی از هر

یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند بعد از شش ماه استعمال نمایند اغیر نوی جرب و سبل

و شیرناق و ضعف باصره را نافع بود صفت توتیای کرمانی مغسول و سیم محرق مغسول از

هریک ده درم مروارید ناسفته شش درم نبات پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند اکحل دیگر

که قرحه و سور سرخ را نافع است صفت سفیداب ارزیر هشت درم اقلیمیا نقره

وصمغ عربی از هریک چهار درم روی سوخته یکدرم نشاسته افیون از هریک دو درم

صلایه کرده استعمال نمایند دیگر که همین منفعت دارد صفت شادنج مغسول سه درم

ثلثه

نشاسته اقلیمیا نقره افیون سرمه اصفهانی از هریک یکدرم صمغ عربی انزروت از
هریک دو درم سفیداب ارزیز ب درم صلابه کرده استعمال نمایند الکامه معده را
قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای طعام آورد صفه آن نان تازه کو گرم در کوزه آب
نبیذه بگذارند تا سرد شود بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب بنهند و تا ده روز سرکه
بر سر آن میریزند و ده روز دیگر بر دو سایه خمیر آن تازه کنند و ده روز دیگر با شیره انگور خمیر آن
تازه کنند بعد از آن ادویه گرم کوفته و بیخته بر سر آن ریزند و چون خواهند که الکامه رقیق بگیرند
از این خمیر مقدار یکمن بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن کنند و کیسه پر از داروهای گرم کوفته
در آن اندازند و چهل روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن استعمال کنند باب الباء بادرنج
برودت معده و جگر و رحم احتباس طمث را نافع باشد و ریاح غلیظ را دفع کند و سده
سپرز و جگر بگشاید صفه آن زرنباد درونج عقربی افیون جندبیدستر عاقرقرحا فلفل
دار فلفل سلیخه موم المجوس بزرالبنج قسط السی جاوشیر زعفران از هریک شش درم
جمله هشت درم مروارید ناسفته دو درم باذر مروار هریک دوازده درم عسل
مصفی دو وزن ادویه بطریق متعارف معجون سازند برشعثا نسخه شیخ ابو
علی سعال کام و نزله را نافع بود و اوجاع را ساکن گرداند و قطع خون رقیق کند
صفته فلفل سفید بزرالبنج از هریک بیست مثقال افیون ده مثقال زعفران پنج مثقال
سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هریک یک مثقال کوفته و بیخته با سه چند آن
عسل کف گرفته بسرشند و بعد از شش ماه که در میان جو نهاده باشند استعمال نمایند

حرقت بول و قروح کلیه و مثانه و عسر البول را نافع بود صفته مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم
خیارین پنج درم مغز تخم کدو بزر الخس تخم خرفه و تخم خطمی مغز بادام مقشر کتیرا از هر یک سه درم رب السوس
خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند و بنادق سازند شربتی سه درم
بشراب خشخاش بنادق کندری ذرب و اسهال معده را نافع باشد صفته آن مازوی
سبز یک درم کندر کزمازج از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس ده درم کوفته
و بیخته بنادق سازند بنادق دیگر وجع قولنج بار در آتسکین دهد صفته جند بید ستر
سونیز نانخواه کمون مساوی کوفته بیخته بنادق سازند هر یک دو دانگ بنادق دیگر مغص
و قولنج باری را تسکین دهد صفته تخم خرفه تخم کاهو افیون مساوی کوفته بیخته بلعاب
بزرقطونا سرشته بنادق سازند مس از ترکیب حکماء هند است و از جهت جذام عظیم
النفع صفته بلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم مس سفید دو درم
و نیم کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کرده بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال بریجلی این
ترکیب نیز از هند است و همان خاصیت دارد صفته هلیله و بلیله امله و شیطرج از هر یک
چهار درم جوز بوا خیر بوا قسطور کندر موم فلفل دار فلفل بابر خشک کندش عصاره
اسقیل بسفایج از هر یک بیست مثقال مس چهار مثقال کوفته بیخته بعسل معجون سازند
شربتی یک مثقال برود چشم جرب و بیاض و دمعه و سلاق و سبل و ظفره را نافع
باشد صفته آن توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد و ریحل زرد چوب
از هر یک پنج درم دار فلفل ماسیران چینی از هر یک سه درم نمک هندی یک درم

کوفته بیخته تبت ر وزو در آب غوره پرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و حریر
بیخته استعمال نمایند برود نفسه حرب را نافع بود صفته بنفشه کبر خشک بریان کرده صمغ عربی
کتیرا از هر یک یکدرم نشاسته سه درم دیگر بیخته بیخ بوت در آب انگور بپرورند و خشک کنند
و دیگر باره سائیده حریر بیخته استعمال نمایند برود داروی قرحه و شور سرخ را نافع
باشد صفته سفیداب ارزیر پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی نه درم و
نیم شادنج مغسول روی سوخته نشاسته و افیون از هر یک دو درم صلایه کرده
استعمال نمایند برود دمعه استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی و مازو
از هر یک یکدرم نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند برود باسلیقون قوت باصره بیفزاید و محافظت
چشم کنند صفته توتیا مرقشیشا اقلیمیا نقره از هر یک پنج درم سنبل شادنج
زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور دو دانک مشک دانکی
صلایه کرده استعمال نمایند برود احمر چشم را از ریختن مژه باز دارد و آب ریختن
خشک گرداند و شورش باز دارد صفته شادنج مغسول ده درم روی سوخته
پنج درم مروارید ناسفته یک مثقال و دو دانک نبات یکدرم صلایه کرده
استعمال نمایند برود اسود دمعه را باز دارد و بیاض را ببرد صفته سرمه توتیا
مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم شادنج هندی درم زعفران
نیم درم مارقشیشا شش درم مشک و کافور از هر یک دانکی صلایه کرده استعمال
نمایند باسلیقون کبیر تاریکی چشم و ابتدا آب و دمعه و جرب و سبل و ظفره

وسرباق را نافع بود صفة کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی ساذج
هندی سفیداب ارزیر فلفل دارفلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یکی پنجدرم
نمک هندی قرنفل دو دانه از هر یک یکدرم جگر سقوطری عصاره مامیثا مس سوخته از هر یک
پنجدرم مامیران نوشادر زرد چوب از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته
بیخته بحریر بیخته استعمال نماید صفة باسلیقون صغیر منافع آن قریب منافع کبیرست صفة اقلیمیا
نقره پنجدرم رودی سوخته دو درم و نیم سفیداب ارزیر نمک اندرانی نوشادر حبه فلفل
دارفلفل از هر یک نیم درم کوفته بیخته استعمال نماید صفة نفیخ تاریکی چشم و دمعه و حرارت و حکه
را نافع بود صفة شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی رودی سوخته دارفلفل سنبل الطیب
از هر یک نیم درم ساذج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته
بیخته استعمال نماید صفة روشنا رمد را نافع بود و ضربان بنشاند و درد و ماده کند چشم را هم در درد
باصلاح آورد صفة شیاف مامیثا انزروت از هر یک بیست درم کتیرا یکدرم زعفران
دو درم افیون نیم درم کوفته بحریر بیخته باب باران بسرشند و در وقت حاجت بسفیده
تخم مرغ حل کنند و استعمال نماید صفة بخوری که زکام و نزله بارد را باز دارد صفة کندر سعه
بالسه مر قسط سندروس مساوی کوفته بیخته گلولها سازند و بر آتش نهند و سر بر
بخار آن بدارند صفة بخوری که نزله و زکام را نافع بود صفة سبوس گندم آرد جو آرد
باقلی صندل سفید گل سرخ بنفشه گل کنار از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته در سرکه
خیس کنند و خشک کرده و دیگر باره کوفته بیخته بگلاب بسرشند و در وقت حاجت

الثی

بر آتش نهند و سر بر بخار آن بدارند **بخوری** که مقوّی دهن و دماغ است و خفقان و وحشت و
ضعف حواس را نافع بود **صفته** عود هندی قسط شیرین صندل سفید از هر یک یک درم مشک کافور
از هر یک نیم درم کوفته بیخته بگلاب بسرشند و گلولها سازند و بخور کنند **بخوری** که بر آبستنی معین
باشد **صفته** سعد عابله مازو و حب الغار مساوی کوفته بیخته بعسل بسرشند بعد از طهر سه روز
متواتر هر روز یک درم از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند **بخوری دیگر** که همین خاصیت
دارد **صفته** سداب خشک کوفته با موم گداخته و پشم خرگوش بسرشند و بخور کنند **بخوری**
که مشیمه و بچه مرده بیرون آورد **صفته** مر بارزد جاوشیر گوگرد مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو
بسرشند و گلولها سازند و در زیر طغار سوراخ کرده دود کنند و فرج را بر آن سوراخ
کنند **نسخه جوارش** برودت معده و جگر و وجع ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه
را نافع بود و خون را صافی گرداند و بوی دهن خوش کند و برودت معده را نفع دهد و باه
را قوت دهد و حفظ زیادة کند و بول براند و باد را بشکند **صفته** آب انگور رسیده صد من
گوشت بغلی فربه بیخته بیست من عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک
پنج درم سلیخه یک درم خیربوا کبابه بهمنین زرنباد قرنفل بسباسه سعد کوفی از هر یک سه درم زنجبیل
دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یک درم عسل ده رطل گوشت را در آب انگور
بجوشانند تا مهرا شود و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند و سر کیسه را از سر ببندند و در آن اندازند
و هر لحظه بدست می مالند دیگر گل گلاب اضافه نمایند و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند مرغ و کبوتر بچه پخته و کنجک و امثال اینها اضافه نمایند

از گوشت گوسفند کم کنند **باب الثالث تریاق فاروق** و آنرا تریاق کبیر گویند مضرت گزیدن
افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران زهردار را دفع کند و دافع مضرت
همه زهرهای کشنده و جذام و صرع و فالج و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و
خناق سوداوی و استسقا و یرقان سدّی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد گرده
و مثانه را سود دارد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید و حیض را براند
و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا بود دفع کند و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل دهد و
هیضه را باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت کلبی و نافض و حمیات بلغمی و
سوداوی و جمیع امراض بلغمی و سوداوی نافع باشد و حرارت غریزی برافروزد و
روح را قوت دهد و باه برانگیزاند اما مقدار شربت تریاق کبیر در هر مرضی آنست
و در سرفه کهنه و درد سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ و یا بلغم باشد مقدار یک حمص
با ماء العسل دهند و از جهت گزیدن مار عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یک مثقال در
شراب دهند و زنبور گزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل کرده بر موضع مالند و از
جهت دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون و شوکران و فرفیون و ذراریح و امثال
اینها در شراب دهند و در یرقان سدّی یک ترمس در طبیخ اسارون دهند
و در استسقا یک فندق بسرکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه و رعشه
در ماء الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن دهند و خداوند حب القرع
را در طبیخ ترمس دهند و در نافض حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با آب گرم

دهند و با شراب در قولنج و نفخ معده و مغص رحمی و سقوط شهوت و ربو و انقطاع صوت و در برص
یک ترمس بماء العسل و با شراب دهند و در ضیق النفس با سکنجبین عنصلی و در صرع و صداع
و شقیقه یک درمسنگ با آب گرم دهند و حد او نیمه را دو دانگ با شرابات سیب دهند و از جهت
احتباس طمث و اخراج جنین میت در طبیخ ابهل و مسک طرامشیع و با سداب دهند و در
جمیع امراض دیگر اندک ان یکطسوج د نیم تا آن یکمثقال صفت اقراص عنصل جهل و بست یکطسوج
مثقال اقراص افعی و اقراص اندروخون و فلفل سیاه و افیون دارچینی از هر یک بیست
چهار مثقال ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری ابرسا عاقر یقیون رب السوس روغن
بلسان از هر یک دوازده مثقال مرمکی زعفران زنجبیل بیوند قنطافلن فودنج فراسیون
فطراساليون قسط فلفل سفید اسطوخدوس دار فلفل مسک طرامشیع کندر قاح اذخر
صمغ البطم سلیخه اسود سنبل جعده هر یک شش مثقال انیسون تخم کرفس سیساليوس
حرف ابیض کماذریوس کمافیطوس نانخواه عصاره لحیه التیس باردین افریطی سنج جلبنجاح
موفوجنطیا نار ازیانه گل مختوم زاج محرق که تمام سوخته باشد حماما وج حب بلسان هر
هوفاريقون صمغ عربی قردمانا انیسون اقاقیا از هر یک چهار مثقال جند بیدستر فو مقل
الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق زراوند مدحرج سکبینج از هر یک دو مثقال عسل
که از کف جدا شده باشد دو رطل شراب کهنه ریحانی هشت رطل بوزن بغداد که هر رطل
از ان نود مثقال بود صمغها و عصارها و اقراص را در شراب خیسانند تا حل شود
و عسل بر سر ان کنند و یک شبانه روز بگذارند بعد از ان ادویه کوفته بیخته بلسان ان

چرب کنند و در یکدیگر بسرشند و در ظرف چینی یا نقره یا زجاجی نگاه دارند و سر آن مهر کنند و بعد از چهار ماه بلکه زیاده از آن استعمال نمایند و بعضی گفته اند و پیش از پنج سال استعمال نباید کرد و بعضی گویند پیش از دوازده سال استعمال نباید کرد و بعضی گویند از آن زمان در غایت قوت و جوانی بود و خوبی بود تا سی سال و چون از سی سال گذشت تا شصت سال قوت آن باقی هست و بعد از شصت سال حکم معاجین کبار دارد و از جهت جمیع امراض مذکوره نافع نیست الا دفع سموم و گزیدن جانوران **تریاق گل مختوم** کسی را که زهر داده باشد این تریاق قی آرد تا بدن او از آن پاک شود و بدین توان دانست که زهر داده اند یا نه اگر زهر داده قی آورد و الا نه **صفت** گل مختوم حب الغار ابرسا مساوی کوفته بیخته بروغن بادام یا گاو چرب کرده بعسل بسرشند شربتی مقدار یک بندق **تریاق اربعه** دفع مضرت گزیدن جانوران زهردار کند و باد را بشکند و قولنج بگشاید و اخراج حیض بنماید و تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد **صفته** جنطیانا حب الغار زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال با آب گرم **تریاق ثمانیه** بعد از تریاق اربعه ساخته اند منافع این بیشتر از منافع اوست **صفته** زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف قسط تلخ جنطیانا زرد چوب مساوی کوفته بیخته بعسل سرشته و معجون سازند شربتی یکمثقال **تریاق سرطان** گزیدن کلب را نافع باشد **صفت** سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل

سرشته

بسرشند شربتی یکمثقال تریاق عسگری جهت گزیدن عقرب نظیر ندارد صفة پوست
بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته ده درم ازان
سفوف سازند تریاق دیگر که همین منفعت میدهد صفة تخم سداب زراوند طویل حب الغار
جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد چوب بیخ حنظل جاوشیر مساوی کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفة مر کرد کان وشیر گاو از هر یک دو
درم سداب مر حلتیت از هر یک یکدرم کوفته با لعسل معجون سازند شربتی سه درم
بشراب یا ماء العسل تریاق افسنتین مرمکی افسنتین تخم کرفس از هر یک پنج درم
عسل سه وزن ادویه تریاق دیگر که در گزیدن عقرب و افعی تمام دارد صفة جنطیانا
زراوند حب الغار مرمکی قسط عود صلیب سداب جندبیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل
فلفل حلتیت مساوی کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی مثقالی بخورند بشراب افسنتین
تریاق دیگر که همین فایده دارد صفت زراوند مدحرج پوست کبر از هر یک پنج درم کوفته
بیخته با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن رتیلا نافع باشد
شونیز ده درم دوقو زیره کرمانی از هر یک پنج درم ابهل جوز السرو از هر یک سه
درم سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا تخم حماما
خندقوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی مثقالی کنند یک جوز
بشراب کهنه تریاق دیگر که در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیرست صفة انیسون
ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج جندبیدستر از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته

بشراب معجون سازند شربتی یک جوز تریاقی دیگر که گزیدن عقرب را نافع
باشد صفت ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته
شربتی یکدرم سفوف سازند تریاقی دیگر که دافع زهر افیون کو نیک ست صفت
حلتیت جندبیدستر ابهل فلفل مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی
مقابل فندق در شراب کهنه تریاق زرب مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق
یشب عاج طباشیر طراثیث کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید بهمن سرخ
و سفید دوحل سعد زیره کرمانی مدبر مصطکی کرویا مازوی سبز گل ارمنی ساذج
عدسی صمغ عربی از دکنار بسذ حب الاس عذبه دانه عناب بریان کرده
پوست بیرون پسته عجم زبیب از هر یک سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان
کرده بسحاس سفید دانه انگور بزرگ از هر یک پنج درم عود خام برراسج از
هر یک دو درم رب به شیرین رب سیب رب مورد مساوی معجون سازند
باب الثالث در یطوس این ترکیب مسمی باسم ملکی است از ملوک یونان
که مدا از زمان ماسی جالینوس برای او ساخته بودند او جامع کبد و معده و طحال
و گرده و مثانه و رحم و لسان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام و برص و تقوه
و رعشه و فالج و جمیع امراض عفنه مزمنه انواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع بود
و قی بلغم را بکشاید و استسقا که سردی بود و ضعف جگر باشد زایل کند و
اسهال آن بی سقمت باشد و ادرار بول و حیض کند و سنگ گرده و مثانه
متفتت

را بر انگیزاند و حرارت غریزی را تقویت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک گرداند و بادها
را دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ رو نیکو گرداند و مرض های کهنه و امتلا که از
بلغم مزاج و غلیظ جمع شده باشد دفع گرداند و عسر النفس زایل کند و سینه از اخلاط فاسده
پاک کند و بدن را رطوبت بطور از دو فربه گرداند و بادها بشکند و درد سینه و ضعف نفس
زایل کند **صفت آن** صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران دارچینی ... مصطکی
روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید
و سیاه دار فلفل مرجنطیا نا حب بلسان مفاح اذخر مو و حماما از هر یک دو درم کماذریوس
افرلطی افتیمون از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش درم مثقال
سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته در روغن بلسان چرب کنند و با سه چندان عسل
بسرشند شربتی چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال باقی میباشد **تیادریطوس**
منفعت آن قریب بمنفعت اول است **صفته** صبر سقوطری سی درم غاریقون بیست و دو درم
زعفران وج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم کمادریوس فلفل
سفید اسارون عود بلسان از هر یک ... درم فلفل سیاه جندبیدستر از هر یک چهار درم
ریوند چینی بوموسیل از هر یک یکدرم عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم با آب گرم
باب الجیم جوارشن شهریاران سردی جگر و معده و قولنج و عسر البول را نافع بود   الجیم
قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز بوا اهیل مصطکی قاقله حب بلسان زر
زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا سه درم تربد سفید حب النیل از هر یک سه درم

قند مردن ادویه کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال تا هفت مثقال باب گرم **جوارش اترج** معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بوی دهن خوش کند **صفت** پوست ترنج خشک کرده سه درم قرنفل جوز بوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش عود** باد را تحلیل کند و خفقان و دل تنگی زایل کند **صفت** عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم بسباسه سعد قرنفل سک زرنب از هر یک نیم مثقال دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از هر یک دو درم گاوزبان پنجدرم کافور دانکی و نیم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشتند **جوارش عود** نوعی دیگر معده و دل را قوت دهد و پیران را موافق باشد **صفت** عود خام قرنفل ساذج زنجبیل قاقله قرفه سک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران یک مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشتند **جوارش عود** نوعی دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبت دفع کند **صفت** عود پنجدرم قرنفل سه درم قاقله کبار سنبل از هر یک دو درم عود پنجدرم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشتند **جوارش عود** نوعی دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای طعام آورد و هاضمه را قوت دهد **صفت** قرنفل چهار درم سنبل یکدرم عود پنجدرم نبات یکمن نبات را در گلاب بگذارد و بقوام آورد و فرو گیرند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند و بر روی سنگی بریزند **جوارش عود** نوعی دیگر معده را باصلاح آورد و اشتهای طعام پیدا کند **صفت** عود خام پنجدرم و پوست ترنج ده درم مصطکی یک مثقال نبات یکمن بهم بان بریزند **جوارش عنبر** خفقان و سردی معده و بدی هضم و اوجاع رحم

را نافع بود

رحم را نافع بود از برای بران بغایت خوبست صفته قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی
از هر یک چهار درم زنجبیل دارفلفل از هر یک ده درم و وارد مصطکی عنبر از هر یک دو درم
قرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوزبوا پنج درم مشک یک درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی یکمثقال جوارش عنبر نسخه دیگر عنبر یک مثقال قند سفید یکمن قند را
بقوام آورند و فرو گیرند و عنبر را در آن حل کنند و بر سر دو بر روی سنگ ریزند جوارش
مصطکی سردی معده و جگر را نافع بود و بلغم دفع کند و آب از دهن باز دارد صفته
مصطکی [illegible] مثقال کوفته و بیخته با یک من قند و سی درم گلاب بر روی سنگ ریزند جوارش
جالینوس این جوارش را خاصیت بسیارست [illegible] اعضا را قوت دهد و بوی دهان خوش
کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد و
دیوانگی و صرع و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و [illegible] و حصات کلیه و مثانه
را نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند و گفته اند هر که [illegible] این جوارش
مداومت نماید از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد و بعضی از حکما این جوارش دوا
را که کرده اند [illegible] صفته سنبل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان
و قرنفل سعد زنجبیل فلفل قسط بحری عود بلسان اسارون تخم مورد قصب الذریره
زعفران از هر یک دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته بیخته با دو
چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال با شش مثقال پس از طعام یا پیش از طعام
توان خورد جوارش تمر هندی قی و تهوع و عطش [illegible] را بکشاید صفته زیره کرمانی مدبر

بوره ارمنی قطراسالیون زنجبیل فلفل سعد از هر یک ده درم و نیم سقمونیا مشوی پنج درم
خرماهای دانه بیرون کرده مغز بادام مقشر بریان کرده از هر یک ده مثقال ورق بید آب ده
درم خرما را در سرکه خیسانند یک شبانه روز بکوبند و از غربال بیرون کنند و عسل کف
گرفته سه وزن ادویه بر سر همه کنند و بجوشانند تا بقوام آید داروها کوفته بیخته با آن بسرشند
شربتی یک مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جوارش مشک خفقان و باد بواسیر را
نافع باشد و بادهای معده را دفع کند صفت خیربوا قاقله زنجبیل دارفلفل از هر یک ده
درم مشک خالص نیم مثقال قند سپید شصت درم کوفته بیخته بعسل بسرشند جوارش کافور
اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند صفت زرشک ده درم گل سرخ
هشت درم طباشیر سفید کهربا و موصل از هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت
درم حب الآس شش درم نبات سفید ده درم سماق ده درم انار دانه بریان کرده
هم ده درم کافور سه درم زعفران شاه بلوط از هر یک پنج درم موصل چهار درم بآب
حماض بسرشند شربتی دو درم جوارش کندر اسهال بلغمی باز دارد و معده
را گرم کند صفت کندر شصت درم فلفل دارفلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل
خولنجان از هر یک ده درم قرنفل خیربوا جوزبوا از هر یک پنج درم مشک نیم درم
عود خام دو مثقال قند سفید شصت درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم
جوارش جوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز را بگدازد و کسی را
که هم استسقا بود نافع بود و ادرار بول کند صفت قسط قرنفل سنبل حب بلسان سلیخه

ازیکی

از هر یک ده درم جوز بوا بنجعد دو قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک سطرح بارهنگ از هر یک
چهار درم بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند چینی زراوند مدحرج اسه از هر یک
پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زنبق بریان کرده از هر یک بیست درم بلیله ده عدد
حب الآس بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها کوفته
بیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نماید **جوارش طباشیر** تب و اسهال صفرادی
را نافع بود **صفت** طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک ده درم تخم حماض صمغ عربی
از هر یک هفت درم گلنار سماق عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم زعفران افیون
از هر یک دو درم کوفته بیخته بشراب سیب بسرشند شربتی دو درم **جوارش سماق** اسهال
صفرادی باز دارد **صفت** سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب سی درم صمغ عربی
گلنار انار دانه از هر یک پنج درم کوفته بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم **جوارش
انجدان** قولنج بگشاید و بادها دفع کند و جشاء حامض را نافع باشد و احیانا را بیشتر
دارد **صفت** فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم ایرسا و زنجبیل از هر یک شش درم انیسون
مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی دو درم **جوارش بارهنگ** طبع را نرم کند و قولنج بگشاید **صفت**
خیربوا یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم بارهنگ قرنفل از هر یک سه درم دار
فلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی از یک درم تا سی درم **جوارش دیگر** که اسهال صفرادی

بی مشتعف کند صفت آن عود خام مصطکی از هر یک یکدرم تربد سفید چهار درم سقمونیا نیم درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنجدرم باب گرم جوارش بسبانه نواسیر و سردی معده و بدی
و هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن بسباسه قرفه قاقله صغار زنجبیل
دار فلفل دارچینی اسارون از هر یک یکدرم قاقله کبار پنجدرم فلفل ده درم قرنفل یک درم
و نیم قند سفید بیست درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش معلیا نازجر و مغص
و بواسیر را نافع باشد صفت تخم تره ترک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی
شش درم هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارش
شمسم معده را قوت دهد و شهوت ردیه زنان را در وقت حمل دفع کند و رنگ زرد
نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت آن زرنباد کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم
کبابه مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دار فلفل کرویا قاقله دارچینی از هر یک سه درم
شکر طبرزد سود مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارش که خلط ازبار کند صفت
زنجبیل نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل سعه معده و فضلات دفع کند صفت آن
تربد سفید ده درم زنجبیل پنجدرم قند سفید پانزده درم شربتی سه درم جوارش
سهریاران نسخه دیگر قولنج بگشاید و فضولات ردیه را دفع کند و معده را قوت
دهد صفت فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی قولنجان قرفه از هر یک
یکدرم و نیم سقمونیا ده درم عسل چهار درم شربتی یک درم و نیم تا سه درم

جوارشی داروی

جوارش دارچینی ضعف گرده و مثانه و معده را نافع باشد و بادهای غلیظ بشکند و اخلاط
غلیظ را دفع کند صفت دارچینی عود هندی راسن از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه
دارفلفل سنبل اسارون از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعناع هشت درم خیربوا قرفه از
هر یک چهار درم مصطکی انیسون رازیانه سلیخه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش حب الآس هیضه و اسهال معده را نافع باشد و قی که از بلغم و رطوبت باشد
باز دارد صفت حب الآس بیست مثقال هلیله سیاه بلیله املج طالیسفر از هر یک بیست درم
فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم جوزبوا تخم کرفس یا نانخواه از هر یک نیم درم
ساذج هندی حماما از هر یک چهار درم مصطکی قرفه تا کرویا یا انیسون زیره کرمانی
سنبل سلیخه قاقله قسط از هر یک شش درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک درم
جوارش سقمونیا قولنج و لقوه و باد بواسیر و بادها بشکند که در معده بود صفت آن
سقمونیا تربد سفید از هر یک پنج درم فلفل و قاقله از هر یک سه درم زنجبیل [illegible] املج
قرنفل بسباسه جوزبوا از هر یک دو درم و نیم قند سفید بوزن دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی چهار مثقال جوارش هندی اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را
نافع بود صفت سقمونیا ده درم خیربوا قاقله دارچینی زنجبیل قرفه بادرنگ قرنفل
فلفل سفید از هر یک پنج درم تربد سفید صد درم قند سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش زنجبیل ضعف معده و امعاء و هیضه را نافع باشد و طعام را هضم کند و بادها بشکند
و اسهال باز دارد صفت زنجبیل بیست درم صمغ عربی خیربوا از هر یک ده درم قرنفل دارچینی

از هر یک پنج درم جوز بوا یک درم و دانگ عود زعفران یک درم نشاسته چهل و دو درم شکر طبرزد

بود مثقال جوارش مصطکی قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط لزجه غلیظ را دفع کند صفت

دار فلفل زنجبیل بلیله زرد سقمونیا تربد سفید از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا

نمک طبرزد از هر یک شش درم قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش

تفاحی که معده و دل و جگر و احشا را قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و بعد از آن دفع

خمار کند صفت آب انار ترش و شیرین آب سیب آب امرود آب غوره آب زرشک

آب سماق آب لیمون مجموعه مساوی بجوشانند تا ربع آید فرو گیرند قند بقوام زیاده افکنند

و بر زنند و ابهاء بر زنند چندانکه غلیظ شود و بر روی سنگ ریزند باب الحار حب ایارج

دماغ و اعصاب سر و دماغ را از فضول پاک کند و اخلاط بلغمی و صرع و سکته و امراض

عینی را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا تربد سفید خراشیده بروغن بادام چرب کرده

از هر یک یکدرم حب النیل غاریقون سفید انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل

نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته باب رازیانه بسرشند و حبها سازند و در

بعضی نسخه مقل و کتیرا نیز داخل کنند حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را

نافع باشد صفت آن صبر سقوطری یک مثقال تربد سفید یکدرم و نیم حب النیل

غاریقون از هر یک نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی قدری مقل کتیرا انیسون از

هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند و این یک شربت است حب سورنجان

مفاصل و نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت صبر سقوطری ماهی زهره سورنج از هر یک

نیم درم

یکدرم سورنجان تربد سفید از هریک یکمثقال کثیرا دانگی حب النیل غاریقون نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی دانگی و همه کوفته و بیخته باب کرفس حبها سازند و این یک شربت است

حب سورنجان نسخهٔ دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن ایاره فیقرا تربد موصوف ماهیزهرج از هریک یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون انیسون از هریک نیم درم سقمونیا کثیرا شحم حنظل از هریک دو دانگی کوفته و بیخته باب رازیانه حب سازند

حب سورنجان نوعی دیگر صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید از هریک نیم درم سورنجان سقمونیا از هریک دو دانگی و نیم تخم کرفس و نمک هندی از هریک دو دانگی باب رازیانه حب سازند

حب ایاره درد معده و سپرز را نافع باشد و قوت باصره بدهد و درد سر و تاریکی چشم را ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هریک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته باب حب سازند شربتی یکمثقال تا یک مثقال و نیم در وقت خواب فرو برند و بخسبند

حب ایارج نوعی دیگر صبر سقوطری یک مثقال محموده دانگی تربد دو دانگ غاریقون دو دانگ شحم حنظل یکدانگ گل سرخ یک دانگ کوفته و بیخته بلعاب کثیرا حب سازند و شب وقت خواب خورند نافع است

حب جالینوسی صداع و درد چشم را نافع بود و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آورد صفت صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از هریک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هریک نیم درم کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند شربت یکمثقال

حب غاریقون سده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را نافع بود صفت افیون صبر سقوطری از

از هر یک شش درم غاریقون چهار درم وطراسالیون تخم کرفس و دوقو از هر یک دو درم
سقمونیا یک درم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی دو درم حب غاریقون
نسخه دیگر همین خاصیت دارد طبع را نرم کند چون هر شب یکدرم از آن بخورند صفت
غاریقون ده درم عصاره غافث ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم کوفته
و بیخته با آب حب سازند حب منتن فالج لقوه و قولنج و مفاصل و نقرس که از سردی باشد
و وجع ظهر را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و حیض بگشاید و درد اعصاب و
استرخا و جمع دردها را نافع باشد صفت سکبینج اشق جاوشیر مقل حرمل شحم حنظل
صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت مساوی انزروت را در آب
حل کنند و داروها کوفته با آن سرشته و حب سازند شربتی دو درم حب اسطمخیقون بدن
را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ پاک کند صفت پوست هلیله کابلی شش درم هلیله هندی
املج افتیمون غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک
دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارج فیقرا نه درم قرنفل یکدرم صمغها را
در آب بگدازند و دو درم سقمونیا در آن حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدو بسرشند
و حب سازند حب سرفه سرفه را سود دارد صفت پوست بیخ رازیانه تخم کرفس رب السوس
پرسیاوشان مغز بادام از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند برابر نخود
حب دیگر سرفه بلغمی را مفید بود صفت رب السوس کتیرا صمغ عربی مغز تخم کدو
شیرین نشاسته کتیرا از هر یک یکدرم نبات سفید پنج درم کوفته و بیخته حب سازند

ایارج

برابر نخود کلان و بلعاب بهدانه و بقدر کفایت بکار برند حب دیگر سرفه که از گرمی باشد کفایت کند
صفته مغز بادام مقشر مغز تخم خیارین نشاسته صمغ عربی خشخاش سفید از هر یک یکدرم رب السوس
دو درم باقلای مقشر سه درم بلعاب اسپغول حب سازند برابر نخود کلان بقدر حاجت بکار برند
حب هلیله صداع و درد چشم را نافع بود صفته صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد ده درم
کتیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بکلاب حب
سازند شربتی دو درم حبی که داء الثعلب را نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم دفع کند
صفته اول افتیمون چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک مثقال صبر
سقوطری ده مثقال انزروت سفائج مقلی از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال
کوفته و بیخته باب خالص حب سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج بکشاید و بادهای غلیظ
را دفع کند صفته سکبینج شحم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم باب سداب حب
سازند شربتی یکدرم حبی دیگر که بادها بشکند و مس و اورام حصه را نافع باشد صفته تخم کرفس
هرار سپند انیسون مصطکی زعفران از هر یک یکدرم پوست هلیله کابلی املج سکبینج مقل
از هر یک دو درم فطراسالیون بودینه اذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر یک
سه درم کوفته و بیخته باب سداب حب سازند و هر روز یکدرم تناول نمایند حبی دیگر
که بجهت کوفته دمی نافع باشد صفته پوست هلیله عاقرقرحا فلفل دارفلفل زنجبیل
تخم کتائی خوردات نالسه سهاکه ساجی جواکهار کوفته و بیخته در رس ادرک حبه بندند
مقدار دو مثقال یک صبح و یک شام خورد حب ازریون استسقاء زقی را نافع بود

صفت ریوند چینی عصاره غافث تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم بارزرون
مدبر نه درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر همین خاصیت دارد صفت
تخم بادرنبون مغز تخم بادام از هر یک پنج درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند
حب جربان خناز یر و عدد سلعه را نافع بود صفت ایارج فیقرا سه درم غاریقون دو درم
و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد هفت درم جاوشیر یک مثقال
نوشادر دو درم سقمونیا یک مثقال کوفته و بیخته با آب کندنا حب سازند شربتی از
یکدرم حبی دیگر که چنین خاصیت دارد صفت سنبل سلیخه حب البلسان اسارون
عود بلسان مصطکی دارچینی زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم
اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنج درم تربد سفید هفت درم نمک هندی دو درم
سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم حب شیطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع
ظهر را نافع باشد و فالج و لقوه و حیض بسته بگشاید و بغایت مفید است صفت [illegible]
هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دارفلفل عاقرقرحا از هر یک یکدرم
خردل سه درم شیطرج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم ما سکری
چهار درم با آب کرفس حب سازند شربتی سه درم حب غافث یرقان و ورم
جگر را سود دارد صفت غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مصطکی کوفته
و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر و بهق و برص و صرع را
نافع باشد و امراض سوداوی را سود دهد صفت ایارج فیقرا پنج درم جوز معسول

هفت درم افتیمون ده درم سقمونیا تخم حنظل خربق سیاه از هر یک دو درم سنبل انیسون از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره جرب را
نافع باشد صفته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنجدرم صبر سقوطری هفت درم
سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب مقل بواسیر را
نافع بود صفته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنجدرم پوست هلیله کابلی مقل از هر یک
پانزده درم تربد سفید ده درم سکنجبین پنجدرم خردل دو درم مقل سکنجبین را در آب کنند تا حل
شود و داروها کوفته و بیخته با آن سرشند حب مقل نوع دیگر شقاق را مفید بود و طبع را نرم کند
و محرور را موافق بود صفته پوست هلیله کابلی بیست درم مقل ده درم کتیرا پنجدرم انجیر سی عدد
در آب بریزند تا مهرا شود و بپالایند و مقل و کتیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته با آن سرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نسخه دیگر درد معده و امعا و بواسیر را نافع بود صفته
هلیله سیاه بلیله امله از هر یک جزوی مقل را از همه را در آب کنند تا حل کنند و داروهای دیگر
را کوفته و بیخته با آن سرشند و حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که چون سه شب متوالی بخورند
وجع بواسیر را ساکن کند صفته هلیله سیاه بلیله امله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی صغیر
مصطکی سورنجان اشق برازر سفید شیطرج ماخواه از هر یک یکدرم سنبل زعفران دارچینی وج
زنجبیل دانه سکبینج از هر یک نیم صبر سقوطری بیست درم سکنجبین دو درم مقل و سکبینج را در آب
کنند تا بگذارد و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن سرشند و حب سازند شربتی چهار مثقال حب الاعادیه
بادها بشکند و طبع را نرم سازد دهوتنج نکت یه صفته زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دار فلفل

نارمشک مصطکی از هر یک یک مثقال سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته و بیخته
حب سازند هر یک بمقدار نخودی هر یک یک مجلس اجابت کند حب بهرامی استسقاء لحمی را مفید بود
صفته صبر سقوطری چهارده درم افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل بلیله تربد سفید
مصطکی از هر یک دو درم زعفران یک درم و نیم غاریقون سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته
حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که بهق و برص را نافع باشد صفته ایاره فیقرا یک
مثقال لاجورد مغسول سنبل انیسون شحم حنظل کثیرا اسقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب صرع ایاره فیقرا نیم مثقال افتیمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی
غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل کثیرا اسقمونیا از هر یک
دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند حبی دیگر هم از جهت صرع صفته صبر یکدرم غاریقون
نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دانگی و نیم مصطکی و سنبل از هر یک دانگی
حبها ساخته بطبیخ اسطوخودوس بنوشند حبی دیگر جهت ضعف باه صفته ایاره
فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم حب النیل انیسون از هر یک نیم درم و شحم حنظل و
غاریقون عاقرقرحا خصیه الثعلب از هر یک نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
حب دیگر جهت اشک صفته ایاره فیقرا یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون لاجورد
مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک نیم درم سقمونیا دانگ و نیم و یک طسوج افیون
کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب هلیله جرب و حکه را نافع
پوست هلیله زرد صبر سقوطری از هر یک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانگی
کوفته و

کوفته و بیخته باب حب سازند **حب فالج** ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم شحم حنظل
حب النیل سکبینج از هر یک دانگی و نیم اسطوخدوس بوزیدان از هر یک نیم درم کثیرا دانگی
کوفته و بیخته باب حب سازند **حب استرخاء الریح** ایاره فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم
اسطوخدوس بوزیدان عود الصلیب از هر یک نیمدرم شحم حنظل مصطکی از هر یک
دانگی محموده نیم دانگ باب رازیانه حب سازند **حب استسقا** تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیمدرم
غاریقون زراوند طویل از هر یک دانگی و نیم مقل الیهود تخم الجزره از هر یک دو دانگ فرفیون
بروغن گل خیسیده کرده دانگی کوفته و بیخته باب خالص حب سازند **حب دیگر** جهت استسقا
صفته ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم رازیانه تخم کرفس از هر یک نیمدرم محموده
دانگی و نیم ایضا غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین تخم الجزره از هر یک نیمدرم نمک
هندی دانگی مقل ازرق دو دانگ باب رازیانه حب سازند **حب سبات سهری**
بنفشه ده درم پوست هلیله زرد و تربد سفید از هر یک یکدرم نمک هندی رازیانه تخم کرفس
از هر یک نیم درم محموده دانگی و نیم باب خالص حب سازند **حب صبر** ایاره فیقرا تربد سفید
صبر سقوطری از هر یک مثقال حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی از هر یک نیمدرم انیسون
یکدرم فلفل مصطکی کثیرا از هر یک دانگی باب رازیانه حب سازند **حب بهق و رعشه** تربد
یکدرم و دو دانگی و نیم غاریقون ایاره فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه
سطرح عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل انیسون از هر یک
دانگی باب حب سازند **حب القوه** تربد یکدرم و نیم ایاره فیقرا افتیمون از هر یک

از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده و مقل از هر یک
دانگی بآب حب سازند حب رعشه تربد سفید یک درم پوست هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم
صبر چهار دانگ گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ بآب حب سازند حب رعشه و تشنج
سفرجلی مسهل سه درم تربد یک درم و نیم درم سورنجان چهار دانگ بزر زیدان ماهی زهره قنطوریون
دقیق از هر یک دو دانگ بآب حب سازند حب دیگر که درد نقرس در یک ساعت بنشاند صفت
انیسون زیره کرمانی فلفل سفید دارفلفل مغز حب القرطم از هر یک دو درم سلیخه یک درم
زنجبیل فرفیون از هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست درم بآب حب سازند
شربتی دو درم بآب زیره حب رجا تربد یک درم و نیم غاریقون ایارجه فیقرا افتیمون
از هر یک چهار دانگ قنطوریون ماهی زهره عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ شحم حنظل
سقمونیا از هر یک سه حبه مقل انیسون از هر یک دانگی بآب رازیانه حب سازند حب جدوار
جهت ... ولش منی و قوت باه مفید است صفت جدوار ... چهار درم درونج عقربی
کبابه چینی بسباسه بزر البنج تخم کرفس قرنفل صمغ عربی خولنجان بودنه گاوزبان سعد
تخم کندر تخم شلغم مغز تخم خیارین لسان العصافیر کشنیز رازیانه چوب چینی عاقرقرحا از هر یک
سه درم زعفران زنجبیل اسارون مقل ازرق عود خام از هر یک چهار درم بهمن سرخ و سفید
قاقله فرفیون ریوند چینی مصطکی سلیخه صندل سفید صعتر زیره کرمانی از هر یک دو درم
دارچینی خصیة الثعلب از یک پنج و نیم درم دارفلفل نه درم ادرباد هفت درم شقاقل
مصری جاوشیر ... مرزنجوش از هر یک دو درم پوست هلیله دانه اسفند انیسون

ایل

هر یک چهار درم ورق گل سرخ سه درم صندل سفید مشک عنبر هر یک نیم درم افیون مصری ربع درم نبات
شش درم ورق طلا و نقره یک درم گلاب نیم آثار زعفران و افیون و مشک و عنبر جدا و سر
را در گلاب حل کرده ادویه را کوفته و بیخته در آن خمیر کرده حب سازند و خشک کنند و بعد از آن
بکار برند حب اصلاح تربد یکدرم و چهار دانگ افتیمون نیم درم عصاره غافث عصاره افسنتین
از هر یک دانگی و نیم شحم حنظل مقل انیسون مصطکی از هر یک دانگی با آب حب سازند حب مقل
تربد یک مثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم
ایاره فیقرا نیم درم گل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانگی مقل دو دانگ کثیرا طسوجی
با آب خالص حب سازند حب ایو تربد یک درم ایرسا نیم درم ایاره فیقرا اغاریقون از
هر یک یکدرم محموده دانگی مقل دو دانگ نفط نیم درم با آب حب سازند حب ... ایاره فیقرا
عاقرقرحا از هر یک نیم درم جندبیدستر سیطرج هندی بزر البنج از هر یک سه درم سکبینج شحم حنظل
از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب برقان صبر یکدرم
محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ با آب کاسنی حب سازند
حبی دیگر دیگر که نافع است از جهت نقرس چهار صفت سورنجان یکدرم محموده دانگی و نیم
تخم کرفس دانگی صبر یکدرم با آب خالص حب سازند حبی دیگر که بلغم را از مفاصل و نیز ...
جذب کند صفت سعد سورنجان بوزیدان از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ
شحم حنظل دانگی سکبینج از هر یک دو درم صبر چهار درم جندبیدستر مقل از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم حب بربویا اوجاع مفاصل را در روز با صلاح اورد

[illegible] صفت آن [illegible]

صفته صبر سقوطری تربد سفید از هر یک هشت درم پوست هلیله زرد بوزیدان سورنجان
از هر یک دو درم انیسون سقمونیا از هر یک یکدرم مقل یکدرم و نیم باب کند با حب سازند
شربتی سه درم باب گرم حب لاجورد سودا را دفع کند و امراض سوداویرا نافع باشد
صفته لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هر یک درم غاریقون پنجدرم افیتمون
بسفایج از هر یک چهار درم ایاره فیقرا شش درم باب کرفس حب سازند شربتی سه درم
بماء الجبن حب کوکبوانی اعضاء سر و معده را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء
الثعلب را نافع باشد و چون یکدرم ازین حب و یکدرم ایاره فیقرا حب کرده بخورند چشم را
روشن کند و مانع نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن بیرون کند صفت آن
صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانگی و نیم مقل دانگی کثیرا
نیم دانگ باب حب سازند حب العشرة لقوه و رعشه و فالج را نافع باشد صفت
زنجبیل فلفل دار فلفل شیره املج سعد مصطکی دارچینی سلیخه سنبل اسطوخودوس از هر یک
دو درم صبر بیست درم باب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب الصدر سرفه
کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفته غاریقون سفید از هر یک سه درم
اصل السوس شحم حنظل ایاره فیقرا انزروت از هر یک دو درم باب حب سازند
شربتی یکمثقال بماء العسل حب الملوک نافع است کسی را که از مسهل بطبع
کراهت داشته باشند و مسهل راقی کند صفت تربد سفید یکدرم و چهار دانگ
غاریقون چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم

افیتمون

افتیمون و نیم درم گاوزبان و بلیلج شش دانگ و بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک دانگی کوفته و بیخته بلعاب حب سازند **حب الملوک دیگر** قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند **صفته** صبر سقوطری پنج درم

تربد ده درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو درم مصطکی

زعفران ساذج هندی قسط سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل فلفل خیربوا

دارچینی کبر اجاجله از هر یک نیم درم سقمونیا دو درم مثکی دانگی کوفته و بیخته بلعاب حب سازند

شربتی سه درم **حب بنفشه** اخلاط غلیظ را از سینه پاک کند و ضیق النفس را بغایت

نافع باشد و حفظ بفرماید **صفته** بنفشه دو درم تربد سفید یک مثقال محموده دانگی و نیم کتیرا

رب السوس نیم درم باب حب سازند و این یک شربت است **حب افتیمون** اعضا سر و

معده را سودا و از سودا پاک کند **صفته** ایاره فیقرا شحم حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون

مقل از هر یک دو درم تربد شش درم محموده یکدرم حب سازند شربتی دو درم و نیم **حب سفالج** بلغم و سودا

از معده و دماغ پاک کند **صفته** ایاره فیقرا ده درم اسطوخودوس دو درم شحم حنظل شش درم اسطوخودوس

افتیمون از هر یک دو درم تربد هشت درم سقمونیا یکدرم و نیم باب حب سازند شربتی دو درم

و نیم **حبی دیگر** که جمیع امراض سوداوی و صفراوی را نافع باشد **صفته** پوست هلیله کابلی شش

درم پوست بلیله امله مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایارج فیقرا پنج درم شاهتره

سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم

کوفته و بیخته باب کاسنی حب سازند شربتی سه درم **حب السعال** صمغ عربی نشاسته کتیرا

از هر یک سه درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار از هر یک دو درم مغز بادام مقشر

خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر بزر و ماندار هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
حب سازند اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و میعه از هر یک چهار درم زعفران یک درم اضافه
نمایند حب السعال نافع است اطفال را که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه خشک که مانع خواب باشد
در شب و سوار دل جاده را دفع کند صفته نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش افیون متساوی
کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند هر یکی بمقدار نخود حب السعال بارد مغز بادام مغز تخم خیارین
صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک یک درم رب السوس دو درم باقلا سه درم
بلعاب بذر قطونا حب سازند حب السعال حار پوست بیخ رازیانه پرسیاوشان تخم کرفس
رب السوس مغز بادام متساوی کوفته و بیخته با آب حب سازند حب السعال دیگر که سرفه را که
یابس بود نافع باشد صفته نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا کوفته
و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند حب السعال دیگر مدقوق و مسلول نافع باشد و سرفه گرم و خشک
را ببرد صفته صمغ عربی کثیرا مغز بهی دانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید
از هر یک سه درم مغز بادام باقلا مقشر مغز تخم کدو از هر یک پنج درم بلعاب بذر قطونا حب
سازند حبی دیگر که سینه را از اخلاط پاک کند و آواز را صاف گرداند و حرارت و سرفه و
دلهم را نافع باشد صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده چلغوزه
از هر یک دو درم کثیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس رب السوس از هر یک یک درم
خایند و قند از هر یک چهار درم با آب رازیانه و قدری عسل حب سازند حب المسک
بوی دهان خشک کند و ثنه را قوت دهد صفته قرنفل فلفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک

بلوام

یکدرم گل سرخ صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر نیمدرم مشک کافور از هر یک دانکی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند حب السکته همین خاصیت دارد صفته قاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی
خولنجان موصل از هر یک یکدرم مشک دو دانک پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک
مثقال سعد دو درم بگلاب حب سازند حبی که همین منفعت دارد صفته مشک قرنفل جوزبوا
سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی بآب زردالو حب سازند و هر یک بمقدار نخود
هر صباح و شبانگاه حب ازان در دهن نگاهدارند حبی دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب از دهن
ببرد صفته پوست ترنج قلفل مرحمک ترکیب مرحمک سنبل زنجبیل کبابه بسباسه سعد
از هر یک پنجدرم مشک طباشیر از هر یک نیمدرم عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلاب ده درم
صمغ عربی دانکی بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین عمل کند صفته کبابه قرنفل ورد طباشیر از هر یک
دو درم مشک دانکی عنبر نیمدرم عود یکدرم کوفته و بیخته بگلاب و صمغ عربی که دران مسحوق باشد
سرشته حب سازند حب مقل قابض خون زخمها از بواسیر باز دارد صفته هلیله سیاه پوست
هلیله کابلی درم بیریان و اهله مقشر مقل از هر یک دو درم مرجان کهربا دوغ سوخته از هر یک
یکدرم مقل را در آب اهنکران حل کرده داروها صلایه کرده بآن بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم حبی دیگر که همین خاصیت دارد صفته هلیله کابلی بریان کرده برو عکاقیا سه درم
کهربا ده مثقال مقل پنج بر همه بآب کندنا و ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم حب ممسک طبیعت بند و خون زخمها باز دارد صفته سماق دو درم مازو یکدرم
پوست انار نیمدرم حب الآس ده درم عجم زبیب سه درم کوفته و بیخته بآب و لعاب صمغ عربی

حب سازند شربتی دو درم با آب مورد ابخته و از عقب آن ماء الآس و بار خورند حبی دیگر که
اسهال خون باز دارد صفت مرصاف قرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند
هر یک مقابل فلفل شربتی سه حب تا پنج حب حب البرجر اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد
گاهی که حرارت و تب باشد صفت جند بیدستر اسارون میوه سائله بزر البنج سیاه کندر
مساوی کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر که در ساعت شکم به بندد
صفت افیون یک درم اقاقیا دو درم گل ارمنی سماق حب الآس از هر یک چهار درم کوفته
و بیخته با آب که صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال حبی دیگر خواب تمام
آورد و در اطراف انزال اثری تمام دارد صفت عود خام قرنفل کبابه فلفل از هر یک سه درم
زعفران نیم درم مالنکو دو درم دارفلفل تخم بابونه مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته با قند بقوام آورند و بسرشتند و حب سازند هر یک بمقدار نخودی حبی دیگر که مسکّن
اوجاع است صفت مصطکی حب النار مرمکی زعفران فلفل قرنفل جند بیدستر حسیل امدیای
عاقرقرحا از هر یک یک مثقال و نیم بگلاب حب سازند شربتی یکی با لعاب بذرزرات
و سرسام و امراض حاده را نافع است و طبع را نرم کند صفت عناب سپستان بنفشه تمر هندی مقشر
نیم کوفته سبوس گندم خطمی خسک اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر پنجعدد در سه رطل آب
بجوشانند تا برطلی آید و بپالایند و شکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم روغن
کنجد ده درم الکامه پنجدرم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه کنند حقنه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس
دو درم سپستان سی عدد دو دانگ جو یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک

کو

کف حلبه را در سه من آب جوشانند تا یک من بماند صاف کنند ده درم لعاب بزر قطونا و بیست درم روغن بنفشه بادام ده درم اب کاسنی دو درم بوره ارمنی یک درم نمک اضافه نمایند و بیست درم شکر سرخ دران حل کنند و بر سبیل حقنه بر زنند **حقنه معتدله** حلبه برگ الخبز عناب بنفشه سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک حسک شبت سبوس گندم از هر یک کفی بپزند چنانکه رسم است و بپالایند و ده درم مانید و دو درم بوره ارمنی و یک درم نمک هندی و پانزده درم روغن شیره اضافه نمایند و بگرم عمل کنند **حقنه حاره** شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم مویز یک کف بپزند و بپالایند و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن بابونه اضافه نموده استعمال نمایند **حقنه دیگر** قولنج بلغمی و درد پشت و بادهای غلیظ را نافع بود **صفت** حلبه برگ قنطوریون حسک بنکوفته خطمی از هر یک کفی الخبز سی عدد عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چقندر برگ کرنب شبت از هر یک و سه سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم مغز تخم کافشه کوفته بیست درم بپزند و بپالایند چنانکه رسم است و یک درم نمک هندی و دو دانگ بوره ارمنی و نیم درم جند بیدستر و دو دانگ شحم حنظل و ده درم اب کاسنی و بیست درم شکر سرخ اضافه نمایند و استعمال کنند **حقنه دیگر** استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع بود **صفت** سنبل رومی نیم درم شبت بابونه کافشه بکوفته مرزنجوش بکوفته از هر یک کفی سداب بادرنجبویه قنطوریون و حسک از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده درم ابکامه ده مثقال اب برگ چقندر روغن زیت از هر یک ده درم نمک بوره ارمنی از هر یک نیم درم

بطریق معهود عمل نماید حقنه دیگر قولنج را باید صفته سنا مکی نیم مثقال گاوزبان خشک شبت
از هر یک سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم بابونه سبوس گندم گل
خطمی از هر یک کفی گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت روغن گل شکر سرخ اگر
چغندر از هر یک ده مثقال انجامه گلقند اصفهانی از هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم کوفته
و بیخته صاف کرده چنانکه رسم است عمل نماید حقنه دیگر که رئیس روده و اسهال صفراوی
را سود دارد صفت آب برگ خرفه آب لسان الحمل از هر یک چهار مثقال تخم [illegible]
گل امیخته یک علی و اقاقیا نیم درم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا مرجان
گل مختوم از هر یک یکدرم ممزوج سازند و استعمال نماید حقنه که قروح امعا و اسهال دموی
را نافع باشد صفت آن کشک جو برنج نشسته از هر یک سه مثقال بریزند و بپالایند و سفیداب
نشاسته و اقاقیا و گلنار از هر یک نیم درم زعفران سماق ابیض از هر یک یکدرم
زرده تخم مرغ عددی بده درم روغن گل حل کنند و در یکدیگر بیامیزند و استعمال نماید باب
انقیا خندقون برودت معده و احشا و جگر را نافع باشد و باه را قوت دهد و ارای
یران مفید بود صفت آن شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل ده درم
قاقله خیربوا زعفران از هر یک مثقالی قرنفل مشک از هر یک نیم درم دارچینی فلفل
از هر یک یکدرم ادویه را نیمکوفته کنند و سوای مشک و زعفران در کیسه کنند و سر کیسه
نرم ببندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست
می مالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران در آن حل کنند

ونگاه

ونگاه دارند خضاب که موی را سیاه کند صفت او بلیله یک رطل کتیرا روی سوخته شب یمانی
از هر یک پنج درم نوشادر چهار درم نمک اندرانی دو درم مازو در روغن زیت بجوشانند تا
شق شود با ادویه دیگر بکوبند و باب گرم بسرشند و بگذارند تا چهار ساعت و باب نیم گرم بشویند
خضاب وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بروغن گل چرب سازند و باب گرم بسرشند
و شب بمالند و صباح باب گرم بشویند خضاب دیگر گل بقاقیتی ده درم املج مقشر با بلاد
از هر یک پنج درم بسرشند و ابتدا روز در آفتاب بنهند و سرکه اضافه میکنند و بعد از آن
استعمال نمایند خضاب دیگر جوز السرو در سرکه جوشانیده قرب ده درم مازو سبز در رو
غن زیت بجوشانند تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست ترار هر یک ده درم برشیاوشان
شب یمانی اقاقیا املج از هر یک شش درم کوفته و بیخته باب گرم بسرشند و خضاب کنند
و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیگر پوست گردگان شب یمانی پوست انار سحق
سوخته جزو از هر مساوی کوفته بیخته باب گرم بسرشند و خضاب کنند خضاب دیگر حنا چهار
درم وسمه هشت درم کردی سوخته شب یمانی یک اثار راسنه مازوی سبز بریان کرده در
روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته باب گرم بسرشند و استعمال
کنند خضاب شکوفه گردگان مقل با روغن زیت ضلایه کنند و استعمال نمایند و بعد از
شش ساعت باب گرم بشویند باب الدال دواء المسک و آنرا دواء الملک نیز
گویند اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع
باشد و حواس را قوی گرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون استعمال کند

موی او هر آنکه سفید شده باشد سیاه شود **صفته** بلیله سیاه بلیله املج از هر یک شش و نیم
مثقال شونیز بیست و چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک بیست
و دو مثقال قاقله صغار زار مشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یک
شش مثقال مایند شصت مثقال ماینده را کوفته در پاتیله کنند و در آب بکنند ادویه ها کوفته
و بنجته عسل بلادر بان بسرشند و افراص سازند هر یک دو مثقال و دو دانگ و نیم و هر بامداد
یک قرص ازان بخورند و در این سال که این معجون استعمال نمایند از ترشیها و بادیات
پرهیز نمایند **دوای المسک حلو** ضعف معده و دل و خفقان و صرع و ضیق نفس و
فالج و لقوه و تپ ربع را سود دارد و بادهای زمان البتن را دفع کند و رنگ را
نیکو کرداند **صفته** زرنباد و درونج از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا ابریشم
مقرض از هر یک نیم درم بهمن سرخ و سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل
جوزبوا بسد بسترفراده از هر یک چهار دانگ زنجبیل دارفلفل از هر یک دو دانگ مشک
دانگی و نیم کوفته و بنجته بعسل که آتش ندیده باشد بسرشند و بعد از چهار ماه استعمال
نمایند شربتی از یک درم تا دو درم کافی باشد **دوای المسک حلو** مروارید ناسفته
پنج ماشه بسد ابریشم مقرض درونج زرنباد هر یک چهار موافق وزن اول بهمن سرخ
و سپید سنبل الطیب قاقله قاقله صغار هر یک چهار ماشه زنجبیل دو ماشه دارفلفل
دو ماشه مشک دو ماشه کوفته و بنجته بعسل قدر حاجت بسرشند **دوای المسک بارد**
کهربا بیخ درم طباشیر یک درم ورق گل سرخ یک درم ابریشم وارید ناسفته درم

کهرجان

کشنیز خشک چهار درم کافور گاوزبان بهمن صندل سفید سه درم تخم خرفه پنجدرم
ابریشم مقرض سه درم مشک یکدرم امله هفت درم دارچینی دوازده درم زعفران یک
درم عسل و قند سه وزن ادویه **دواء المسک** رطوبات معده را ببرد و خفقان
سوداوی و ورم جگر را نافع باشد **صفت** افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک بیست
درم ریوند چینی شش درم نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک چهار درم مشک ناردین فرنج
هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جندبیدستر یکدرم و نیم بعسل معجون کنند شربتی
یکمثقال **دواء الملک کبیر** صلابت کند طحال و معده و برودت معده و استسقا را
نافع باشد و سده بگشاید و بول براند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و پیری را دفع کند
صفت لک مغسول و دو تخم کرفس حلبی زیره کرمانی از هر یک بیست درم کمافیطوس
زوفای خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ جنطیانا زراوند مدحرج از
هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده درم قوه پانزده درم حب بلسان
سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک شش درم کندر چهار درم
دارفلفل زراوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس بیست درم ریوند چینی
جعده اذخر از هر یک دو درم موصل قسط از هر یک ده درم سیسالیوس سه درم
کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال **دواء الملک صغیر** منافع آن قریب منافع
کبیر **صفت** لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر برنج حب الغار حلبه فلفل از هر یک ده درم
ریوند چینی پانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین با آب گرم

دوای اللک کبیر که امراض جگر و سپرز را که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید
و بادها دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد و بول براند و استسقا را که بسبب ورم
جگر و سپرز باشد سود دارد صفت آن زعفران دوازده مثقال اسارون موقو
انیسون و مو فطراسالیون ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه
فقاح اذخر حب بلسان از هر یک درم قوه دو درم رب السوس جعده مصطکی غافت
از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم مرصاف چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی
یک درم تا دو درم با ماء العسل دوای اللک صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت
زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط فقاح اذخر دارچینی از هر یک یک درم کوفته
و بیخته یک شبانروز بشراب انگوری تر کنند و روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال
دید معود جهت تبهای یابسه و عرق بسیار گاهی که معده او حرارت بسیار بود باشد
صفت سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی زعفران دال معول صندل سفید طباشیر
سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال ورق گلسرخ ده مثقال عسل سه وزن ادویه دوای
الکرکم امراض بلغمی و سوداوی و تبهای کهن و ناخوش و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که از
سینه بر می آید و استسقا و درد سپرز و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده
و مثانه بریزاند و مضرت ادویه سمیه چون افیون و شوکران و بیخ لفاح را دفع کند
و از جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفت کوگرد زرد بزر البنج سفید عاقرقرحا
میعه سائله مر از هر یک بیست درم سداب قسط تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران

از هر یک

از هر یک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید بیست دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک
درم تا بادها بشکند و قولنج را نافع باشد صفت هزار سد حلبه از هر یک سه درم درونج عقربی فلفل دار
فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی دو درم دواء الحلبه تب ربع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد
و از جهت تب در سکنجبین دهند بعد از آن که چهل روز گذشته باشد و از جهت گزیدن جانوران
زهردار در شراب صفت حلتیت سداب مرفلفل ساوی کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی
مقدار یک جوز دواء مازریون استسقا و اکثر امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد
صفت مازریون در سرکه خیسانند یک شبانه روز و در سایه خشک کرده یک درم زیره کرمانی و
نمک هندی و پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم افتیمون ترید سفید از هر یک کوفته و بیخته
شربتی دو درم دواء التربد حمیات بلغمی را نافع باشد صفت زنجبیل مصطکی از هر یک ده
درم ترید سفید بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب یک مثقال دواء الترنجبین
ضعف باه را که سبب آن حرارت باشد نافع باشد صفت ترنجبین سفید بیست درم
در دو رطل شیر تازه جوشانند تا بقوام آید هر شب دو ملعقه بنوشند دواء المسک قوت تقویت
باه بی نظیرست صفت خشک جسک را بکوبند و در آب خشک تر کنند سه شبانه روز و هر روز آفتاب
تر کنند هر روز تازه میکنند چندانکه آب خشک شود به وزن خشک کار رود پس خشک کنند و سه
درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم نبات بنوشند و سرد مزاج قدری زنجبیل کوفته
و بیخته اضافه نمایند دواء الفیل تولید منی کند و نعوظ آورد و در غایت مقوی باه بود صفت

آب پیاز بگیرند و عسل دو چندان و بجوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب دو بلعقه از آن بنوشند
دواء الغرنی جهت ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد نافع بود صفت
هلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم مقل پنجدرم نانخواه صعتر فارسی از هر یک سه درم
خبث الحدید ده درم شربتی دو درم با شراب کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی
را نافع بود چون بدان غرغره کنند یا بر حلق طلا سازند صفت تخم کرفس انیسون نانخواه
هزار اسفند دارچینی مر زراوند طویل زعفران هر یک ده درم گلسرخ بیست درم قسط
رماد الخطاطیف از هر یک سی درم نشاسته سنبل از هر یک پنجدرم [illegible]زوی سرده عدد
کوفته و بیخته بعسل سرشته استعمال نمایند دواء الحربا همین خاصیت دارد صفت هزار
اسپند تخم ترب حلتیت مر بوره ارمنی نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند
دیاقوذا منع نزلات کند و سرفه و حکه را نافع باشد صفت خشخاش سفید با پوست
بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه شیرین از هر یک پنجدرم اصل
السوس بیست درم بذر قطونا ده درم مجموعه را در شش رطل آب باران خیسانیده
دو شبانروز تا نرم شود و پس با آتش نرم بپزند تا مهرا شود و نیمه آید بعد از آن صاف
کنند و یک من قند سفید اضافه نموده بقوام آورند دیاقوذ. نسخه دیگر قریب المنفعت است آن
نسخه اول صفت خشخاش سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک یکمثقال مغه
صمغ عربی از هر یک نیم مثقال اصل السوس سه درم آب انار شیرین بیست مثقال قند
سفید صد درم شربت سازند چنانکه رسم است دیگر کمک الکل و نا صور و طم را.

را نافع باشد صفت زرنیخ سرخ زرنیخ زرد از هر یک پنج درم مرتکی ده درم آهک آب نادیده پانز
ده درم زنگار یکدرم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص سازند داروی که موی بر دیاند و دراز و سیاه
کند صفت برنجاسف برگ مورد و شونیز بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد یا روغن
سرشته استعمال نمایند دارو که گند پا ببرد صفت شب یمانی در آب حل کنند و پای را بآن برگ
سوسن یا مورد بشویند نافع بود دارو که حب القرع و کرم دراز بکشد و اخراج کند صفت فیل
مرجس ترمس حب النیل از هر یک نیم درم درمنه ترکی دو درم تربد برنگ کابلی مقشر از هر یک
یکدرم نمک هندی دانکی کوفته و بیخته با سرد و شکر بیامیزند و بیاشامند دارو همین دیگر که خاصیت
دارد صفت برنگ کابلی مقشر از هر یک نیم درم کوفته و مویز منقی سرشته تناول نمایند دارو که
چون بر آتش نهند دود آن جانوران گزنده بگریزند صفت زفت رومی کوگرد زرنیخ شاخ گوزن
یا دار و مساوی زفت را بگدازند و داروها کوفته و بیخته بسرشند و استعمال نمایند داروی دیگر که حبس
عرق کند صفت برگ مورد و ورق گل سرخ صندل گلاب جوشانند و جامه را بدان تر کنند
و بپوشند دارو نافع است از جهت کرم گوش صفت شراب ده درم عسل سه درم روغن گل
یکدرم سفیده تخم مرغ دو بیضه را مجموعه را با هم مخلوط سازند و پشم پاره بدان تر کنند و بیکرم در
گوش کنند یک ساعت بعد از آن یکبار آن پشم پاره را بیرون برون کشند کرم بیرون آید.
دارو از جهت گزیدن عقرب و جز آن بالخاصیت نافع باشد صفت آهک برگ توت کوفته
بروغن و سه بسرشند و بر محل زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ بهم آمیخته بر زخم نهند درد ساکن
گردد و اگر قلقی کوفته و بدو سار سرشته بر موضع گزیدگی مانند نعل الحال درد ساکن شود

واگر کژدم در روغن بجوشانند و بمالانند کسی را که کژدم گزیده باشد از روغن بر موضع گزیدگی
مانند درد ساکن گردد و اگر عسل با روغن بیامیزند چون کودک از مادر برآید از آن مقدار
بکام کودک مالند اگر همه عمر کژدم او را بگزد درد نکند و اگر چرک گوش خر بر موضع گزیدگی
عقرب مالند درد ساکن کند و اگر سرگین سبز گاو تر کنند و بمالند و همین عمل کند و آن کژدم که
کسی را گزیده بود بگیرند و بکوبند و سوده در روغن چراغ گرم کنند و بر زخم کژدم نهند و همین
عمل کند و اگر پیاز بکوبند و بر موضع نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر جوز و مغز و انجیر
سر کوفته بر زخم باید نهند نافع باشد داروی دیگر رتق مصول هفت مثقال جالادن مصطکی
سورنجان از هر یک ده درم تربد سفید بیخ بنفشه از هر یک سه مثقال روغن گل ده مثقال
روغن رب یازده مثقال آب لیمون پنج مثقال سه برسی مثقال و اگر جراحت ردیا باشد
توتیا سفیداب مرداسنگ از هر یک دو درم زنگار نیم درم اضافه نمایند و بطریقی مرهم ترتیب
بدستور معروف بمالند دارو دارو که بهوش آورد صفت افیتمون نیم درم خشخاش سیاه ده
درم در سه رطل آب جوشانند تا بر رطلی آید و نیم رطل گندم پاک بجوشانند تا تمام شود
پس گندم خشک کنند و بکوبند و یکمثقال از آن هر روز هر کرا بدهند بخود شود داروی
که همین خاصیت دارد صفت خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یک نیم درم بزر البنج دو مثقال
بجوشانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند و از آن یکمثقال مسکر باشد و اگر اسه در شراب
کنند هر که بخورد بیخود گردد و اگر خواهد که مست نشود و هوشیار شود سرکه کهنه با گلاب بدهند یا
دوغ گاو یا بعضی سرد کرده بنوشند دارو که نافع است از جهت حکه و جرب و سعفه

دانرا امی گویند صفت پوست هلیله زرد شش درم سنا مکی شش هتره از هر یک دو درم افسنتین
یک نیم درم کوفته و بیخته تکمش کوفته بسرشند شربتی مقابل یک جوز دارو که شهوت ردیه زنان
حامله را دفع کند صفت مصطکی یکدرم عود خام نیم درم زیره کرمانی دانگی و نیم کوفته بیخته با ده درم
گلقند سرشته بنوشند داروی که نافع است از جهت درد دندان که سبب حرارت آن باشد
صفت افتیمون نیم دانگ در روغن گل حل کند و قدری پنبه بدان تر کرده بر دندان نهند همین عمل
کند دوائی که نافع است از جهة درد دندان که سبب آن برودت باشد وانرا تریاق الاسنان
خوانند صفت جند بیدستر حلتیت فلفل زراوند مدحرج زنجبیل میعه افیون بزر البنج مساوی
کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان تر کنند و بر دندان نهند داروی که همین منفعت دارد
صفت عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هر یک یکجزو بوره یکجزو نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند استعمال
نمایند داروی که درد دندان سوراخ دار را نافع باشد صفت فلفل عاقرقرحا بارزد مساوی
فلفل عاقرقرحا ابکوبند و به بارزد بسرشند و در سوراخ دندان بنهند داروی که همین منفعت
دارد و لثه محکم کند و گوشت زیادته را بر و یاید صفت کندر زراوند مدحرج دم الاخوین
کرسنه بحسوس مساوی کوفته و بیخته و بسکنجبین عنصلی بسرشند و استعمال نمایند داروی که درد
دندان را ساکن گرداند صفت عاقرقرحا مویزج از هر یک ده درم تخم سداب برگ یکدرم ابات
کشنیز تازه هشت مثقال شیرکاو ده مثقال چون ناید حب سازند و بر دندان نهند و اگر سداب
تازه مور سیاه بکوبند و بر دندان نهند همین عمل کند باب ابتدای درد و زبلکاها در ربیع
و ابتدای رمد را نافع باشد صفت انزروت پرورده بسر حرارت شسته صمغ عربی نبات

مساوی کوفته و بیخته بحر استعمال نمایند دوور اصغر نافع است از جهت کسی المدت و درد
چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت انزروت مربی یکدرم شیاف مامیثا دو درم
صبر زعفران تخم گل از هر یک نیم درم افیون چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند درور
اصغیر منوعید دیگر انزروت مربی ده درم صبر زعفران حضض از هر یک دو درم مرصاف
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند درور دیگر که قرحه موز سرخ را نافع باشد صفت
سرمه اصفهانی سادنج عدسی مغسول صلایه کرده ده درم سازند ذرور ابیض ابتدای
رمد را نافع باشد صفت اقلیمیا نقره سفیداب جبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا دو درم
صمغ عربی چهل درم گل سفید بیست درم نشاسته سی درم افیون ده درم بحر برسیجه باب
رازیانه پرورده ذرور سازند ذرور رمادی حرارت و سبل و دمعه را نافع باشد صفت
مامیران چینی یکدرم توتیا کرمانی پرورده سیح سوخته پرورده توبال مس مغسول سرمه اصفهانی
پرورده از هر یک ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور ریگه مور سرخ و بلی و قرحه رطبه را
نافع باشد صفت سفیداب ارزیز یک درم اقلیمیا نقره دو درم و دو دانگ افیون
دو دانگ صمغ عربی یکدرم و دو دانگ انزروت نیم درم مس سوخته دو دانگ و دو حبه
سادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک
کند صفت نشاسته سه درم انزروت مربی اسفیداج مرهاص از هر یک دو درم کوفته
و بیخته ذرور سازند ذرور معلل بیاض را نافع بود چون در قرحه سو نباشد صفت
سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنجار مسحوق اقلیمیا کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشند
و استعمال نمایند

واستعمال نمایند ذرور دیگر توتیای مغسول ده درم پوست هلیله زرد صبر سقوطری دارفلفل زرد چوبه از
هر یک یکدرم فلفل دو درم کوفته بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر که نافع است از جهة درد چشم
کهنه و سرخی و آب رفتن صفت توتیای مغسول نشاسته سفیداب انزروت ساوی کوفته و بیخته بحر ذرور
سازند ذرور اخضر صفت مامیثا ساذج هندی حماما از هر یک دانگی و نیم سنبل فلفل زنگار از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور دیگر که نافع است از جهة جرب و سبل و ظفره و اکله حصص
صفت که نافع است از جهة اقلیمیا نقره صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران فلفل سنگرف
از هر یک دو درم افیون یکدرم و نیم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور دیگر که از جهة درد چشم اطفال
نافع صفت انزروت مربی حسمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین از هر یک دو درم کوفته
و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر دارفلفل دو دانگ هلیله زرد حضض مر از هر یک ده درم زبد البحر
یکدرم مامیران دو دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور سنبل توتیای مغسول دو مثقال
مامیران چینی سه درم زبد البحر حضض و یکی صبر سقوطری دارفلفل پوست هلیله از هر یک یکدرم
انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی یک مثقال کوفته ذرور سازند ذرور ابیض ساذج هندی
درم [illegible] سوخته سه درم ساذج عدس مقشر صاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران
چینی از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافوری نافع است از جهة جرب چشم
و رمد صفت صدف سوخته مروارید ناسفته از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه
کرده ذرور سازند ذرور ارمنی کوشت برویاند و خون رفتن از جراحت باز دارد و در علاف
را نافع باشد صفت انزروت مربی کندر دم الاخوین ساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر

ذروری دیگر که همین خاصیت دارد صفته انزروت دم الاخوین مرکندر گلنار گل ارمنی
از هر یک نیم درم عدس مقشر یک درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری دیگر که گوشت فاسد
را بخورد و سر جراحت بند و سخت کند و در وقت شدن در اول سر جراحت بگشاید
و مری برخیزد و گوشت بر رویاند صفته انزروت چهار درم دم الاخوین دو درم گل مختوم
مرداسنگ مرکندر از هر یک دو درم و نیم گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یک درم جبر سقوطری
زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری دیگر که نافع است از جهت
خروج مقعد و بثور در حم و مقعد صفته سفیداب ارزیر کلنار شب یمانی مازو سادی کوفته و بیخته
مقعد را ابر و عکل چرب کنند و بران افشانند ذروری دیگر که استرخای مقعد را نافع باشد
صفته جفت بلوط مازو قرظ کندر سبح سوخته کلنار شاخ گوزن سوخته مرداسنگ خزف
سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده ذرور سازند ذروری دیگر که همین خاصیت دارد صفته جفت
بلوط کلنار جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد افشانند ذروری که سوختگی
آتش و روغن گرم مانند آن را نافع باشد صفته مرداسنگ اهک حنا از هر یک قدری
بکوبند و جای سوختگی را بروغن گل چرب کنند و این داروها بر آنجا افشانند و سه روز خشک
شود باب برای روغن قسط فالج لقوه و معده و جگر سرد را نافع باشد و سیاهی موی را نگاه دارد
و اعصاب را قوت دهد صفته قسط ده درم فلفل فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا
چهار درم جند بیدستر دو درم و نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل
عاقرقرحا را نیکو بکوب کرده در شراب خیسانند یک شب و صباح بشراب جوش کنند تا به نیمه آید بعد از آن

از آن

روغن زیت دران ریزند و چندان جوشانند که شراب برود و روغن بماند بعد از آن جندبیدستر و فرفیون
کوفته و بیخته بعد از آن بر وی ریزند و در زمانی که از آتش فرو گرفته باشند **روغن قسط** نسخه دیگر **صفت** ایرسا سنبل
اسنه ساذج هر یک هشت درم سلیخه قرنفل عود بلسان ایرسا هر یک پنج درم فرفیون قسط تلخ هر یک
هشت درم مرمکی دو درم روغن کنجد یک نیم من **روغن قسط** به نسخه دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و
اسپرز خام را نافع باشد **صفت** قصب الذریره سنبل ساذج هندی میعه سایله بنج سوسن فرفیون اسنه
قسط از هر یک هشت درم راسن جگک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مرجان قرنفل از
هر یک پنج درم مجموع هم کوفته در سه من آب بپزند تا به یک من آید آنگاه من روغن کنجد جوشانند
تا آب برود و روغن بماند **روغن قسط** بنوعی دیگر سردی جگر و معده را نافع بود چون بمالند و چون
به محلی که موی ریخته باشد بمالند موی بر رویاند و اعصاب را محکم کند **صفت** قسط تلخ صد درم مرباجوز
چهل درم سلیخه سی درم مجموع همه کوفته در شراب خیسانند یک شبانه روز دیگر جوشانند و بپالایند
و سه چهل و دانگ روغن زیت با روغن کنجد بر وی ریزند و بجوشانند تا روغن بماند **روغن قسط**
به نسخه دیگر امراض بارده را نافع باشد و تحلیل ریاح و مواد غلیظ و قوی اعصاب **صفت** قرنفل سلیخه
از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل ساذج فرفیون اسنه جندبیدستر قسط از هر یک بیست درم
بنج هفت ... درم مرمکی ده درم همه کوفته در آب جوشانند تا مهرا شود بعد از آن صاف کرده دو من
روغن کنجد اضافه نموده چندان جوشانند که آب برود و روغن بماند **روغن خیری** فالج و لقوه
و تشنج و تشنج را سود مند بود   شونیز بیست درم ... تلخ سی درم بکوبند و در روغن
از آن بکشند **روغن افسنتین** معده و جگر و جمیع اعضا را قوت دهد **صفت** روغن زیت

یا روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن زردالو تلخ نیم من افسنتین تازه دو من و نیم در شیشه کنند
و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن فربیون همه دردها را که از سردی بود زایل کند و فالج و استرخا
را سود دهد صفت قسط ده درم عاقرقرحا هفت درم میویزج سه درم و در بعضی نسخه کندس چهار درم
جند بیدستر پنج درم میویزج کوهی خشک اضافه کنند ظاهرا کاتب از این نسخه انداخته است جمله را کوفته
کنند و در چهار صد درم شراب کهنه بریزند تا چهارم حصه بماند نصف از روغن خیری بآن بیارند
تا شراب برود و روغن بماند در سیزده درم روغن دو درم فربیون تازه اندازند و یک جوش
بدهند و بردارند روغن سوسن بر ورم و اختناق رحم را سود دارد و کرده و مثانه سرد را گرم
گرداند صفت سلیخه حب البان قسط از هریک ده درم قرفه قرنفل مصطکی از هریک پنج درم
گل سوسن صد و سی عدد زعفران ده درم زرفی سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن کنجد
در شیشه کنند و داروها کوفته بر روی آن کنند و نزدیک آفتاب نهند در سایه چهل روز بگذارند
پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن بیدانجیر ساده مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبات
پاک کند صفت بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و جوش دهند و کف میگیرند و نگاه میدارند
تا تمام کف برود و آب زرد بماند آن آب بریزند و آن کفها را بجوشانند که تمام با روغن
صاف میشود روغن بیدانجیر مرکب فالج و لقوه و سده جگر و سپرز را نافع باشد و قولنج بگشاید
صفت نانخواه صعتر بودینه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هریک ست
درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن راسن خشک از هریک ده درم شیطرج مقل
از هریک پنج درم سکبینج جاوشیر زرنباد درونج عقربی از هریک سه درم زنجبیل

دارچینی

دارچینی قاقله خیربوا کباب دار فلفل جوز بوا بسباسه هر یک بشوند وسط کروبا از هر یک چهار درم مجموعه نیکو کوفته

بخیسانند در آب یکشبانه روز و بجوشانند تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بیدانجیر زیاده بر روی

آن کنند و جوشانند تا آب برود و روغن بماند شربتی دو درم تا سه درم با ماء الاصول روغن ترب

مانند روغن زیت بود در گرمی و تر از روغن بیدانجیر باشد و درد گوش را نافع باشد و بادی که در

گوش بود دفع کند صفته آب ترب سه جزو بگیرند و روغن کنجد یکجزو بجوشانند تا آب برود و روغن

بماند روغن خشخاش عسر البول را عظیم نافع باشد صفته خشک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال نیکو کوفته

جوشانند و بپالایند و یک چهار یک روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن

کدو بیخوابی و ماندگی آن سرسام و مالیخولیا را نافع باشد صفته کدو تازه بستانند و پوست

آن بخراشند و با پیه و تخم بکوبند و آب آن بگیرند چهار من و یک من روغن کنجد بر وی ریزند پس

جوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آنست که از مغز دانه کدو خشک بکشند مانند روغن بادام

روغن سوسن و ریحان فالج و درد زانو را نافع باشد صفته آب ریحان دو جزو روغن کنجد یکجزو بجوشانند

تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند صفته برگ لاله از حبات آن جدا کنند

و در شیشه کنند و روغن زیت بر روی آن ریزند و یکماه در آفتاب بنهند و بیاویزند روغنی که درد گوش

را از گرمی باشد زایل کند صفته روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنجدرم سرکه کهنه سه

درم بگیرند بر هم زده بسازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند در گوش چکانند روغن کندر

درد گوش را که از سردی بود زایل کند صفت آن کندر پنجدرم صبر مصطکی جندبیدستر حضض زهره

گاو از هر یک یکدرم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوفته با شراب و روغن

تا روغن بماند و بپالایند و در گوشش چکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد صفت آن روغن
زیت پنجاه درم در شیشه کنند و ده درم مصطکی بر روی وی ریزند و یکی را نیمه آب کنند آن شیشه
در میان آن دیگ آویزند و آتش کنند تا آب بجوشد چندانکه مصطکی گداخته شود روغن مصطکی
نسخه دیگر که همین خاصیت دارد صفت مصطکی رومی سه درم روغن کنجد پانزده درم بدستور
نسخه سابق عمل کنند ~~روغن [illegible] موی را الکا [illegible]~~ الیمانی نباشد سفید کند
و بدو نیمه سازند و خشک کنند پس دو من بادام یک من بدین برگ روی وی ریزند و در خرابه کرباس
نورده روز در میان مدر نهاکنند بعد از آن سدار و جدا سازند و بنفشه تازه نعلی بر روی
ریزند هر هفته بنفشه تازه بر روی وی ریزند چند روز در زیر جامه خواب کنند تا بگیرد بوی وی بعد
از آن که معلق آویزند تا نیک خشک شود بنفشه از آن جدا کنند و روغن از آن بکشند چنانکه
رسم است روغن کدو نسخه دیگر دماغ را قوت دهد صفت آب کدو سه من روغن
کنجد همچنین روغن و آب کدو بجوشانند چندانکه آب بسوزد و روغن بماند استعمال نمایند روغن [illegible] درم
معتدل بود در حرارت و برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال صفرا را باز دارد درد
سر را که از گرمی بود سود دارد چون آب و سرکه بر سر زنند و صاحب جرب و حکه بمالد نیک شود
صفت آن چون بنفشه بادام است که بجای بنفشه گل سرخ کنند هر ده من بادام دو من
ورق گل کنند روغن [illegible] و بنفشه و شقایق و زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت
و بابونه و هر چه تازه باشد بدستور است که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند بگردد دیگر روغن
بر روی وی ریزند و در آفتاب بیاویزند روغن [illegible] که از ادهن المبارک خوانند و خواص بسیار

دارد

روغن [illegible] سر و [illegible] صفت [illegible] بادام [illegible]

دارد و گرم‌تر از لفظ سفید بود و لطیف امراض بلغمی را بغایت سودمند بود و جهت گزیدن عقرب
و کسی که افیون بزر البنج خورده باشد نافع بود صفت اخرسنج آب ندیده مثل بادام کنند و در
آتش اندازند تا سرخ شود به اسرب کنند و در روغن زیت اندازند بعد از آن بیرون آورند و خرد
کنند و در شیشه که گل حکمت گرفته باشد سر سرش سوی سست بگیرند و کلکی نهند که در سوراخ در سر آن
در فهم کنند و آتش در آن اندازند و چیزی در زیر سر شیشه نهند و روغنی که بچکد نگاه دارند
روغن مورد موی را نگاه دارد و دارد که ریخته باشد بر رویاند صفت آن بگیرند آب مورد
آب مورد سه جزو روغن زیت یکجزو با یکدیگر بجوشانند تا نیک آنکه آب برود و روغن بماند
قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت آن پوست
هلیله کابلی ماز و برگ مورد هر یک یکجزو در شراب ریحان خیسانند یک شبانه روز پس بپزند
و بپالایند و یکجزو روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن در وقت فرو گرفتن
بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را چرب کنند و صباح در حمام بشویند روغن دیگر
و درازکه موی را سیاه کند و از ریختن نگاه دارد صفت سادج هندی حماما حضض هندی لادن
املج از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب بپزند تا بر رطلی آید و یک رطل روغن کنجد
بران ریزند و بجوشانند تا آنکه آب برود و روغن بماند و هر روز سر را به برگ چغندر می
شویند و این روغن میمالند روغنی که موی را سیاه کند تا مثل سیاهی آن باقی
ماند صفت بستانند جوز هندی و سر آن بگیرند و مغز آن بیرون کنند و سیزده درم
از آن مغز باده درم آمله و ده درم براده آهن و پنج درم بوره ارمنی در هم بسایند خرد و در میان آن

انجوز کنند و سران بحم محکم کنند و تمام انجوز را در گل حکمت گیرند و در میان آتش نهند چند آنکه یک
ساعت بگذرد از آتش بیرون آورند و روغنی که از آن را امده شود در ظرفی مانند مقصود
حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت
برگ حنا یک چهار یک در دو من آب جوش دهند تا بیک من آید و بپالایند و با هم من روغن کنجد بکوبند
تا روغن بماند روغن وسمه موی را سیاه کند و موی گرداند صفت املج مقشر برگ مورد پوست
بیخ سنوبر متساوی کوفته در آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و هم چندان روغن کنجد اضافه کنند
و جوش دهند تا روغن بماند روغن بنفشه دو هفته بر موضع که مالند موی بروید صفت بگیرند یک خربوزه
و سوراخ کنند و دانه از آن بیرون ریزند سی عدد زرده تخم مرغ در اندرون آن خربزه ریزند
با بیخ سیر و روغن زیت و برگ سداب کوفته و براده آهن حلابه کرده از هر یک ده درم سوراخ
خربوزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شب در تنور نهند روز دیگر بیرون آورند و گل از آن
جدا کرده و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و بکار برند روغن کاکنج که سهر باد و لط
آورد صفت نوشادر نمک نفطی تخم سپندان تخم حرحر فلفل سیاه و زنجبیل کاکنج متساوی
نیم کوفته کنند و در آب جوش دهند که مهرا شود پس صاف کنند و با هم چندان آب و روغن
بعد از آن جوش دهند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن بهدانه معده را قوت دهد روغن بهدانه
و حبس عرق کند و اگر بر روی کسی کباب کنند و بار خورند اسهال باز بندد صفت
آب دو جز آب برگ مورد یک جز و روغن گل یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن بادرنبویه استسقا را نافع باشد صفت برگ بادرنبویه یک چهار

یک درسه من اب بجوشانند تا به نیمه آید و سه دسه روغن بادام دران افکنند و بجوشانند تا روغن
بماند شربتی یکدرم با شیر شتر اعرابی روغن سورنجان مفاصل را نافع بود صفت آن سورنجان
مصری اب کرفس تازه هر یکی ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره بکوبند
بجوشانند یک شبانه روز و دیگر روز بجوشانند تا مهرا شود پالایند و اب کرفس اضافه نمایند و یک
چهار یک روغن زنبق بجوشانند تا اب برود و روغن بماند روغن کراث بواسیر را نافع باشد
صفت آن آب گندنا و روغن کنجد نیم من باده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن بالوره جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد چون کف پا را بدان چرب کنند صفت آن
بالوره هندی از پوست پاک کنند و بکوبند و درمیان شیشه کردن و دراز کنند و سر شیشه را بموی
اسب محکم سازند و سبب گل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش گرد بران هر ست نمایند
و هیچ کاسه را سوراخ نمایند و سر شیشه را از ان سوراخ بیرون آورند و در زیر شیشه پیاله نهند
و کاسه را بهر بالای سه پاره نهند و آتش از بالای شیشه کنند و در اندرون کاسه روغنی که
از ان بچکد نگاهدارند روغن عقرب سنگ گرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد
صفت آن زیونید چینی سعد هندی حیطا با پوست پنج گیرا از هر یک بکوبند روغن بادام تلخ
یک رطل داروها کوفته و بیخته در شیشه کنند و روغن بر سر آن کنند و یک هفته در آفتاب
نهند بعد از ان پالایند ده عقرب زنده دران اندازند و سر شیشه بربندند و یک هفته
دیگر در آفتاب بگذارند پس بپالایند و دو قطره از ان در احلیل چکانند روغن بابونه
منقول از قانون اوجاع مفاصل بارده و احشا و قروح و مغص ریحی را نافع باشد

وبادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش ساکن کند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه باز دارد

نافع و رنگ و روی را خوب گرداند و رحم را گرم کند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه

را نافع باشد و این روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیار است صفت قصب الذریره

سعد ورق الغار عود بلسان لک سادج هندی برگ مورد اجر اذخر زرنبس قردمانا مرزنجوش

متساوی بکوفته در شراب آب خیسانند یک شبانه روز روز دیگر صاف کنند و باز روغن

کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن ذریره نسخه دیگر اورام صلبه معده را نافع

باشد صفت روغن بان یک رطل سنبل هم ادهنه مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره

از هر یک یکدرم و نیم کوفته در شیشه کنند و سر آن محکم سازند و یک هفته در آفتاب

بگذارند بعد از آن صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن ریزند و همچنین تا سه نوبت

بعد از آن صاف کرده استعمال کنند دوا العقارب سنگ گرده و مثانه را بریزاند

صفت بگیرند عقرب را و در شیشه محکم کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند بیست و

ساعت پس برون آورند و کوفته و بیخته یک دانگ استعمال کنند باب اندر جوارشها

نشف و گرده را محکم کند و معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند

و آب از دهن روان باز دارد و بادها بشکند و ریگ از مثانه پاک کند و منی بیفزاید

و تخمه دیر گواریدن طعام ببرد و جگر سرد را قوی گرداند و فوقراط حکیم میگوید که در سال

سه روز بخورد او را به هیچ طبیب احتیاج نباید و اگر ده کبرک داشته باشد همه را

خوش تواند کرد صفت تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت تخم خواه رازیانه مغز

تخم

تخم خربوزه مغز تخم بادرنگ بالنک تخم تره تیزک بیخ کرفس از هریک نیم مثقال عاقرقرحا قرفه
زعفران مصطکی عود خام از هریک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی ملعلوبه از هریک سه درم
عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند و ادویه کوفته و بیخته با ان
بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال الاولی دیگر منی بیفزاید و باه را قوت دهد
و سست و گرده محکم سازد و در امر مجامعت عظیم نافع باشد صفت تخم کرفس تخم گندنا تخم شلغم تخم شبت
نانخواه رازیانه مغز تخم خربوزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز
چلغوزه از هریک پنج مثقال بسباسه قرنفل ملعلوبه عاقرقرحا کبابه چینی زنجبیل تخم اسپ تخم جرجیر
تخم پیاز حب الرشاد الجزره تخم گندنا ناخونجان جوزبوا کل فرفره دارفلفل از هریک سه درم قرفه زعفران
کندر مصطکی عود از هریک چهار درم تخم بلیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل لسان العصافیر
از هریک پنج درم اصل الغار بریان کرده یک درم خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک نر بریان
کس حرما از هریک ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن
مجموعه بطریق معهود معجون سازند گرم مزاج دو مثقال با آب گرم بنوشند و از عقب آن ده درم
شیر تازه و ده درم شکر در ان حل کنند و بیاشامند و سرد مزاج پنج درم فرو برد و بعد از ان یک
کاسه ماء العسل بیاشامند باب الحبی سفرجلی مسهل معده را قوت دهد و اشتهای طعام
آورد و قی بنشاند صفت آن بهیدانه اصفهانی را از پوست و دانه پاک کنند و نیم من در
سرکه با شراب جوشانند تا مهرا شود از غربال بیرون کنند و یک من عسل صاف بر سر آن ریزند
و جوش دهند تا بقوام آید و این دارها کوفته و بیخته با ان بسرشند زنجبیل ده درم دارفلفل قاقله کبار

وصعار دارچینی زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم تربد سفید سی درم سقمونیا ده
درم شربتی از یک مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت قولنج نافع باشد صفت سفرجلی تابا شفر
صاحب گرم مزاج را موافق باشد و در فصل گرما توان دادن ازین جهت محمد زکریا این
را سفرجلی بالسانی نام نهاده صفت سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید ده درم مغز تخم خیار
مغز تخم کدو از هر یک پنج درم ورق گل سرخ طباشیر از هر یک دو درم و نیم ترنجبین عصاره به از هر یک
پنجاه درم آب به ترنجبین بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها را
کوفته و بیخته بسرشند این جمله ده شربت است سفرجلی ممسک شکم به بندد و معده را قوت
دهد و دفع قی کند و بوی را نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت به اصفهانی از پوست
و دانه پاک کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن بکوبند و نیم من عسل بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل فلفل دار
فلفل لذ هر یک چهار درم تخم کرفس یا نانخواه زعفران از هر یک دو درم شربتی چهار مثقال
منفعتها بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را نافع باشد
و سده جگر بگشاید و صلابتها را تحلیل کند و معده را گرم کند و تخمه را نافع بود و سرد مزاج
را موافق بود صفت جند بیدستر دارچینی افیون از هر یک شش درم زعفران نیم درم با
زرورا در عسل بگدازند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال کنند
شربتی مثقالی تا دو درم با آب گرم سکنجبین ساده صفرا دفع کند و محرور مزاج را موافق
بود و تبهای حاده و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول براند

صفت

صفت قند سفید یک من در دیگ کنند و یک چهار یک سرکه بر روی آن ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و بکوفته گلاب بر سر آن کنند و فرو گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید
و بول براند و استسقا و تبهای حاده را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت پوست بیخ کاسنی
هفت درم سه تخم از هر یک پنجدرم همکوفته در آب و یک چهار یک سرکه خیسانند یکشبانه روز و روز
دیگر جوشانند و بپالایند و با یکمن قند بقوام آورند و بر سر آن کنند و دیگر باره بقوام آورند و فرو
گیرند سکنجبین بزوری حار سده جگر و معده بگشاید و بول براند و فضول را از ماده پاک کند
و سستی را نافع باشد صفت تخم کاسنی نیم کوفته تخم کشوث رازیانه انیسون از هر یک سه درم
پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در سرکه و آب سرکه خیسانند چنانکه ذکر
رفت و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین ریوندی یرقان و درد جگر را که از تری باشد
سود دارد صفت آن تخم کاسنی همکوفته بیست درم تخم شاهتره تخم کشوث از هر یک ده درم ریوند
چینی پنجدرم ریوند را کوفته در کیسه بندند و با ادویه دیگر در دو من آب جوشانند و در اثنای جوشان
کیسه ریوند را بدست بمالند تا سیره تمام باز دهد بعد از آن پالا کنند و با یکمن قند و چهل مثقال
سرکه جوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده درم تا بیست درم بگلاب سکنجبین [illegible] [illegible]
درد جگر را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن ریوند چینی پنج درم تربد
سفید [illegible] فستقی تخم کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون [illegible] پنجدرم همه
را در دو من آب بپزند و سه درم دو دانگ هلیله کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با
یک چهار یک سرکه و یک من و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین

بزوری معتدل سده سپرز و جگر بگشاید و بول براند و تبهای مرکبه را نافع باشد
صفت آن تخم کاسنی و رازیانه کرفس از هر یک ۳ درم سه تخم از هر یک پنجدرم پوست
بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم مجموع همگی کوفته در سه رطل آب و [illegible] درم
سرکه خیسانند یک شبانه روز و روز دیگر بجوشانند تا یک من قند بقوام آورند سکنجبین
ربالی تبهای محرقه و جگر و معده گرم را سود دهد و تشنگی بنشاند صفت آن آب
انار ترش آب انار شیرین از هر یک نیم من جوشانند تا بقوام آید قدری زرشک و
سرکه صافی یک چهاریک قند یکمن اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید بعوض سرکه تمر هندی
کنند شاید سکنجبین سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتها آورد و هضم طعام
کند صفت آب بهی انه صاف کرده یکمن با چهاریک سرکه و یکمن قند جوشانند و بقوام
آرند و اگر بجای سرکه آب لیمون کنند صواب باشد سکنجبین لیمونی که همین خاصیت دارد
و مفید صفت آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب لیمون از هر یک سی
مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آرند سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را
نافع باشد صفت ریوند چینی غاریقون فوه پوست بیخ کبر پوست بیخ درخت بید
گز مازج افتیمون غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم در یکچهاریک
سرکه و آب خیسانند و بجوشانند با یک من قند بقوام آورند سکنجبین دیگر که حرارت
جگر و صفرا بنشانند و اسهال صفراوی را باز دارد و کسی را که ابد بد ایده باشد
نافع بود صفت سرکه کهنه و گلاب از هر یک یکچهاریک برگ گل پنجاه درم

گلنار

گلنار بست درم در سرکه و گلاب خیسانند یک شبانه روز پس جوش کنند و بپالایند و با یک
من قند سفید بقوام آورند سکنجبین افثیمونی مالیخولیا و اصحاب توحش و صرع را نافع باشد
صفت افثیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان برسیاوشان
تخم کاسنی ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاماورق گل سرخ کمافیطوس
از هر یک چهار درم تخم بادروج خرنوب بادرنجبویه زرنباد درونج عقرب بهمن سفید سرخ
هندی قاقله سنبل از هر یک سه درم گلقند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانند
یک شبانه روز و بجوش کنند و با یک من قند بقوام آورند سکنجبین بزوری بنوع دیگر صفت
اسطوخودوس رازیانه تخم شاهتره از هر یک پنج درم افثیمون بسفایج فستقی سنای مکی
پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم و نیم کوفته در پنجاه درم سرکه بجوشانند و با هم من قند بقوام
آورند سکنجبین بوری استسقا و صلابت طحال و ورم صلب جگر را نافع بود و سده
بگشاید صفت رازیانه پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر تخم کاسنی افثیمون پوست
بیخ کاسنی حسک زوفا موف غافث افسنتین از هر یک ده درم تخم کشوث تخم کرفس
پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم در صد درم سرکه خیسانند
و با یک من قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع باشد
صفت آن سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یک من بجوش کنند تا بقوام
سکنجبین عنصلی بنسخه دیگر استسقا و درد پهلو که از سودی باشد و سرفه کهنه بلغمی
و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را نافع بود و سده جگر و سپرز بگشاید و کهنه

مرده را بیدار کند صفت آن سرکه عنصلی یک من زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا پودینه دستی از
هر یک ده درم تخم کرفس مرزه کرمانی فرودمانا از هر یک پنج درم ادویه بکوفته کنند و در سرکه عنصلی و
یک چهاریک عسل صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب نهند بعد از ان بپالایند و نگاه دارند و پیش
از طعام توان خورد شربتی سه درم استعمال نمایند سرکه عنصل بیخ دندان سخت کنند و بوی
دهان خوش نماید صفت آن بگیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند
جدا جدا بیکدیگر نچسبد و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود بعد از ان در ظرفی کنند و هر یک
من پیاز ده من سرکه کهنه داخل نمایند و دو ماه در آفتاب نگاه دارند سفوف طباشیر دل
گرم را سود دهد صفت گلسرخ و طباشیر از هر یک سه درم کشنیز خشک ده درم ربّ جو مروارید
ناسفته کهربا از هر یک پنج درم کافور دانگی شربتی دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف درونج
خفقان سرد را سود دارد صفت درونج عقربی لسان الثور از هر یک سه درم زرنباد
دو درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با یک چهاریک شراب کهنه یا ماء العسل سفوف قاطله
معده سرد و تر را سود دارد صفت قرنفل کباب از هر یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک
سه درم عود خام بست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یک مثقال با ده درم گلقند سفوف
حمار شهوت طمث و شهوت ردیه زنان حامله را نافع باشد صفت آن قاقله خیربوا
کبابه بمساوی و شکر بوزن نیمه شربتی یک دو درم با آب گرم سفوف کزب تخم کزب تخم کاسنی
زرشک منقی عدس مقشر سماق گلسرخ طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یک
طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند سفوفی که دفع سرعت منی کند صفت منو تخم

کرنب مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ پودینه از هر یک سه درم نانخواه کک سداب زیره از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل کرده باز خورد شربتی سه درم **سفوف انیسون** بادهای معده را
نافع بود و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند **صفت آن** نانخواه تخم کرفس از هر یک پنجدرم کندر
چهار درم مفتاح اذخر قسط مصطکی از هر یک سه درم سعد سفید شش درم کوفته و بیخته تا ماسد
بسرشند شربتی پنجدرم **سفوف جوز بوا** اسهال بلغمی باز دارد **صفت** جوز بریان کرده سه درم
نانخواه یکدرم کندر نیمدرم کوفته و بیخته با آب گرم بنوشند **سفوف مقلیاثا** بواسیر و مغص و اسهال
کهنه و درحر و ضعیف معده را نافع باشد **صفت** تخم تره برگ سبت ده درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده
و خشک کرده و بریان کرده پنج مثقال برکتان تخم کند با هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از
هر یک دو مثقال مصطکی یک مثقال مجموعه کوفته سوای تخم تره سرکه شربتی دو درم با آب سرد
سفوفی دیگر که سلسل بول را نافع باشد **صفت** بلوط پنجاه درم کندر سه درم کشنیز خشک
بریان کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم گلنار کزمازج از هر یک پنجدرم شربتی سه
درم با آب خالص **سفوفی** که همین خاصیت دارد **صفت** کندر سعد خونینجان زیره کرمانی
شاه بلوط حب الآس ساوی کوفته و بیخته بنوشند **سفوف نمک** معده و جگر و اوجاع مفاصل
و هر مرضی را که سبب آن امتلا باشد نافع بود **صفت** نمک طعام شش درم فلفل سفید ده درم
زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم فلفل تخم جرجیر نانخواه نوشادر پودینه از هر یک دو درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم با آب گرم **سفوف خبث** ورم جگر را نافع باشد **صفت** هلیله سیاه هلیله کابلی
از هر یک چهل درم تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شیر

سفوف دیگر ورم جگر را سود دهد و بول برآید صفت تخم خربزه تخم خیارین از هر یک پنج درم تخم کاسنی
تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر یک دو درم عصاره
زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال لک مغسول چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی افسنتین
از هر یک یک درم کافور دو دانگ شربتی سه درم سفوف فربهی نخود سفید پنجاه درم
در سرکه و قدری آب خیسانند یک شبانه روز و خشک کنند و برنج سپید خشک کرده و نان میده
خشک کرده از هر یک سی درم مغز بادام مقشر شصت درم کشک جو کشک گندم از هر یک
سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد دو نیم من مجموعه کوفته در یکدیگر ممزوج سازند
و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوف بهودی جهت حرق مجرب است صفت
تخم تره برگ بریان کرده بزرقطونا بریان کرده ابسل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی
تخم گندنا تخم نبت خشخاش انیسون تخم کرفس بزر البنج از هر یک دو درم از آن سفوف سازند
سفوف دیگر که نفث الدم را نافع باشد صفت طباشیر گلسرخ گل ارمنی گل مختوم سادج
عدس مقشر مغسول تخم خرفه از هر یک پنج درم بسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس
اقاقیا عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم بزرقطونا ثابت دو درم افیون دو درم مجموعه کو
فته و بخته سوای بزرقطونا با سفوف سازند شربتی دو درم با آب زرد یا آب برگ خرفه و اگر
حرارت قوی نباشد سه درم کندر را اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان ضعف صعف
معده و امعا و اسهال مراری را نافع باشد صفت آن انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق
زیره کرمانی ... حب الاس اید بسد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب ارد کنار از

ابک

از هر یک پنج درم عود خام پنج درم املج یک مثقال کوفته و بیخته بارتنگ استعمال نمایند شربتی سه درم
سفوف الطین و آن را سفوف الس نیز گویند اسهال مراری و دموی را نافع باشد صفت
بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو برشته تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مساوی
کوفته مگر این سه تخم اول در یکدیگر بیامیزد شربتی سه درم به روغن گل بادام چرب کنند و بکلاب
تر کرده فرو برند سفوف ابن ماسویه جهت زحیر و درد امعاء و سحج نافع است صفت تخم خطمی مقشر
تخم خبازی مقشر از هر یک پنج درم نشاسته بریان سه درم صمغ عربی گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم جلاب و سه درم سماق مائی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن مطبوخ
باشد نافع باشد سفوف زرشک شکم بندد و ضعف معده را نافع باشد صفت سماق
نانخواه زنجبیل انار دانه بریان کرده زرشک منقی ارد کنار از هر یک دو درم نبات سفید
بیست درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معده را نافع
باشد صفت سماق ده درم حب الآس و انار دانه بریان کرده از هر یک پنج درم خرنوب
پانزده درم صمغ عربی گلنار از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوف سورنجان
نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم
پوست هلیله زرد مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران نیم درم سقمونیا یک درم قند سفید
سی درم و اگر ماده بلغم باشد تربد سفید پنجاه مثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیم درم زیاده
کنند سفوف سرطانی مسلول را الغایت نافع بود صفت سرطان نهری سوخته دو درم
طباشیر سه طین ارمنی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاه مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم

کوفته وبیخته شربتی یک مثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش سفوفی که سنگ از گرده و مثانه
اطفال پاک کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ البطم مساوی کوفته وبیخته شربتی نیمدرم
تا یکدرم سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفت گل ارمنی گشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر
کهربا از هر یک نیمدرم کافور نیم دانگ کوفته وبیخته با دوغ گاو دهند سفوف ارسطاطالیس که از بهر
اسکندر ساخته بودند و رطوبت و تباهی معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع باشد و طعام
را هضم کند و بوی دهان خوش کند و دل را قوت دهد صفت آن قرنفل سادج عود هال اسارون مصطکی
هلیله کابلی صحمنک بادرنگ زیره کرمانی دارچینی اسه فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوزبوا
کافور قاقله از هر یک دو درم مشک و عنبر از هر یک یکدرم نبات شش وزن ادویه شربتی یکدرم تا
درم سفوف عصاره معده سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت دهد صفت آن لک مغسول حب الآس
بلوط مصطکی مازو عود بلسان پوست انار از هر یک چهار درم رجیل کندر از هر یک یکدرم نبات
پنجاه درم شربتی سه مثقال یک هفته استعمال نمایند و گوشت بخورند سفوف دیگر ورق
گل سرخ زرشک منقی از هر یک یکدرم و نیم طباشیر صندل سفید صمغ عربی از
هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یک مثقال زعفران دو دانگ کوفته وبیخته سفوف سازند
سفوف که فواق بلغمی را نافع باشد صفت تخم کرفس فطراسالیون سعد از هر یک دو درم
دو پوست بیخ فستق انیسون بود بیداسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم وج نیمدرم
شربتی دو درم سفوفی که درد جگر و ... ببرد صفت گل سرخ لبت درم زرشک نیمدرم سنبل
مصطکی عصاره غافث افسنتین رومی ریوند چینی از هر یک دو درم فقاح اذخر اسارون

ابوالی

رب السوس از هر یک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربتی دو درم با سکنجبین سفوفی دیگر که حرارت

جگر بنشاند و خمار دفع کند و اسهال صفراوی را باز دارد و حله خون را ساکن کند و کسی را که الله خواهد بر اید سود

دارد صفت ورق گل سرخ ده درم طباشیر بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو

خشخاش سفید از هر یک پنجدرم صندل سفید دو درم و نیم کافور یک درم شربتی دو درم با شراب

غوره یا شراب انار سفوف کهربا خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت کهربا گل ارمنی گلنار

دم الاخوین لک مغسول مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یکدانگ افیون در مطبوخ سماق حل

کرده و بدهند سفوفی که از جهت بول دم نافع باشد صفت ساذج مغسول دم الاخوین لب کبر با شب یمانی

گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل سرخ مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سماق سفوف سورنجان

به نسخه دیگر اوجاع مفاصل را نافع بود صفت سورنجان هفت درم زیره کرمانی بریان کرده پودینه

از هر یک دو درم فلفل یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف حجر الیهود

سنگ گرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از

هر یک پنجدرم حسک بری چهار درم حجر الیهود و ولب از هر یک سه درم تخم کرفس سیسالیوس

فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی کثیرا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب

خسک سفوف حجر الیهود به نسخه دیگر صفت تخم ولب پانزده درم مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو از هر یک چهار درم و نیم شیشالیوس دو درم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک

سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب تخم

سیاه سفوفی در باب شکم بند صفت شاه بلوط سه درم مازو پوست انار از هر یک

چهار درم کرد سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم باب سرد

سفوف مسمم کندر عود خام از هر یک یکدرم خشخاش سفید ده درم تخم کاهو پنجدرم زعفران دانکی نبات

بیست درم کوفته بیخته شربتی یکدرم سفوف که شهوت زنان حامله را دفع کند و معده را قوت

دهد و اشتهای طعام آورد صفت رز نبات تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر

سه درم کنجد مقشر ده درم نبات دو مثقال کوفته بیخته سفوف سازند سفوف که دفع سرعت

انزال کند صفت طباشیر خشخاش سفید افیون کندر از هر یک یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته

شربتی دو درم بشراب خشخاش سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه و نفث الدم را

نافع باشد صفت صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز به دانه خشخاش سفید تخم کاهو تخم خطمی از هر یک

شش درم صندل سفید دو درم سکر العشر طباشیر از هر یک سه درم ورق گلسرخ تخم خبازی تخم

خرفه از هر یک پنجدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل فریه

از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال با نمدانک کافور دو دانگ

زباد السرطان بشراب خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که باد ها دفع کند

و استسقاء طبلی را نافع بود صفت تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون قسط

ریوند چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل و سعد از هر یک یکدرم و نیم کوفته

و بیخته شربتی یک مثقال سفوفی که اسهال معده را نافع باشد و به کند صفت انار

دانه بریان کرده ارد کنار ارد سنجد از هر یک ده درم کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم

حرنوب شامی حرنوب نبطی بلوط در سرکه خیسانیده یکشبانه روز و در سایه خشک کرده

و بریان

وبریان کرده از هریک پنجدرم سماق سه درم کوفته وبیخته شربتی دو درم سفوفی که قرحه ومثانه را نافع
باشد صفت دم الاخوین ساذج مغسول نشاسته تخم کرفس از هریک پنجدرم صمغ عربی یکدرم مومیائی
دو دانگ کاکنج دو درم کوفته وبیخته شربتی یکدرم ونیم با شراب خشخاش بنوشند سفوف لولوی دوسنطار
یای کبدی را نافع باشد ومعده ودل وجگر را قوت دهد وحرارت وتشنگی بنشاند صفت مروارید
ناسفته چهار درم بسد سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی قرشی تخم گل صندل سفید بارتنگ بریان
کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد دلیپت کنار ارد سمک کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان
کرده بزرقطونا بریان کرده از هریک سه درم کلمثوم مصطکی از هریک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا
اقاقیا مغسول از هریک دو درم مجموعه کوفته وبیخته بعد از بار رشتک وبزرقطونا سفوف سازند سفوف
دیگر تخم حماض زرشک بیدانه تخم خرفه کشنیز خشک بریان کرده گلسرخ خرنوب شامی بلوط طباشیر از هریک
یکدرم سماق حب الاس از هریک دو درم انار دانه چهار درم کوفته وبیخته سفوف سازند سفوف خرنوب
اسهال معدی واسترخاء معده را نافع باشد صفت خرنوب نبطی بیدانه زیره کرمانی مدبر سماق
پست کنار حب الاس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده مساوی کوفته وبیخته شربتی یک مثقال
بآب مورد نافع باشد سفوف بادیان بادها بشکند ومعده را قوت دهد صفت کرویا انیسون زیره کرمانی
قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هریک دو درم قرنفل پنجدرم زنجبیل دارفلفل از هریک دو دانگ قند
بیست مثقال کوفته وبیخته شربتی دو درم سفوف حب الاس شکم ببندد ومعده را قوت دهد صفت
دانه انگور صمغ عربی از هریک چهار درم حب الاس سماق از هریک دو درم مصطکی گلنار از هریک
یکدرم کوفته وبیخته سفوف سازند سفوفی که نافع است از جهت اسهال که با آن سرفه باشد صفت

حب الآس شاه بلوط خشخاش خرنوب از هر یکی دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه
درم سفوف دیگر همین خاصیت دارد صفت صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک
چهار درم پرسیاوشان کندر از هر یک خرنوب شامی مقل یکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم بشراب خشخاش سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت بالجی دانه ده درم عاقرقرحا دو
درم شکر سرخ پنج درم کوفته و بیخته سفوف سازند و در شکر سرخ بکیوه بشاولی نمایند سفوف که حرقة
البول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند صفت مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم
کدو تخم خرفه خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کتیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج
سفید دو درم قند برابر همه ادویه شربتی سه درم صباح و سه درم شامگاه بشراب خشخاش
سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط از هر یک پنج درم نشاسته کتیرا تخم کاهو خرفه از
هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم باب انار ترش سفوف سورنجان
سورنجان ده درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه یکدرم قند سفید سی درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم سفوف بواسیر و اسهال و رحاد مغص را نافع باشد صفت تخم تره برگ بریان
کرده و سماق بزرگ بریان کرده بزر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان کرده گل ارمنی
تخم مرو از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته سوای تره برگ و بزر قطونا و تخم
مرو سفوف سازند سفوف که نافعست از جهة حرارت جگر و یرقان و نفث الدم و سدة
جگر صفت بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیارین از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول
گلسرخ سنبل اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیم درم مصطکی دو دانگ شربتی

بیکدرم

باب سرد سفوفی که نافع است از جهت یرقان و درد جگر و قی صفراوی صفت لک مغسول یک مثقال
طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی و نیم کافور دانگی شربتی دو درم با شراب بزوری
با شراب آلو سفوفی معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت بلوط و شاه بلوط دانه مویز
ارد کنار از هر یک ده درم خرنوب نبطی حب الآس از هر یک هفت درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوفی دیگر همین خاصیت دارد صفت دانه مویز تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هر یک سه
درم حب الآس بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوف از جهت سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد عظیم نفع دارد صفت بزر قطونا دو
درم تخم خرفه سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال با ماست سفوف سازند سفوفی که نافع
است از جهت فواق امتلائی صفت تخم کرفس سعد زیره کرمانی بسباسه دری کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
سفوفی که نافع است از جهت ضعف معده که سبب آن حرارت باشد صفت کهربا گل سرخ از
هر یک پنج درم عود دو درم زرشک ده درم امله طباشیر از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران
کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ کند
صفت زر و ناخنک ده درم زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته و بیخته هر روز
دو درم سفوف سازند سفوفی که سده سپرز بگشاید و طحال را نافع بود تخم کاشنی
کزمازج از هر یک پنج درم حب القعد یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوفی
که نافع بود از جهت وجع کلیه که سبب آن برودت باشد صفت قسط سنبل قردمانا حماما تخم
کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی که بدن را لاغر کند صفت لک مغسول دو درم

ناخواه تخم سپند تخم سداب زیره کرمانی از هریک چهار درم مرزنگوش بوره ارمنی از هریک یکدرم کوفته
و بیخته تشربتی هر روز یک مثقال با گلقند بنوشند سفوفی که همین خاصیت دارد صفته لک مغسول سندروس
از هریک چهار دانگ بزر بخورشش نیم درم راح زراوند مدحرج جندبیدستر از هریک دانگی و نیم کوفته و بیخته
تشربتی دو دانگ سفوفی که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع باشد صفته تخم سداب
سه فنجنکشت بیخ سوسن از هریک دو درم گلنار ورق گل سرخ از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم
از ان در دو نوبت با آب غوره حل کرده بنوشند سفوفی که نافع است از جهت قروح کلیه و مثانه صفته
گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربوزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس لک
مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج همه مساوی کوفته و بیخته تشربتی دو درم
بمیبختج سفوفی که وجع کلیه و مثانه را تسکین دهد صفته بزر البنج دانگی افیون مراطلی مغز تخم خیارین سه
درم تخم کاهو و تخم خرفه از هریک یکدرم کوفته بشراب خشخاش بنوشند سفوفی که از جهت استرخای
با آن نافع باشد صفته دارچینی حماما سنبل از هریک سه درم ساذج ناخواه زراوند طویل کرفس
شبت مصطکی سیسالیوس و وقوانیثون از هریک یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هریک دو
درم کوفته و بیخته تشربتی با آب گرم یا شراب کهنه سفوفی که در السلس موثر باشد صفته براده
عاج نبات از هریک یک مثقال زن سه شب سفوف سازند و شب چهارم مرد با او مجامعت کند
البته بسوده بشر که انکه بعد از طهر باشد و بعضی گفته اند که براده عاج را زن هفت روز متوالی
هر روز دو درم بماء العسل بیاشامند بعد از ان جماع دهد البته نشود سفوفی که بول براند و حرقت
بول را نافع بود و مفید صفته مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و خرفه خشخاش مقشر نشاسته کتیرا رب السوس

از هریک

از هر یک سه درم بزر البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش سفوف
که قی الدم را نافع باشد صفت گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته با ده درم رب به نوشند سفوف که قی بلغمی را نافع باشد صفت کندر مصطکی از هر یک پنج درم
عود خام هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه سعد نعناع از هر یک
چهار درم پوست بیخ فرنجمشک از هر یک ده درم طباشیر شش درم سنبل الطیب از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم سفوف که شهوت طلب فی شهوات ردیه را نافع
باشد صفت افسنتین تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم
قرنفل پنج درم کوفته و بیخته شربتی هر صباح و شام یک مثقال سفوف دیگر که همین خاصیت دارد
صفت مصطکی زیره کرمانی نانخواه حاطین مساوی نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند
سعوط که صداع گرم و خشک را نافع باشد. صفت اب کاهو روغن نیلوفر از هر یک یک جزو سرد
جران دو جزو و یکدیگر ممزوج سازند و در بینی چکانند سعوط که درد سر و درد چشم اطفال را نافع
باشد صفت کندس حضض کندر از هر یک یک درم صبر زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
گلولها سازند و بوقت حاجت به شیر دختران یا روغن بنفشه یا بادام حل نمایند و در بینی چکانند
سعوط که صداع بلغمی و ریحی و دوار را نافع باشد صفت صبر کندر حضض جند بیدستر زعفران
دار فلفل فلفل سفید از هر یک یک درم کندس دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنگوش
حل نمایند و در بینی چکانند سعوط که سکته و لقوه و فالج را در بینی چکانند سود دارد صفت زهره
کلنگ با آب مرزنگوش یا آب سداب حل نمایند و بچکانند یا جند بیدستر با ماء العسل در بینی چکانند

سعوطی که صداع حار را نافع باشد صفت روغن بنفشه بادام و روغن کدو آب کاهو آب کاسنی
شیر دختران مساوی بهم امیزند و در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را سود دارد صفت
روغن بادام با آب مرزنکوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام و صداع حار را نافع باشد
صفت آب مورد و عرق بید صندل و کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی که صداع
بارد و نسیان را نافع باشد صفت جوز بوا درمنه ترکی قرنفل مرزنکوش از هر یک مثقال کبابه
چهار مثقال با آب مرزنکوش در بینی چکانند سعوطی که حار را نافع بود صفت کبابه کادرنا
از هر یک یکدانگ اشنه حار لیت کافور از هر یک یکدانگ و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم
با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که همین خاصیت دارد صفت دار فلفل مامیران سیطرج
از هر یک یکدرم مکل امیع تخم خمسک از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که فالج و لقوه و سقیقه و جمیع امراض بارده رطبه را که در چشم باشد سود دارد صفت
حضض تر از هر یک ده درم عدس و صعتر از هر یک پنج درم سداب زهره کلنک جاوشیر
جند بیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران از هر یک دو درم فرفیون صبر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص قرصها زنند هر یک مقدار عدسی بوقت حاجت یکی از آن
با آب مرزنکوش و روغن بنفشه بادام در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد
صفت کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو و برکه پوده سوخته پوست انار ترش
کندر مر صدف سوخته شادنج مغسول از هر یک قدری کوفته و بیخته با آب بادروج در بینی
چکانند سنون سورنجان ضعف اسنان را نافع باشد صفت سورنجان قرنفل سعد کرمانج

الوشیلد

پوست هلیله زرد و گل سفید و گل ساوی کوفته و بیخته سفوف سازند سنون که همین خاصیت دارد

صفت پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم قرفه پانزده درم دارچینی شب یمانی سماق از هر یک دو درم

عاقرقرحا هفت درم نوشادر دار فلفل ابیض زعفران از هر یک یکدرم گل سفال قاقله گلنار

از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که حافظ صحت اسنان

باشد صفت شاخ گوزن سوخته کزمازج سفید سوخته از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم

کوفته و بیخته سنون سازند سنون که چرک از دندان پاک کند صفت نمک اندرانی جو سوخته زبد

البحر سماق سنجرفی مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون که دندان متحرک را محکم کند صفت

گلنار شب یمانی اقاقیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون که همین خاصیت دارد صفت

شب یمانی گلنار کزمازج مساوی کوفته و بیخته بسرکه تر کنند و در سایه خشک کنند و دیگر باره

بکوبند و سنون سازند سنون که نافع است از جهت درد دندان که سبب آن ورم لثه باشد

صفت تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا کافور ساذج کوفته و بیخته

بر لثه افشانند بعد از آنکه گلاب و سرکه را یک ساعت در دهن نگاهدارند سنون که بیخ دندان

سخت کند و خون باز دارد صفت شاخ گوزن سوخته پوست هلیله زرد نمک اندرانی سوخته

گلسرخ از هر یک دو درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند سنون که دندان

را محکم کند و خون از لثه باز دارد و بوی دهن خوش کند صفت هلیله بلیله املج مقشر گلسرخ

گلنار اقاقیا شب یمانی قرظ طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنون

که خون از لثه از بیخ دندان باز دارد صفت شب یمانی سوخته یکدرم نمک هندی پاک کرده دو درم

سماق سه درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون درد دندان متحرک و بوی دهان خوش کند
صفته اهل جوز السرو ساوی کوفته و بیخته استعمال نماید سنون که دندان را باصلاح
ارد صفته بیخ سوسن عاقرقرحا از هریک یکدرم شب یمانی کلنار مازو سماق از هریک
دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی
دهن خوش کند صفت کزمازج زنجبیل زبد البحر قاقله از هریک دو درم نمک بریان کرده
ده درم جو سوخته دو درم کوفته و بیخته استعمال نماید سنون که خون رفتن از دندان باز
دارد و بوی دهان خوش کند صفت شب یمانی فودنه کوهی ده درم کوفته و بیخته سنون
سنون از جهت درد دندان که بسبب آن رطوبت باشد صفت فلفل یکدرم و نیم بوره ارمنی
یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هریک کوفته و بیخته استعمال نماید سنون که لثه را
محکم کند و بوی دهان خوش کند صفت سعد گلسرخ از هریک پنج درم کلنار کزمازج فوفل
از هریک سه درم دم الاخوین کندر قرنفل نمک اندرانی مصطکی فودنه سوخته از هریک دو درم عود
خام یکدرم کوفته و بیخته استعمال نماید سنون که بیخ دندان سخت کند و خون رفتن باز دارد صفته
پوست انار ترش ده درم شب یمانی هشت درم عاقرقرحا گلسرخ کزمازج سماق از هریک چهار درم
نمک هندی پوست هلیله زرد از هریک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که رفتن خون از بیخ
دندان باز دارد صفت کات هندی فوفل گلنار گل سرخ سماق دم الاخوین مضمضه کنند
سنون که دندان سیاه شده را سپید کند صفت پوست هلیله زرد چهار درم فوفل چهار درم
حماما سه درم ست فرج هندی دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته و بیخته بر دندان مالند

سنون

سنون که لثه را محکم کند و نشف رطوبات گرداند صفت گلنار ده درم نوشادر دو درم
مویزج سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک مغسول بالعسل سرشته و سوخته ده درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که دندان را جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهان خوش کند
صفت شب یمانی سوخته دو درم سنج سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا کبابه گل گلنار از هر یک
پنجدرم قرنفل سماق از هر یک چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که خون را از لثه
باز دارد و لثه را محکم کند صفت گل گلنار اقاقیا سه درم عصاره لحیة التیس کلنخوم هیل از
هر یک یکدرم دارچینی پنجدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که دندان را سفید گرداند
و بوی دهان خوش کند صفت زبد البحر دو درم نمک بریان کرده دو درم عود سوخته
و جو سوخته و سفال چینی کزمازج گلنار عاقرقرحا قرنفل ساذج گل سرخ سعد سماق از هر یک
پنجدرم زراوند طویل برگ حب الآس از هر یک سه درم کوفته و بیخته در دندان مالند سنون
که خون در محلی که داوری اندک ماند و بر دهن و بیخ دندان و بیخ دهن از جوشش کند و
اگر دهن جوشیده باشد و استعمال نمایند و باصلاح آورد صفت زراوند مدحرج برگ
مورد کندر سعد بنجوسش گلنار دم الاخوین مازو مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون
که قلاع را نافع بود و بوی دهان خوش کند و بیخ دندان محکم کند صفت شیاف مامیثا
طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست هلیله زرد گلنار برگ ریتون گزمازج شب یمانی
کوفته و بیخته مساوی استعمال نمایند سنون که اکله و بثور بیخ دندان را نافع باشد و
خون ریزش باشد صفت نوشادر بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته

استعمال نمایند سنون که همین خاصیت دارد صفت بجنسوس عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی
گلنار مازو و هر ایک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که دندان را محکم گرداند صفت
مر توتیا شب یمانی شسته سماق پوست انار ترش استخوان هلیله زرد رنگ گلنار مازو مساوی
کوفته و بیخته بر دندان افشانند نافع باشد و اکلیه دهن و غیره را رفع سازد سنون دیگر پوست انار
شیرین و ترش از هر یکی مازو و گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم
سماق پانزده درم نمک هندی از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بسرشند و گلولها سازند و خشک
کنند و در وقت حاجت دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند سنون بجان استخوان دندان را نافع
باشد و دندان را جلا دهد و محکم کند صفت پوست انار دو درم گلنار زرد چوب سماق شب یمانی
مازو از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون نیله تهوتهه بریان کرده سهاگه بریان هیتگری
بریان کرده هیتگری سفید کسیس زنجبیل پوست هلیله نو و هلیله زنگی و برنج نمک سنگ از هر یک یکتوله
مازو و سپاری دانه الاچی کچور پوست بادام قرنفل مصطکی از هر یک نیم توله سنون که بجهت درد
دندان نافع است منقول نواب روح الله خان صفت نیله تهوتهه توتیا عاقرقرحا دو درم گلنار شب یمانی سرشتی
مازو و طباشیر از هر یک یکدرم انجبار یکدرم نیم کوفته و بیخته سنون سازند نمک سنگ از هر یک یکدرم سنون
کفته سفید کپور کچری کباب زیره سفید بریان کشنیز خشک بریان برنج زنجبیل مصطکی کسیس هیچ
کچور سپاری از هر یک نیم دانگ کوفته و بیخته سنون سازند سنون که گوشت بن دندان بر
یابد صفت سماق پوست انار ترش بلیله زرد گل سرخ سنگ گلنار مازو و گل نارنج شب یمانی
تخم گل هر یک جزوی کوفته و بیخته بر دندان مالند سنون که نشه را سخت کند و اسنان فرحه را
سخت کند

سخت کند صفت اقماع رمان حلو و حامض ثمر الطرفا از هر یک ده درم گلنار و ورق گل سرخ و جفت
بلوط زاج اشیا کرده از هر یک پنج درم حب الآس شش درم حب بلیله زرد هشت درم شب یمانی بریان
کرده سه درم مازوی سبز سعوت هشت درم نمک اندرانی پنج درم همه را کوفته و بیخته سواک کنند
سنون که درد دندان و رستاخ بنشاند عاقرقرحا یکماه در سرکه خیسانند تا نرم شود
و مثل معجون کرده و بر دندان موم نهند نافع آید سنون که بجهت خون آید از بیخ دندان و لثه فاسد
شدن و متعفن شدن و خورده شدن و جنبش آن بسیار نافع است و مجرب صفت
قلیه و اشنه از هر یک پنج درم زرنیخ سرخ و زرد از هر یک پنج درم نوشادر سه ماشه کوفته و بیخته
همه را در آرد جو سه مثقال با آن ادویه کوفته بیامیزند و بسرکه خمیر کنند و بر تنور آهن بگذارند
تا سوخته گردد و سیاه شود و بعد از آن بردارند و سحق کنند و بر بیخ دندان افشانند و بگذارند
تا آبی چند برود و بعد از آن بگلاب بشویند نافع آید دوائی که درد دندان درستی بنشاند
صفت دو حبه تا سه حبه مومیای دو درسه بانره بجهت القدری آب ترکند که بر یک بیخ
بعد از آن بنهند و بر دندان موم نهند در ساعت درد ساکن گردد سنون که دندان متحرک
را نافع بود و دندان را محکم کند صفت لاک خام دو دانگ کتیره سفید دو نیم دانگ نیلی
مهوشه دو نیم دانگ فلفل گرد دو نیم دانگ نمک سنگ دو نیم دانگ سرمل دو نیم دانگ
شب یمانی بریان دانگ بسن نوچین دانگ مصطکی دانگ مازو دو نیم دانگ برگ سنبهالو دو
نیم دانگ کوفته و بیخته سنون بسازند سنون که سراک بر گوشت بن دندان برآید سود دارد
و خورده را نافع باشد صفت پوست انار ترش دو درم ثمر الطرفا نمک هندی از هر یک

چهار درم شب یمانی عاقرقرحا از هر یک هشت درم کوفته و بیخته سفوف سازند باب السبعین شراب
افسنتین معده را از اخلاط فاسده پاک کند صفت افسنتین رومی پنج درم ورق گل سرخ بیست درم
تربد سفید ده درم در ده من آب جوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب
افسنتین بنوع دیگر ضعف معده و جگر سرد و سپرز را نافع باشد و طبع را نرم کند و بادهای روده
را دفع کند صفت افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم در ده من آب بریزند تا به نیم
آید و با یکمن قند شربت سازند شراب افسنتین بنسخه دیگر صفت افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ
سلیخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک هفت درم در ده من آب جوشانند بغیر از
مصطکی و صاف کنند و با یک من و نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی صلایه نموده با آن
ممزوج سازند شراب افسنتین که معده را از صفرا پاک کند و سوء مزاج گرم را زایل سازد
صفت ورق گل سرخ هفت درم مویز منقی سی دانه شاهتره افسنتین از هر یک پنج درم آلو سیاه
بیست عدد تمر هندی بیست درم در ده آب جوشانند تا به نصفی رسد صاف سازند و نیم من شکر
سفید در آن کنند و بقوام آرند شربتی ده درم با یک درم صبر سقوطری شراب سعال که سرفه کهنه را
بغایت نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک سازد و ربو و ضیق النفس را نافع بود صفت انجیر سفید
شش درم و فنه تمار عنصل یک دهه مویز منقی دو دهه انیسون نیم دهه در قدری خل الخمر
و شراب جوشانند سه روز و بجوشانند و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه نمایند و بقوام
آورند شراب فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند صفت آن
آب به و آب سیب و آب انار میخوش آب برزنکوش آب برو از هر یک یکجزو آب نارنگ

سماق

سماق آب غوره آب غوره را هر یک نیم من جوشانند تا ثلثی آید آنقدار قند که کفایت باشد
اضافه نمایند و بقوام آورند شراب انار انار ترش و شیرین قی باز دارد و صفرا دفع کند
و معده را قوت دهد صفت آب انار ترش دو من نعناع تازه دو ساخته عود خام امله مصطکی
از هر یک دو درم پوست بیرون پسته یک درم کوفته در آن جوشانند سوای مصطکی تا به نیمه آید
صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند بعده مصطکی اضافه نمایند شراب انار مسقّع فواق بنشاند
و قی باز دارد و معده را قوت دهد صفت انار ترش و شیرین با تخم بکوبند و آب از آن بگیرند
دو من و یک من قند و بکوبند آب نعناع اضافه کنند و بقوام آورند شراب آلو مسهل صفرا و بلغم
دفع کند صفت آلوی سیاه صد عدد و تمرهندی یک چهار یک ترید سفید نیم خشک از هر یک بیست درم
در کیسه کنند و در پنج من آب جوشانند تا یک من آید نیک بمالند و بپالایند و یک من ترنجبین صاف کرده
اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن حل کنند شراب خشخاش
منع نزلات کند و درد سینه و سرفه را نافع بود و بیخوابی زایل کند صفت خشخاش سبز بزرگ
با پوست صد عدد نیم کوفته کنند و با دو من آب باران بپزند و بپالایند و با یک من و نیم قند
بقوام آورند اگر از خشخاش پوست بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و به بپزند و با یک من
قند بقوام آورند نیکو با پوست اولی باشد شراب سیب معده و دل را قوت دهد و
مفرح بود و قی را ساکن کند و اسهال صفراوی باز دارد صفت آب سیب اصفهانی
که از اندرون و بیرون پاک کرده و در هاون چوبین یا سنگین بکوبند و آب آن بگیرند
و ده من بجوشانند تا به دو من باز آید و یک من قند اضافه نمایند و جوشانند تا بقوام باز آید

شراب به دل را قوت دهد و معده را قوی سازد و اشتهای طعام آورد و طبع بندد
و قی و غثیان باز دارد صفت به ترش و شیرین از اندرون پاک کنند و آب آن
بگیرند و هر یک من آب به یکمن قند اضافه کنند و بقوام شراب ریباس اسهال صفراوی را
نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد صفت ریباس سرد
دنبال او بکار و چوبش جدا کنند و در هاون چوبین یا سنگین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف
کنند و بجوشانند تا ثلثی باز آید و زمانی بگذارند دیگر باره بپالایند و هر یک من آب
یکمن قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب حماض صفرا را تسکین کند و قی باز دارد و معده
و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد صفت آب حماض پنجاه مثقال قند سفید
یکمن سر بهم بپزند شراب لیمو معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفرا تسکین کند و قی باز
دارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار بکند صفت آن مانند حماض است شراب نارنج
تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد و درد سر که از گرمی باشد ساکن گرداند صفت
آب نارنج یک من بجوشانند تا به نصفی باز آید کف از روی آن بر اندازند و با دو
من قند بقوام آورند شراب غوره تشنگی بنشاند و تب گرم را سود دهد و خمار را
دفع کند صفت آب غوره بگیرند و بجوشانند تا به نصفی آید و کف آن بگیرند و زمانی
بگذارند دیگر باره بپالایند و هر یک من آب یکمن قند اضافه نمایند و شربت پزند
شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهن خوش کند و هاضمه را قوی سازد صفت
عود هندی آمله مقشر از هر یک ده درم سنبل قرنفل جوز بوا مصطکی از هر یک دو درم

مجموع

مجموعه نیمکوفته در کیسه کتان ریزند و سه چهار رنگ گلاب بر سر آن ریزند و بجوشانند و کیسه را نیک بمالند
یاقوت لکلاب دهد و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و نیم درم مشک بود در آن حل کنند شراب حب الآس
معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرظ
کثیرا ثیتا از هر یک ده درم آب به و آب سیب و آب انار را از هر یکی یک من دارو ها کوفته بجوشانند در پی
آبها باسی آید بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس به نسخه دیگر اسهال یا سرفه
را نافع باشد صفت حب الآس بکوبند و بجوشانند با یکمن آب شود و بپالایند و بهر دو جزو از آن
ده جزو قند اضافه نمایند اگر قدری طباشیر در آن حل کرده باشند بهتر شراب دینار طبع را نرم کند
و دل و جگر را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد
و تشنگی بنشاند صفت تخم کاسنی نیمکوفته و ورق گل سرخ از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی
چهل درم نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهر آسود
و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال ریوند چینی سائیده در آن
حل کنند شربت زوفا سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه و نفس را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس
را سود دارد صفت عناب شصت دانه سپستان پنجاه عدد انجیر بیست دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان
هفت درم تخم خطمی تخم خبازی از هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم مویز منقی چهل دانه
زوفای خشک هفت درم تخم خیارین هفت درم بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بعضی
پنج درم فراسیون داخل کنند شراب تمر هندی طبیعت را نرم کند و صفرا بشکند و معده را قوت
دهد و قی باز دارد صفت تمر هندی نیم من بجوشانند و شیره آن بگیرند و بپالایند و یک

ویکمن قند اضافه نمایند وبقوام آورند شراب صندل دل را قوت دهد وخفقان گرم وجگر گرم را
نافع باشد وتشنگی بنشاند صفت صندل سفید سائیده نیم مثقال در گلاب خیسانیده
یکشبانه روز دیگر اندک جوشش دهند وشیره آن بگیرند ویکمن قند شربت پزند شراب انجیر
گرده ومثانه را نافع باشد ومنی بیفزاید وباه را قوت دهد ودرد پشت را زایل کند صفت
انجیر دو من در پنج من آب بپزند تا یکمن ونیم آید با یک من نخود سفید در پنج من آب بپزند
تا یکمن ونیم آید هر دو را بدست بمالند وصاف کنند ویکمن ونیم عسل بر سر آن ریزند ودار
چینی وخولنجان وقرنفل وسنبل از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته دران اندازند
وجوش دهند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه ذات الجنب وذات الریه وتب وسرفه وصداع
ودرد چشم ودرد گرده را نافع باشد وبول برآید وسینه را نرم کند صفت سر بنفشه تازه یک چهار
یک بجوشانند وپالایند وبا یکمن قند شربت پزند واگر بنفشه تازه نباشد گل بنفشه خشک کنند و
بسیار بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار را وتبهای صفراوی وسرفه وذات الجنب وذات الریه را
نافع باشد صفت گل نیلوفر یک ده واگر تازه باشد یک چهار یک بجوشانند وبا یک من قند
شربت پزند شراب عناب با سرو آماس حصبه ودرد سینه وسرفه وغلبه خون را نافع باشد صفت
عناب نیم چهار یک در دو من آب جوش دهند وبدست بمالند وپالایند وبا یکمن قند شربت پزند
شراب گاوزبان گیلانی دل را قوت دهد وسوداوی مزاجان را العابت نافع باشد وخفقان
را زایل کند صفت آب گاوزبان تازه یکمن با یک من قند جوش دهند وکف بردارند وبقوام
آورند ودر وقت مثقال گلاب دران ریزند وفرو گیرند واگر گاوزبان تازه نباشد یک چهار دمه
خشک کنند

خنک کنند **شراب بادرنجبویه** دل را قوت دهد و خفقان سرد را نافع باشد و بوحشت سوداوی زایل
کند **صفت** بادرنجبویه تازه بستانند و آب آن بگیرند و نیم من و با یک من قند شربت بزنند و اگر تازه
نباشد پنجاه ماشه خشک کنند **شراب بلیله** اوجاع مفاصل و تبهای گرم را نافع باشد و طبع را نرم کند
صفت بلیله زرد صد عدد نیم کوفته در ظرفی کنند و آب بر سر آن کنند و نگاه دارند و سه روز در آفتاب
نهند و دیگر آب بر سر ریزند و سه روز دیگر در آفتاب نهند و آب اول و دویم با هم بیامیزند و چند ده
مثقال ترنجبین دران حل کنند و صاف کنند و بر سر آتش نهند و بقوام آورند و فرود گیرند و یک
مثقال سقمونیا سوده دران حل کنند **شرابی** که فواق بنشاند خاصه آنچه پس از طعام آید **صفت**
زیره کرمانی انیسون فودنه کندر از هر یک ده درم در دو من آب بجوشانند تا به نصفی آید پالایند
و جرعه جرعه بنوشند **شراب بهمن** ریگ از گرده و مثانه پاک کند **صفت** بهمن سپید بیست
مثقال در دو من آب بجوشانند و پالایند و با یک من قند شربت بزنند **شراب بزوری**
معده و جگر را منفعت شد و بادها بشکند و مفاصل را نافع باشد **صفت** پوست بیخ کاسنی
بیست درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه تخم کرفس پوست بیخ کرفس
از هر یک ده درم تخم کشوث و زرکنان لسته پنج درم بجوشانند و پالایند و با یک من قند و نیم
قند شربت بزنند و **شرابی دیگر** مسهل صفرا بود و تبهای مرکبه را نافع باشد **صفت** گل سرخ
تازه نیم من در نیم من آب بجوشانند تا بنصف من آید پالایند چند نوبت همچنین میکنند تا بکمی
آید صاف کنند و با یک من قند شربت بزنند شربتی سه درم با ده درم سکنجبین و آب
ع و نیم گرم بنوشند **شراب توت** درد گلو و خناق را نافع باشد **صفت** آب توت سیاه

بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید و هر پنج رطل از آن آب سه رطل قند صاف اضافه کنند و بقوام
آورند شراب انار عدس جگر را قوت دهد و تشنگی بنشاند صفت آب انار شیرین بگیرند
و بجوشانند تا به نیمه آید و هر من از آن آب یک من قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب عسل
درد معده را و اعصاب را سود دارد و خفقان بارد را زایل کند صفت عسل دو من
در دو من آب جوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر و زعفران سوده از هر یک
مثقال اضافه نمایند شربتی پنج درم شراب مشک معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع
باشد و پیران را موافق آید صفت عسل یک من قند سفید ده دو من آب جوشانند و بقوام آورند
و یک مثقال مشک و یک درم زعفران سوده اضافه نمایند شربتی سه درم شراب گلنار که نافع ست
از جهت اسهال دموی و ضعف معده صفت آب به شیرین سی مثقال گلنار عدس امله گلنار عدس
صندل سفید حب الآس از هر یک یک مثقال گلاب و قند سفید از هر یک بیست مثقال الطریق
معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل و احشا را قوت دهد و ... بگشاید و استسقا
و جمیع امراض بارده را نافع بود و باه زیاده کند و نشاط آورد صفت ابریشم پنجاه درم
در آب آهنگران خیسانند سه شبانه روز و در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند
و خولنجان و وج و مصطکی از هر یک سه درم زعفران یک درم صلایه کرده اضافه نمایند و با
یک من قند شربت پزند شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع
بارد و جمیع امراض دماغی که سبب آن برودت باشد سود دارد صفت اسطوخودوس
بسفایج و نشان عود صلیب از هر یک پنج درم اصل السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ

کاسنی

کرفس تخم خطمی بنفشه گل سرخ از هر یک سه درم منقی سپستان از هر یک پانزده دانه خوشانند
صاف کرده با یک من قند بقوام آورند **شراب مفاصل** پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه
از هر یک بیست مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه ماهیزهره سورنجان از هر یک ده
درم پوست بیخ کرفس بیست درم قند سفید یکمن بطریق معهود شربت پزند **شراب اصول**
مواد غلیظ را نضج دهد و سده بکشاید و بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض
بارده جگر و معده را نافع باشد **صفت** پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ
کاسنی از هر یک سی درم پوست بیخ کبر پانزده درم رازیانه تخم کرفس تخم کاسنی از
هر یک بیست درم انجیر زرد بیست دانه منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل اسارون سلیخه
از هر یک ده درم قند سفید یکمن شربت پزند **شراب کندر** درد پشت را نافع باشد
و باه را قوت دهد **صفت** کندر رسته پاکیزه ده من سر و بن آنرا بیندازند و درم درم
کنند و در دیگ سنگین بیندازند و آب بالای آن ریزند و سر دیگ بگل یا خمیر محکم کنند چنانکه
بخار از آن بیرون نرود با تش آهسته بپزند و بگذارند تا سرد شود پس سر دیگ بگشایند
و ثفل کنند و آب آنرا بستانند و صاف کنند و با هم سنگ آن عسل در دیگ ریزند
و سنبل و خولنجان و قرنفل و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع را نیم کوفته
در کیسه کنند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست میمالند و میجوشانند تا بقوام
آید **شراب انجبار** اسهال موی را و نفث الدم و سیلان طمث را نافع باشد و معده
جگر گرم را قوت دهد **صفت** صندل سرخ و سفید بالمیده از هر یک پنج مثقال انجبار

هفت مثقال آقاقیا مثقال قند نیم من بطریق بطریق معهود شربت سازند شراب حب الآس [illegible] مقوی
مثقال حب الآس دو مثقال پوست بیخ الکبار گلنار گلسرخ تخم حماض بری از هریک دو درم آب به
شیرین گلاب از هریک بیست مثقال شراب صندل سیب مثقال به دستور معهود شربت سازند شراب بادرنجبویه
که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی نافع است صفته تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هریک صفت آن
ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ابریشم ساده دو درم و نیم اصل السوس پنج درم [illegible]
بسفایج از هریک سه درم و نیم در سیس مثل آن گلاب دو مثقال ادویه را بیست شیرین جوشانند
تا ثلثی آید و با یکمن قند شربت پزند شراب قند بلغم دفع کند و سرد مزاجان را نافع باشد صفته زنجبیل
دارچینی از هریک پنج درم سنبل قاقله از هریک دو درم قرنفل یکدرم مجموعه نیم کوفته در هفت رطل
آب جوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند و با پنج من قند سفید بقوام آورند و نیم درم زعفران ساییده
اضافه نمایند شراب عسل معده و جگر را گرم کند صفته سنبل مصطکی دارچینی قاقله عود هندی
هیل جوز بوا از هریک یکدرم قرنفل نیم درم مجموعه نیم کوفته در سه رطل آب جوشانند تا به دو رطل
آید و بپالایند و با پنج رطل عسل جوشانند و بقوام آورند شراب [illegible] در دفع خمار بی نظیر است
صفته آلو سیاه تمر هندی بهدانه از هریک یک رطل عناب پنجاه دانه در بیست رطل آب جوشانند
تا به دو رطل آید بپالایند و آب انار ترش و شیرین و آب سیب و آب لیمو از هریک نیم رطل
اضافه نمایند و با یک رطل بقوام آورند شراب [illegible] که سرعت انزال را نافع باشد صفته آب انگور
خام شش رطل سماق مازو گلنار گلسرخ کشنیز خشک کندر صبر سعد از هریک دو درم
زعفران مرسنبل بمانی از هریک یکدرم حبت الحدید سنگ مثقال بجوشانند تا ثلثی آید
صاف کنند

صاف کنند و استعمال نمایند **شراب دارچینی** تقوی اعضاء رئیسه و نسیان و امراض بلغمی را و سودا
و پیرانرا نافع است و باه را قوت دهد و پیرانرا موافق نماید **صفت** آب انگور صد من به شیرین سه من
اصفهانی دو من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل کباب چینی خیربوا
خولنجان از هر یک پنج درم عود خام کبابه هر دانه از هر یک سه درم زعفران دو مثقال مشک نیم
مثقال عنبر یکمثقال سیب و به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود بعد از ان بر کشند و صاف
کنند مشک و زعفران و عنبر و گلاب حل کنند و اضافه کنند و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند و در محل جو
شانیدن کیسه را در دیگ اندازند و بدست میمالند تا شیره باز دهند و چون شیره انگور را
در خم ریزند کیسه را در خم اندازند بعد از شش ماه استعمال نمایند **شراب خبث الحدید** معده را قوت
دهد و هاضمه را قوی گرداند و لون را نیکو گرداند و باد بواسیر را نافع آید **صفت** تخم کرفس رازیانه
زیره کرمانی انیسون نانخواه انجدان صعتر کاسم دیاکشیر خشک فلفلدار فلفل کندر دارچینی سنبل
قرنفه جوزبوا تخم [illegible] تخم پیاز سعد زنجبیل از هر یک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال در شش من
ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند شربتی هر روز سه درم **شراب بلادر** نسیان
و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را قوت دهد و پیران را موافق آید **صفت** شیره انگور صد
من در خم ریزند و شش من قند اضافه نماید و دارچینی قرنفل کبابه جوزبوا از هر یک ده درم
مجموعه را نیم کوفته کنند و در کیسه کرده در خم اندازند و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
باید که خم را اول پاک بشویند و اندرون آن موم گداخته بگردانند و بمشک و عنبر بویا گردانند
شرابی که معده را قوت دهد و دل را قوی گرداند و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد

صفت آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ سنگین کنند و قرنفل یکدرم و نیم

عود هندی دو درم کاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک سه درم کوفته در کیسه بسته در دیگ

اندازند و آب و سیب بجوشانند تا به نیمه آید و در درخم ریزند و شراب بجانی دو من بر بالای

آن ریزند و قند سفید یک رطل و نیم اضافه کنند و سرخم بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند بعد از آن

صافی نموده استعمال نمایند شیاف احمر لین سلاق و غلظ اجفان و احمرمد را نافع بود صفت

شادنج عدسی مغسول ده درم مس سوخته هشت درم لبد مروارید ناسفته شادنج از هر یک چهار درم

صمغ عربی کثیرا مرصاف از هر یک دو درم دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم صلایه کرده شیاف

سازند شیاف احمر حار سبل وطوفه و سلاق و بیاض را نافع بود صفت شادنج مغسول مس

درم صمغ عربی پنج درم مس سوخته زاج سوخته از هر یک دو درم افیون حجر سقوطری از هر یک یکدرم

زنگار دو درم و نیم زعفران فو از هر یک دانگی و نیم کوفته بگیر و بیخته شیاف سازند شیاف احمر جرب

و سبل و بیاض را نافع باشد صفت زنگار سه درم اقلیمیای نقره اشق صمغ عربی انزروت سفید آب

ارزیر از هر یک دو درم صمغ و اشق در آب سداب حل کنند و دارو ها کوفته و بیخته بدان آب سرشته

و شیاف سازند شیاف زرد جرب و سبل و سلاق و سبل را باید را نافع باشد صفت

زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک چهار درم اقلیمیای نقره یا طلا افیون از هر یک دو درم

بازرو یکدرم کوفته و بیخته با آب سداب بسرشتند و شیاف سازند شیاف طرخماطیقان سداب

کمنه و جرب و سلاق و استرخای جفن و ریح و سبل را نافع باشد صفت شادنج مغسول دوازده

درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته از هر یک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون

زعفران

زعفران از هر یک یکدرم باب رازیانه بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض رمد گرم را نافع
بود و درد صعب بنشاند و بکار برکنند صفت سفیداب ارزیر هشت درم صمغ عربی پنجدرم افیون کتیرا
از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ بسرشند و شیاف سازند شیاف انزروتی ابتدای رمد را نافع
بود صفت آن سفیداب ارزیر هشت درم انزروت مربی بشیر خر کتیرا از هر یک چهار درم بسفیده
تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف کلسرج نسخه محمد زکریا رمد را نافع باشد و حدت آن کمتر از
حدت ابیض است و بهترین و مسکن‌ترین شیافات در وست صفت کلسرج چهار مثقال زعفران
سفیداب ارزیر از هر یک دو مثقال افیون صمغ عربی از هر یک یکمثقال بدستور معهود شیاف
سازند شیاف بربویا رمد را نافع و در روز باصلاح آورد صفت شیاف مامیثا انزروت گل
از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون نیم درم کتیرا یکدرم کوفته بحریره باب باران بسرشند
و شیافها سازند و با سفیده تخم مرغ در چشم کشند شیاف بربویا نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی
را ببرد و اماس بنشاند و درد را تسکین دهد صفت اقماع نقره و روی سوخته از هر یک سه مثقال
کتیرا اقاقیا صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون زعفران از هر یک یکمثقال کوفته بحریره بسفیده
تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر طرفه و ظلم را مدر را نافع باشد صفت سادج معسول
دوازده درم صمغ عربی مس سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته و زنگار از هر یک دو درم
باب رازیانه سرشته شیاف سازند شیاف جنوبه بادها را پراکنده کند و اماس ملتحمه بنشاند
صفت مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کتیرا صمغ عربی شیل زعفران از هر یک یکدرم
باب باران شیاف سازند صفت شیاف اشود نافع است بادها را که در چشم و حیض باشد

کشیدن و طلا کردن صفت مس سوخته یکدرم افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف مامیثا

از هر یک نیم درم مروارید ناسفته لبد از هر یک یکدرم اقاقیا پنج درم کوفته و بیخته باب باران

شیاف سازند شیاف ابیض کندری قرحه دیده غلظ را نافع باشد صفت سفیداب

ارزیز هشت درم انزروت مربی ده درم افیون کثیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم

باب باران شیاف سازند شیاف احمر نوعی دیگر صفت بلیله زرد توتیای هندی از

از هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران یکدرم باب باران بسرشتند

و شیاف سازند شیاف انار قرحه سوراخ را نافع باشد و سرخی ببرد و اماس بنشاند

و درد را تسکین دهد صفت اقلیمیاء نقره سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک سه

مثقال سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا انزروت سوخته از هر یک هشت درم مر افیون از هر یک

یکدرم باب باران شیاف سازند شیاف ابیض کندری سفیداب رصاصی مغسول ده درم

انزروت بشیر خر پرورده سه درم نشاسته کثیرا از هر یک دو درم افیون یکدرم کوفته و بیخته باب

باران شیاف سازند و در سایه خشک کنند شیاف انار نوعی دیگر منفعت این قریب بمنفعت

اولست صفت انار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا و صمغ عربی از هر یک شش درم

افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند و بعضی اقلیمیاء طلا و سفیداب ارزیز هر یک شش درم

کندر چهار درم اضافه میکنند شیافی که ابتدای آب را نافع باشد صفت خربق سفید بکوفته فلفل

هم وزن اشق یکدرم بآب ترب شیاف سازند شیاف دشنایا جرب و طرفه و انتشار

ابتدای نزول را نافع بود صفت اقلیمیاء نقره و طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم کافور

ملک

مثلث زرد از هر یک دانگی جلا کرده باب باران سیاف سازند سیاف کند رفرحه و غیره
را نافع باشد وکورت هر وباید صفت ان اسفیداج از هر یک بجده درم کندر
ده درم زعفران دو درم اسفیداج را و زرنیخ جمله حل کنند و باقی ادویه بدان سرشته
و سیاف سازند سیاف صبر جرب و حاره سوزش و حجوط را نافع باشد
صفت سماق سنج منقلل باب باران ترکنند و ببالایند و بجوشانند تا غلیظ
شود و بگذارند تا سرد گردد و ده درم سفیداج از زیر آن بسرشند و سیاف
سازند و بعضی آن سماق را بجوشانند تا غلیظ شود گرد سماق با آن سرشته سیاف
سازند سیاف ومامیثون سبل رقیق برود از صفت زرد چوبه و ساذج معمول
صبر سقوطری سماق با ماسا مازو کوفته بسرشند با سبوس و سیاف سازند
سیاف وردی با صعوبت در چشم را بنشاند صفت ورد کلسیج پانزده
درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل دو درم صمغ عربی یک درم بآب باران
سیاف سازند سیاف انزروت منجح و بگرست ربد جرح عین و دمعه و سنبل را که باد
حرارت باشد نافع صفت آن اقلیمیا طلا اسفیداج زر صمغ عربی افیون از هر یک
چهار درم ... حبه سنبل ساده از هر یک یک درم و هم اقاقیا نشاسته ...
و چهار درم ... و بعضی ادویه را با آب سوده کرده با ... معلب
سیاف سازند سیاف اشطاطعا ... بار یکی ... را
نافع باشد صفت اقلیمیا طلا فلفل سیاه افیون از هر یک حنا ... درم صمغ

عربی و شیاف مامیثا از هر یک سه درم انزروت نمک هندی مر و سبج زرد

از هر یک یک درم بوره ارمنی دوازده درم نبات را با آب سماق شیاف سازند

شیافی که نافع است خرب و غلظ جفن و سبل کهنه را که با آن حرارت و حمره

نباشد حمره و بیاض یا رنگی چشم را نیز ببرد صفت اقلیمون اقلیمیا نقره از هر یک

یک درم سعداب زرنیخ مغربی زنگار سوخته از هر یک دو درم مالی که اسفنج را در آن

حل کرده باشند شیاف سازند شیافی که نافع است ابتدا رمد را و درد ساکن کند

و خواب آورد صفت شیاف مامیثا نیم درم زعفران افیون حضض

صمغ عربی از هر یک دو درم کثیرا انزروت از هر یک چهار درم چند مکرر

یک درم کوفته بیخته شیاف سازند شیافی که نافع است قرحه جاره جلد بده را

چشم را حک سازد و گوشت زائد برد صفت سعداب زرنیخ از هر دو درم کندر

انزروت از هر یک یک درم افیون نیم درم کافور دو دانگ [illegible] کرده و بجنه شیاف

سازند شیاف زنگاری حرب و ... جفن را نافع بود صفت آن صمغ عربی سعداب

ارزیز زنگار ... شیاف سازند شیاف عموره حرب و حکه و کمنه را

نافع بود صفت کحل ... درم ... صمغ عربی لوبیای مقبول از هر یک

ده درم زرد چوب زعفران از هر یک دو درم نبات عموره شیاف سازند

شیاف عصب صبر ... انزروت دم الاخوین ... از هر یک

یک درم زنگار ... شیاف سازند و ... اجرب پاک کنند

[illegible]

و درانجا چکانند شیاف وردی و قرحه و سبخه و بثره و موی سرخ و بوقرنیه و غشیه
و کلنه و نده و رمد کهنه را نافع بود صفت برگ گل تازه هفتاد و دو مثقال
اقلیمیا نقره محرق و مغسول صمغ عربی از هر یک بیست و چهار مثقال زعفران شش مثقال
افیون سرمه از هر یک سه مثقال زنگار توبال نحاس سنبل از هر یک دو مثقال مرصافی
چهار مثقال کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند شیاف دینار چون به نسخه دیگر رمد سوداوی
را نافع بود صفت سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره از هر یک ده درهم افیون نشاسته از
هر یک یکدرم کتیره یکدرم و نیم کوفته بیخته شیاف سازند شیاف انزروت به نسخه دیگر صفت اقلیمیا
طلا طوتیا سرمه سفیداب ارزیز بروی سوخته کندر از هر یک دو درهم دم الاخوین افیون از هر یک
یکدرم انزروت یکدرم و نیم کوفته بیخته شیاف سازند شیاف ازرق طرفه نافع گوید صفت الک روی سوخته
بجدرم زنگار دو درم نوشادر قلقند بوره ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ کف دریا سرکه [illegible] بسیند و بکوفته
بگدازند [illegible] سازند شیاف [illegible] طرفه را نافع بود صفت مرکند زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ
سرخ [illegible] با آب [illegible] تر [illegible] شیاف مرارات انتشار و ابتدای نزول را
نافع باشد صفت زهره کلنگ زهره سبوط زهره نرکوهی زهره باز زهره کبک مجموع خشک کرده
ده درم شحم حنظل سلیخ فرفیون از هر یک یکدرم با آب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات
به نسخه دیگر ضعف بصر و ابتدای آب را نافع باشد صفت زهره باشه زهره عقاب زهره [illegible]
زهره روباه زهره سبوط خشک کرده مساوی با آب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات
بنوعی دیگر زهره کلنگ زهره کبک زهره گرگ زهره نرکوهی زهره باشو زهره خرگوش زهره کبوتر

زهره شیر تعلق زهره خوک زهره روباه زهره خرگوش زهره آهو زهره ماهی از هر یک خشک کرده
یکدرم سکبینج را آب بادیان حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند
شیافی که قایم مقام مرارات است صفت زهره بز کوهی در ظرفی مسین خشک کرده ده درم شحم
حنظل نیمدرم سکبینج دو درم فرفیون نوشادر از هر یک یکدرم با آب سداب یا آب رازیانه
شیاف سازند شیاف علائی که جرب و سلاق و ظلمت و دمعه و سبل و طرفه و خشونت اجفان
را نافع بود صفت توتیای مغسول شش درم مامیران چینی شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم دار
فلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد ساذج هندی از هر یک سه درم زعفران
دو درم کثیرا صمغ عربی از هر یک سه مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند شیاف حلیت
خیالات و ابتدای آب را نافع بود صفت حلتیت خربق سفید از هر یک ده درم سکبینج سه درم عسل
بسرشته شیاف سازند شیاف دینارجون که عیدکه سبل و طرفه و جرب را نافع بود و چشم را جلا
دهد صفت اقلیمیای طلا اسفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا از هر یک چهار درم مروارید ناسفته
بسد دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ نشخ نبات اقاقیا از هر یک نیمدرم افیون هفت درم
نشاسته روی سوخته از هر یک نیمدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که جرب و سبل و صحج راید
را نافع باشد صفت ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنجدرم زنگار سه درم مس سوخته قلقطار
سوخته از هر یک دو درم افیون مر از هر یک یکدرم زعفران نیمدرم با آب سداب شیاف سازند
شیاف دیگر که خاصیت دارد صفت زنگار سه درم اسفیداب ارزیز اقلیمیای نقره صمغ عربی
اشق از هر یک ... درم اشق را با آب حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند

شیاف دیگر

شیاف دیگر که قرحه و بثره را سود دارد و نشان قرحه ببرد صفت شاخ گوزن سوخته و شسته

از هر یک چهار درم توبال مس شسته دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند

شیاف مسهل تربد بکشاید و بلغم صفرا دفع کند و درد پشت را اگر از رطوبت بود نافع است صفت

سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل صمغها را با آب سداب

حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشته کنند و شیاف سازند هر یک دو درم شیافی که درد پشت و جمیع

انواع مفاصل که سبب آن سردی و بلغم باشد نافع صفت سکبینج مقل جاوشیر بوره ارمنی اشق زنجبیل

سورنجان شقاقل شحم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت جندبیدستر زراوند

قسط ماهی زهره سعد سداب خشک بالسوی کوفته و بیخته با آب سداب تازه سرشته کنند و شیاف سازند

شیافی که درد پشت و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع بود صفت سکبینج جاوشیر مقل بارزد شحم حنظل

بید انجیر ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم جندبیدستر

نیم درم با آب کرفس شیاف سازند شیاف دیگر زعفران حضض فرافیون کنند بالسوی کوفته

و بیخته شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج را بگشاید و طبیعت نرم کند صفت بنفشه دو درم خطمی سه درم

سنای مکی پنج درم نمک هندی یکدرم عسل خیارشنبر و شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند

شیاف بنفشه بنفشه پنج درم سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی و تربد از هر یک

سه درم و انزروت سه درم از هر یک بحقیقه شیاف سازند شیاف قولنج بوره ارمنی ده درم

شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف سازند

شیاف فرفیون ضعف مثانه و سلس البول و مذی را نافع بود و باه را قوت دهد صفت

نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تلخ کربرا حب الرشاد حب الغار حب الماء حب الفلفل الایم از هریک دو درم فرفیون جند بیدستر سداب
لذ هریک سه درم مقل ده درم باب کنند نا شیاف سازند شیافی که مقوی باه است صفته حلتیت فرفیون از
هر یک یکدرم سنگ نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که دیگر همین منفعت دارد صفته سه سوسمار
زهره گرگ حب القطن عاقرقرحا ساذج کوفته و بیخته بروغن سوسن شیاف سازند شیافی که استسقاء طبلی
را نافع بود و بادها بشکند صفته سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی از هر یک یکدرم
سکبینج پنجدرم باب سداب شیاف سازند شیافی ثقل مسمع روی و طحال را که بسبب آن ریح غلیظ
باشد و وجع بلغمی کوش و ظرسی که بسبب آن اخلاط غلیظ بود زایل کند صفته شحم حنظل یکدرم بوره
ارمنی جند بیدستر زراوند مدحرج عصاره افسنتین از هر یک نیمدرم قسط دانکی و نیم فرفیون دانکی
کوفته و بیخته بزهره گاو سرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی ازان در روغن بادام تلخ
حل کرده در کوش چکانند شیافی که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفته کندر انزروت
دم الاخوین کلنار زاج سفید سرمه از هر یک یکدرم زرنیخ دانکی کوفته و بیخته بعسل سرشند و شیاف
سازند شیافی دیگر همین خاصیت دارد صفته قنطوریون دقیق بلوط انزروت از هر یک
یکمثقال مازو نیم مثقال زرنیخ دانکی بعسل سرشته شیاف سازند شیافی دیگر که همین خاصیت دارد
صفته اقاقیا بیخته التیم کلنار گل ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ سوخته سفیداب نیمدرم
باب لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند
واگر در اسهال تقصیری باشد و کرم مزاجان را موافق بود صفته ترنجبین پنجدرم صابون رقی
خطمی و نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ پنجدرم شیاف سازند شیافی که اسهال دم را

نافع بود

صفت مراقاقیا بزر البنج صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته وبیخته باب مورد سرشته
شیافی که شکم ببندد صفت اقاقیا صمغ عربی کلنار کزمازج بلوط برنج بریان کرده زیره بریان
کرده کوفته وبیخته شیاف سازند شیافی که نافع است از جهت زحیر واسهال واعراس صفت صمغ عربی
اقاقیا افیون مازو بزر البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کرده مساوی کوفته وبیخته باب مورد
باب کشنیز تازه شیاف سازند شیاف عذبوط اقاقیا امله کلنار صمغ عربی کوفته وبیخته باب مورد
~~باب کشنیز تازه شیاف سازند شیاف~~ سرشند وشیاف سازند وپیش از مجامعت استعمال
نمایند شیافی که از جهت کرم کوچک که در امعای سفلی اطفال باشد سود دارد صفت شحم حنظل
قنطوریون دقیق نمک هندی مغز استخوان زردآلو تلخ مساوی کوفته وبیخته شیاف سازند باب
الصبغ صبغی بهق ابیض را برنگ بدن آورد صفت تخم ترب شیطرج حموه کنند پس خردل کوفته
وبیخته بسرکه کهنه تر کنند ودر آفتاب بمالند صبغی که برص را الوان رنگین کند صفت شوره مرکمالی
موه کوفته بسرکه وشراب تر کنند وچند نوبت بمالند صبغی که همین خاصیت دارد صفت شیطرج عاقرقرحا
حضض خردل مویز کل سقاقل مرزنجوش زرد قوه مساوی کوفته وبیخته بخون برسرشته بمالند صبغی
دیگر که همین عمل کند صبغی موه شیطرج سنبل شب یمانی گلسرخ کوفته وبیخته یکشبانه روز در سرکه خیسانیده
روز دیگر بمالند صبغی دیگر که بهق ابیض را اسود وبرنگ بدن آورد صفت تخم ترب ده درم کندس
وقسط از هر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنگ را سرخ گرداند صفت زعفران موه کندش
مر مصطکی مساوی کوفته وبیخته باب ملوعس ترساخته شب بمالند وصباح باب گرم بشویند صبغی
که نشان ابله وجراحات وریشها ببرد ورنگ بدن آورد صفت مرداسنگ سبز بنج ...

کهنه آرد نخود و برنج الغی استخوان پوسیده مغز تخم حرره حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه و بزرکتان

حقنه بمالند و صاحب سبوس و آب گرم بشویند صنعی که همین خاصیت دارد صفته آجر ساقسط

مرداسنگ مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق کوفته بآب الشعیر بمالند باب الضماد

ضماد الیسمین صلابت طحال را نافع است صفته مقل و دو درم اشق یکدرم آرد باقلا کرسنه نخود

اکلیل الملک برزک حلبه بابونه ترمس سعد از هر یک نیم درم انجیر زرد بیست و چهار درم کوفته و بیخته

بروغن سداب یا بروغن ضماد کنند ضمادی که نافع است از جهته اورام صلبه معده و جگر صفته زعفران

و صبر از هر یک یکدرم افسنتین سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته باب گرم ضماد سازند ضماد

حی العالم نافع است از جهته حرارت و ورم جگر صفته بنفشه چهار مثقال حی العالم گلسرخ صندل سفید

از هر یک چهار درم قصب الذریره دو مثقال کافور یکدرم کوفته و بیخته باب کسنیز تازه ضماد نمایند ضمادی

دیگر که ورم جگر را نافع بود صفت جو در سرکه خیسانیده تا مهرا شود پنجدرم و طباشیر سفید صندل از هر یک

نیم درم افسنتین ورق گلسرخ قصب الذریره صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک یکدرم کافور دانگی

کوفته و بیخته و بسته کتان مالند و بر موضع جگر اندازند ضماد سوخته بنفشه سبوس گندم آرد جو خطمی

آرد باقلا اکلیل الملک مساوی کوفته و بیخته بروغن بنفشه یا بادام ضماد کنند صفت برزک حلبه از هر یک

ده درم میویه سابیده چهار درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد کنند ضمادی که اشکم به بندد

صفت اقاقیا ثمر امله کندر سعد اذخر سنبل الطیب مصطکی از هر یک پنجدرم کعک ده درم

کوفته و بیخته باب ضماد نمایند ضمادی که معده بازده را گرم کنند قوت دهد صفته سعد مصطکی

سنبل قسط افسنتین از هر یک پنجدرم اذخر امله قرنفل دارچینی قصب الذریره از هر یک

درم

دو درم کوفته و بیخته با آب ضماد نمایند ضمادی که ورم کهنه معده را تحلیل دهد صفته مقل حب البان لحم زبیب
از هر یک ده درم سنبل الطیب اسق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن ناردین پانزده
درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند
ضمادی که دیگر همین خاصیت دارد صفته حلبه شبت بانه خطمی بزرگ بابونه مصطکی از هر یک پنج درم
سنبل سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم سه درم روغن بابونه پانزده درم بطریق
معهود ضماد کنند ضماد الصندلین از جهت معده و جگر گرم نافع است صفته صندل سرخ و سفید
گل سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که
استسقاء زقی و استسقاء را که با آن حرارت باشد نافع است صفته آرد جو سبک کوفته
کهنه بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته با سرکه ضماد کنند ضمادی که نفخ طحال را سود دارد و صلابت
را نرم کند صفته سداب ده درم بوره ارمنی بابونه از هر یک اشق هفت درم کوفته و بیخته با سرکه
کهنه ضماد کنند ضماد اشق صلابت طحال را سود دارد صفته اشق مقل بوره ارمنی و نمک
هندی از هر یک چهار درم اسکرمازج از هر یک شش درم سداب هشت درم گوگرد دو درم
انجیر ده عدد انجیر را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در آن بگدازند و باقی ادویه مذکور کوفته
و بیخته اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که وجع رحم و ورم آن را تسکین کند صفته زعفران
افیون بزر البنج پیه مرغ از هر یک دو درم خطمی بزرگ از هر یک پنج درم زرده تخم مرغ نیم پخته یک
بیضه به روغن زرد داده ضماد کنند ضمادی که از جهت فتق نافع بود صفته جوز السرو دو درم سعد
مر صمغ عربی مرزنجوش مازو اقاقیا کندر از هر یک یک درم کوفته و بیخته با شراب کهنه ضماد کنند

ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت جوز السرو و صبر و ورق سداب بارزد و بابونه مساوی کوفته
و بیخته بروغن قسط ضماد سازند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت مصطکی کندر ابرزت
جوز السرو و برگ سرو و قشر لیس و بلوط مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضماد که نقرس
بارد را سود دارد و بقایای امراض بارده را سود دارد و تحلیل دهد صفت کندر حلبه برگ کرنب
اشتن کوفته بشراب ضماد کنند ضماد که لکان را از بدن بیرون کنند صفت اسپیار کرسنی
و بیخ لی کوفته بعسل سرشته ضماد کنند ضماد اصطمحقون برودت معده و کبد و طحال را
نافع بود صفت افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان
زعفران از هر یک دو درم موم سفید هشت درم موم را در روغن باردین یا روغن قسط
یا روغن زنبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته بان تر سازند و ضماد سازند ضماد که ضعف
معده را که بسبب آن حرارت باشد نافع بود صفت حب الآس املج عود گلنار برگ مورد پوست
به پوست سیب گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب ضماد
سازند ضماد که نقرس و اورام حاره را نافع باشد صفت صندل سرخ عدس مقشر فوفل
شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد کنند ضماد که لقوه و فالج
و صداع و درد چشم و سعفه و درد دندان را نافع بود و نزلات را از چشم منع
کند چون بر صدغین ضماد کنند و چون بر مثانه ضماد کنند بول براند و چون بر گزیدگی عقرب
مالند درد ساکن گرداند و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضای باطنه را نافع بود صفت
رعی الحمام پنج درم موم سفید ده درم راسخ سه درم در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام

راکوفته وبیخته اضافه نمایند وضماد کنند ضماد که اگر بر معده نهند قی آورد واگر بر ناف ضماد کنند شکم

براند واگر بر عانه نهند حیض براند صفت برگ کابلی عصاره قثاء الحمار از هریک سه مثقال خربق سفید

مردارسنگ از هریک چهار درم روغن زیت ده درم موم سفید سه درم از هریک پنجدرم موم وسه را در

روغن زیت بگدازند وباقی ادویه کوفته وبیخته با آن ضم کنند وبر روی پارچه کشند وضماد کنند

ضماد دیگر که چون بر ته کشند وبر دم معده اندازند اسهال سودا کنند وچون بر زیر بغل ضماد کنند اسهال

صفرا کنند وچون بر بالین الورکین ضماد کنند بلغم براند واین ضماد از اسرار اطبا است اطفال وپیران و

کسانی را که طاقت اسهال بدارو مسهل نباشد وبدین معالجه کنند صفت ترمس مقشر یک کف

بکوبند ودر دیگ کنند وآن مقدار سرکه او را بپوشاند بر سر آن ریزند وبجوشانند تا ترمس مهرا

هدت کنند وبعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند وبجوشانند تا بقوام آید واستعمال

کنند وچون خواهد که اسهال قطع کنند لته بردارند وموضع گلاب بشویند ضماد که جگر وگرده را نافع

بود صفت ثغات ماش گل ارمنی از هریک چهار درم خطمی از هریک دو درم اقاقیا صبر از هریک

یکدرم کوفته وبیخته باب مورد وزرده تخم مرغ ضماد ضماد که عرق النسا ووجع الورک را نافع است

صفت پوست بیخ کبر بودینه کوهی عاقرقرحا از هریک دو درم عصاره عنب الثعلب حب النیل از هریک

یکدرم کوفته وبیخته بمراب وعسل ضماد سازند ضماد که همین خاصیت دارد صفت بطرون عاقرقرحا

از هریک دو درم قسط تخم تره برگ از هریک یکدرم زفت پنجدرم زفت را در روغن زیت

بگدازند وباقی ادویه کوفته وبیخته اضافه کنند وضماد سازند ضماد که بوسیت که برگ دماخس

برخیزد باصلاح آورد صفت مصطکی سه درم دریا نزده درم روغن گل بگدازند ودو درم نمک

سان بیامیزند و بران موضع ضماد کنند ضماد که از جهت مرض اطفار نافع بود صفت زرنیخ سرخ
نشب یمانی کوکرد و از هر یک یکدرم زفت رومی ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند و داروها
های دیگر کوفته و بیخته با آن سرشته شود و ضماد کنند ضماد که استسقاء طبلی را نافع بود صفت بابونه
اکلیل الملک مرزنکوش سنبل پودنه از هر یک ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته و بیخته با آب سداب
ضماد کنند ضماد که ورم بلغمی معده را نافع بود صفت جعده پنجدرم اکلیل الملک حماما بابونه
سنبل مصطکی از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک یکدرم کندر شش درم پیه بز
خطمی پانزده درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید شش درم ضماد سازند ضماد
که بواسیر را نافع بود صفت تخم گندنا بزرکتان مقل ازرق از هر یک پنجدرم بروغن گاو سرشته
ضماد سازند ضماد که قرحه معده را نافع بود صفت افیون زعفران از هر یک نیم دانک
مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیر سداب نیم درم روغن گل پنجدرم ضماد سازند چنانچه
رسم است ضماد که اخراج مشیمه کند و جنین مرده صفت شحم حنظل قسط سداب از هر یک
سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته شود و بر عانه و ناف ضماد کنند ضماد که صداع
بارد را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک فودنه تر یک سبت ورق الغار مرزنکوش مساوی
بروغن خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال صفراوی را نافع بود صفت برگ مورد گلسرخ
گلنار صندل بازورد لادن سماق اقاقیا حضض مساوی کوفته و بیخته با آب مورد سرشته شود و بر
شکم ضماد کنند ضماد که زلق الامعاء بلغمی را نافع بود صفت لادن سعد مصطکی قصب الذریره
اذخر مرزنکوش تمام از هر یک پنجدرم عود جوز بوا قرنفل از هر یک یکدرم و نیم تو به و همه

بارز

باب مورد ضماد سازند ضماد که بول الدم را حبس کند صفته گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی تخم خرفه کثیرا
ورق گلسرخ گلنار شاخ گوزن سوخته عصاره لحیة التیس از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته
و بیخته با آب مورد ضماد سازند ضماد که اورام حادی را سود دارد صفته نان گندم آرد جو باقلی حلبه
از هر یک ده درم زعفران زعفران نیم درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد که اماس چشم نشاند
و درد ساکن گرداند صفته آرد جو ده درم باقلا سه درم اقاقیا یکدرم سفیده تخم مرغ یک بآب کشنیز
و برگ کاسنی سبز و حی سرشته ضماد کنند ضماد که از جهت اختلاط عقل در امراض حاره نافع است
صفته آرد جو ده درم سبوس گندم بنفشه از هر یک پنج درم خطمی سه درم با آب برگ بید و روغن
و قدری سرکه ضماد سازند ضماد دیگر که اماس بن گوش را بنشاند صفته پیه بط پیه مرغ از
هر یک پنج درم بلیله هندی پنج درم اشنگ گوسفند کهنه کوفته و بیخته با آب سرشته و ضماد کنند ضماد که
اسهال را که سبب آن ضعف قوة هاضمه و برودت جگر باشد نافع باشد صفته آن سنبل قصب الذریره
افسنتین صعتر کندر مصطکی لادن برگ مورد گلسرخ صندل از هر یک دو درم پوست انار
ترش املج از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد سازند ضماد که درد بواسیر
بنشاند صفته مقل کوهان سر مغز ساق گاو مغز استخوان زرد آلو سعه زرده تخم مرغ مساوی
در روغن گاو که ماز در آن جوشانیده باشند حل کنند و ضماد سازند و پیاز بر روغن گاو
بریان کرده بر ضماد نیز نافع است ضماد دیگر که جلد النسار را سود دارد صفته آرد جو السک کوبیده
کهنه گل ارمنی سرگین گاو خشک از هر یک پنج درم سعد بوره ارمنی زیره کرمانی مس سوخته
شحم حنظل صبر سقوطری مبارا الحمار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بسرکه ضماد سازند ضماد

که افراط طمث را نافع بود صفته عدس مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی کوفته و بیخته در سرکه
بسرشند و بر پشت و شکم و عانه ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاده کند صفته ارد باقلا ده درم تخم
بادروج پنجدرم کوفته و بیخته با آب بادروج ضماد کنند ضمادی که بگذارد که ناف بیرون آید صفته شب یمانی
سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته بشش درم سرکه ضماد کنند و بر فاده محکم ببندند ضمادی که نقرس
گرم را سود دارد صفته ارد جو بیست درم افیون سه درم با آب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که نقرس
مرکب را نافع بود صفته لعاب خطمی تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی روغن گل و زرده تخم مرغ
ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع مفاصل را نافع بود صفته بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست
درم اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم و سرکه از هر یک پنجدرم روغن سنبل بیست درم
چنانچه رسم است ضماد کنند ضمادی که جمیع اورام حاره را در ابتدا نافع بود و ماده را دفع
کند صفته شیاف مامیثا اقاقیا حی العالم صندل سرخ با آب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که بواسیر
و درد مقعد و زحیر را نافع باشد صفته مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا
دم الاخوین کندر مر از هر یک نیم درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یک درم و نیم
مقل یک درم افیون و انکی روغن گل بیست درم بطریق معهود ضماد سازند ضمادی که مخصوص
به بواسیر است صفته روغن مغز استخوان زرد آلو یک مثقال پیه بط پنجدرم میوه سائله سه درم
مقل دو درم زفت یک مثقال و نیم ضماد سازند ضمادی که همین خاصیت دارد صفته پیاز و کندنا
پخته در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنجدرم مقل یک درم زعفران نیم درم افیون و انکی و نیم
ضماد کنند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفته روغن مغز استخوان زرد آلو ده درم کوهان

کوهی کشته تر نول

کوهان شتر نه مثقال برگ شفتالو خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یک مثقال مرداسنگ دو درم
ضماد سازند چنانچه رسم است ضماد که ورم بارد و خفیه را نافع بود صفت آرد باقلا حلبه بابونه زیره سونیز میثی برنج غذا
سنجد ضماد سازند ضماد که خنازیر را تحلیل دهد صفت کندر انجدرم نانخواه دو درم صبر یکدرم باب گشنیز تازه ضماد
کنند باب الطلا طلا که از جهت صداع حار نافع است صفت صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک
سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
بنج لعاب یک مثقال باب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلا دیگر که ورم پس گوش
را نافع بود صفت صندل سرخ مومل شیاف مامیثا جز زعفران مساوی بکلاب طلا کنند طلا رعاف
آرد جو گلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک سه درم کافور دانگی بکلاب
تر ساخته بر پیشانی طلا کنند طلا دیگر که همین خاصیت دارد صفت اقاقیا انزروت گل ارمنی
گلنار مساوی کوفته و بیخته باب مورد یا آب برگ ماک یا آب لسان الحمل سرشته بر پیشانی طلا کنند
طلا دیگر که موی از ریختن نگاه دارد صفت بر سیاوشان لادن افسنتین حب الغار مساوی کوفته
و بیخته در روغن مورد بپزند و طلا کنند طلا که شکافتن و شکستن موی را سود دارد صفت برگ
چغندر لعاب بزرقطونا در حمام بر سر و ریش طلا کنند طلا که شوره را برد صفت آب برگ چغندر
چهار درم بوره ارمنی دو درم زهره گاو یکدرم بعسل سرشته و بر سر طلا کنند طلا دیگر که منع انبات
موی کند صفت درع رازدر بایه خرگ کنند و بسایند و چون لاک پشت بری خشک کرده وانگه
بوره ارمنی مرداسنگ صدف ساخته از هر یک قیراطی باب سرشته و چون موی بغل و عانه بر
کنده باشند بر آن طلا کنند و یک ماه بندند دیگر بر آنجا موی بر نروید و جمیع مخدرات و مبردات همین

خاصیت دارد مثل آنکه اگر موی از موضعی بر کنند و آن موضع را بمک شد افیون و سرگران بحته طلا کنند
چند نوبت منع انبات کند طلاء که در نبات مجرب است صفته سیره الخبر جاده مورقه زبد البحر مرتبه
مرح از هر یک قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی را بر کنند و سه بار بر آن موضع طلا کنند و منع
انبات کند و اگر پیش از طلوع و انبات عانه این طلا را استعمال کنند موی بر آنجا بر نیاید
طلاء که موی بر رویاند و داء الثعلب را نافع بود صفته لاذن سوخته چوب کتان سماق باروم
مورد طلا کنند یا برگ مورد نیکو کوفته با لادن و مرو روغن مصطکی بمالند یا بقاح اذخر و قرنفل و
سعد باز و کوفته و بیخته با شراب طلا کنند یا پشم اشتر سوخته با روغن و پیه بمالند و بعد ازان که پیاز
عنصل چندان مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زبد البحر و برنجاسف سوخته بروغن
زیت طلا کنند همین عمل کند طلاء که جرب و حکه مالیده را نافع بود صفته مغز استخوان زرد آلو تلخ
ریواس از هر یک بیست درم نمک طعام زیبق مقتول از هر یک ده درم مجموعه را با ربت درم ست
ممزوج سازند و در حمام طلا کنند و یک ساعت بگذارند پس بشویند طلاء دیگر که همین خاصیت دارد
صفته زیبق مقتول حنا شحم حنظل اقلیمیا نقره عدس مقشر مساوی با سرکه و روغن گل طلا کنند
طلاء که همین منفعت دارد صفته مغز بادام تلخ سنا و مکی مرداسنگ از هر یک سه درم کنجد ده
درم با سرکه و روغن گل طلا کنند طلاء که از جهت جرب رطب نافع بود صفته کندش
و ملح مرداسنگ از هر یک ده درم نمک پنج درم با سرکه و روغن گل تر ساخته در حمام
طلا کنند طلاء دیگر که جرب رطب را نافع بود صفته زرد چوب بوره ارمنی مر قسط کندش
از هر یک یک درم میویزج سائله پنج درم بروغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند و ساعتی بگذارند

بزر البرس

پس سبوس و آب گرم بشویند طلای که همین خاصیت دارد صفت گوگرد زرد یک مثقال روغن گل
ده مثقال همه را در روغن بگذارند و گوگرد را صلایه کرده در آن ممزوج سازند شب بمالند و صباح بحمام
بشویند طلای دیگر که همین خاصیت دارد دیگر اشق ترمس از هر یک یکدرم بوره ارمنی دو درم
بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد از ساعتی باب گرم بشویند طلای که قلع ثآلیل کند صفت بازو
شب یمانی تخم چرچیر کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته چند نوبت طلا کنند طلای که سوختگی آتش را نافع
باشد صفت عدس مقشر گل سرخ برابر تا مرهم شود پس سفیداب قلعی و آرد جو در روغن گل بیامیزند
و طلا کنند طلای که دمل و اماس نرم کند که بعد از بیماریها از در دشتیت و بای چشم در روی پیدا
شود زایل کند صفت صبر اقاقیا مر سعد شیاف مامیثا زعفران حضض گل ارمنی کوفته و بیخته
بسرکه و آب عنب الثعلب طلا کنند طلای که صداع را نافع بود صفت مر زعفران افیون بزر البنج
کندر مساوی کوفته و بیخته بگلاب تر کرده بر صدغین طلا کنند طلای سوم نیلوفر بنفشه تخم کاهو از
هر یک سه درم پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک دو درم صندل سفید و سرخ از هر یک دو
مثقال کوفته و بیخته باب برگ کاهو برساحه بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلای که اسهال
وقتی باز دارد صفت گل سرخ و سفید پنج درم اقاقیا گلنار مازو و شب یمانی جوز السرو صندل سفید
و سرخ عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم باب به بر شکم و معده
و پشت طلا کنند طلای که گرمی جگر را نافع بود صفت بنفشه خطمی آرد جو از هر یک پنج درم
گل سرخ چهار درم صندل سرخ و سفید و بابونه و اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر
از هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم ریوند چینی یکدرم سنبل پنج درم کوفته و بیخته بطلا

وآب کاسنی طلا کنند طلاء دیگر دو درم چهار خصیه را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا
پوست درهندی از هر یک هفت درم صندل سرخ و سفید از هر یک سه درم نعنع ده درم کوفته
و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلاء دیگر که افراط حیض باز دارد صفت گل سرخ عدس مقشر از هر یک
پنجدرم اقاقیا گلنار صندلین از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط طباشیر از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بآب برغانه و بشت طلا کنند طلاء دیگر که از جهت ثقالت الیل نافع باشد صفت خطمی
بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم ترمس پوست درهندی از هر یک یکدرم مر شیاف
مامیثا از هر یک یکدرم و نیم ارد باقلا سه درم کوفته و بیخته بآب کرفس طلا کنند طلاء دیگر که از جهت
سعفه سر که بر روی اطفال باشد نافع بود صفت سفیداب ارزیز سه درم گل سرخ دو درم
گلنار زرد چوب از هر یک یکدرم کافور طسوجی موم سفید دو درم و نیم روغن گل ده درم
موم را در روغن بگذارند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلاء دیگر که
همین خاصیت دارد صفت اسپانج بیرد مرداسنگ از هر یک پنجدرم گل ارمنی حضض پوست
انار از هر یک سه درم حماض از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک
دو درم بگلاب سرشته طلا کنند طلاء دیگر از جهت سعفه صفت برگ مورد چهار درم حنا مازو
از هر یک دو درم بروغن سرشته طلا کنند طلاء دیگر که همین منفعت دارد صفت آب برگ چغندر
روغن کنجد از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند بعد از آن موم
و حنا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلاء دیگر که از جهت
سعفه که در بدن اطفال پیدا شود صفت زرد چوبه زراوند مرداسنگ پوست انار

و عفص

بروغن گل وسرکه طلا کند طلای دیگر که از جهت سعفه کهنه نافع باشد صفت نمک سفید زاج سوخته گوگرد زیبق

مازو زرد چوبه زراوند مدحرج مرداسنگ کوفته و بیخته بروغن گل وسرکه طلا کند طلای دیگر که سعفه تر را نافع

بود صفت نمک و اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت بمالند واگر صابون رقی بگلاب بزند تا کف

ارد وبعد از ان پنج بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند

ویک ساعت بگذارند پس باب گرم بشویند سعفه را استیصال نماید طلای دیگر که سبوس را دفع کند

صفت موبزج سوده از هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زرنیخ مصول [?] یکدرم بسرکه وروغن گل طلا

کنند واگر بدن را بروغن کافوره چرب کنند و بآبی که دران گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند

بشویند نهایت نافع باشد طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت موبزج زرنیخ سرخ زراوند

طویل مساوی بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از ان عرق کرده باشند طلای که کلف

را ببرد صفت پوست تخم مرغ اسفاناخ [?] تخم خربوزه پرورده آرد جو بیخ نی پوست عدس آرد

باقلا فوفل کف دریا مامیران چینی مساوی باب ترب طلا کند طلای که اثرهای زردی ابروی [?]

ببرد صفت زراوند مدحرج سطوخ هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس سرخ از

هر یک یکدرم اسفیده تخم مرغ ترب سازند و شب طلا کنند و صباح بآبی که تخم خرفه کوفته دران

جوشانیده باشند بشویند طلای که حصف را نافع بود صفت حنا و نمک کوفته و بیخته بسرکه

ترب بیزند و در حمام بمالند ویک ساعت بگذارند بعد از ان باب سرد و سبوس بشویند

طلای که جذام را نافع بود صفت قطران اشق فرفیون گوگرد زرد برگ انجیر مساوی بسرکه

طلا کنند طلای که از جهت کلف نافع باشد صفت ترمس تخم ترب جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره

بوره ارمنی فلفل مقل مساوی با آب برگ سیب طلا کنند طلاء که بهق و برص را زایل کند صفة قوه کند بس
بشیطرج خردل تخم ترب بازروشنج حنظل خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک یکجزو شقایق
دو جزو کوفته و بیخته در سرکه خیسانند و یک شبانه روز و روز دیگر طلا کنند طلاء دیگر که بهق و ابیض و اسود
را سود دارد صفة گل شقایق سقمونیا شیطرج تخم ترب خردل صمغ الو از هر یک یکمثقال کوفته و
بیخته در سرکه خیسانند یکشبانه روز و بعد از انکه در حمام کیسه بران مالیده باشند و طلا کنند
و مروارید صلایه کرده با سرکه مالیده همین عمل کنند طلاء که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج
کند صفة افسنتین سه درم برگ شفتالو ده درم زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند طلاء که بر سر اقرع
مانند موی برآرد صفة فلفل کوفته و بیخته بر زهره خوک و عسل سرشته طلا کنند یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی
از هر یک دانگی و نیم موم درم بر روغن زیت طلا کنند طلاء که چون بر پیشانی بپشت و چشم مانند
ابتدای نزول اسود دارد و ماده را دفع کند صفة شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل
زعفران مساوی با آب گشنیز تازه یا آب کاسنی طلا کنند طلاء که سر ناف را نافع باشد صفة صبر یکدرم
شیاف مامیثا اقاقیا مر سفید از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته با آب مورد یا آب
کاسنی طلا کنند طلاء که ورم چشم بنشاند و درد ساکن کند صفة عدس مقشر صندل سرخ گل سرخ
از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی [illegible] طلا کنند طلاء دیگر که همین — [illegible] یمین
خاصیت دارد صفة صبر شیاف مامیثا حضض مکی زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی
صندل سرخ مساوی با آب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند طلاء که صداع بارد را نافع باشد
صفة مشک صبر فرفیون جند بیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی

ابهل

ونیم باب برفسین یا آنبرز بکوبش تر سازند و بر کاغذ پاره کشند و بر پشت نی و صدغین اندازند طلاء
که حمره را نافع باشد صفت صبر زعفران اقاقیا موقل گل ارمنی صندل سرخ شیاف مامیثا با آب کاسنی
یا آب عنب الثعلب طلا کنند طلاء که سکته را نافع باشد صفت خردل جند بیدستر بسرکه کهنه بر سر طلا
کنند بعد از آن سر را تراشیده باشند طلاء که نقوه را سود دارد صفت صبر حضض مر از هر یک یکدرم
زعفران دو دانگ بگلاب طلا سازند طلاء که جحوظ عین را سود دارد صفت صبر حضض اقاقیا عصاره
لحیة التیس با آب عنب الثعلب طلا کنند طلاء که اورام حاره را نافع باشد صفت صندل سرخ شیاف
مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم موقل اقاقیا حضض مکی از هر یک دو درم سفیداب
ارزیر مردارسنگ از هر یک یکدرم سقمونیا پنجدرم کوفته و بیخته با آب کاسنی بسرشند و گلولها سازند
و بر سال کفتی دروقت حاجت یکی از ابهار را با آب گشنیز تازه بسایند و طلا کنند طلاء که شکم ببندد
و اسهال باز دارد صفت اقاقیا سعد کندر مر مکی جوز السرو و مازو و گل سرخ املج گل ارمنی گاورس
برنج عدس بلوط گلنار بزر البنج صندل با آب مورد یا آب بر شکم طلا کنند طلاء که چون بر حصبه اطفال
مالند بگذارد که بزرگ شود صفت سقمونیا سفیداب ارزیر از هر یک دو درم سنگ جراحت مازو از هر یک یکدرم
مشک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل و سوری و چند روز طلا کنند طلاء که استسقاء طبلی را نافع بود
صفت درمنه برگ صدف سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا کنند طلاء که منع استسقی
کند و اگر آتشین باشد بجه بنداره صفت سپیداب خشک بطرون مساوی کوفته و بیخته با آب سیراب صفت
تر بسرشند و بر قضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلاء که بر آبستنی معین باشد صفت حب بلسان
جاوشیر مقل با دارد و مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بر قضیب طلا کنند و بگذارند تا خشک شود

بعد از ان مجامعت کنند زن آبستن گردد طلای دیگر همین خاصیت دارد صفته برگ سنجد خشک
بکوبند و بر زهره کاو و بر قضیب طلا کنند و بگذارند تا خشک شود و بعد از ان مجامعت کنند زن آبستن
گردد طلای که آمدن عرق زایل کند صفته سنگ گلسرخ سنبل سعد شب یمانی مر از هر یک قدری
کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن طلا کنند طلای که سهان را زایل کند صفته زرنیخ زرد و بد طویل
برگ حنا کاغذ آنکه مجوحه سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته باب بورد سرشته کنند و گلولها نمایند
و خشک کنند و بعد از آنکه غسل را اجرا ساختند با خون آلوده شود یک گلوله از ان بگلاب سوده
در ان مالند و یک شبانه روز بگذارند دیگر آن منی بیاشد طلای که حبس عرق کند صفته برگ
مورد گلنار مساوی کوفته و بیخته باب عفوزه یا آب برگ مورد تر ساخته بر بدن طلا کنند
طلای دیگر که بیان را نافع باشد صفته شب یمانی مر گلسرخ برگ مورد و مردار سنگ لعل را باب
اسمان شوئیده دارو کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر آن طلا کنند طلای که منع نزلات کنند
صفته اقاقیا صبر شیاف مامیثا حضض مکی گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته
و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که حیض بر آید صفته اسارون یکدرم سداب یکدرم
رازیانه دو درم تو تیار سرخ یکدرم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز
متوالی باز خورند طبیخ دیگر که همین خاصیت دارد و نافع است مرد را مرکه خون این ایشان
بند شده باشد صفته افسنتین درمنه برگ ترس سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک
دو درم انجیر بیجعد و گلقند ده مثقال بجوشانند چنانچه رسم است و صاف کنند و سه روز
متوالی باز خورند و سه روز دیگر موشند همچنین عمل میکنند تا ادراری تمام واقع شود

طبیخ کهی

طبیخی که قی باز دارد و معده را قوت دهد صفت انار دانه ده درم مصطکی نعناع خشک از هر یک یکدرم در یک رطل
آب جوشانند تا بنیمه آید صاف کنند و عود و سک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه نمایند و بنوشند
طبیخی که حیض بر آید صفت تو بتاء سرخ حلبه انیسون قوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه
رطل آب جوشانند تا برطلی آید صاف کنند و قدری شکر اضافه نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند طبیخی
دیگر که همین منفعت دارد صفت تو بتاء سرخ سه درم فراسیون قوه از هر یک چهار درم پودنه ده درم
در یک رطل آب جوشانند تا بنیمه آید صاف کنند و هر صباح سه درم بنوشند باب ادویه عطوسی
که فالج و لقوه و سکته و امراض بارده راس را نافع باشد و تنقیه دماغ کند و عسر البول را
سود دارد و اخراج مشیمه کند صفت کندش شونیز فرفیون فلفل جند بیدستر زراوند طویل
مشک عاقر قرحا بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند عطوسی که همین خاصیت دارد صفت
شحم حنظل فلفل اسطوخودوس جند بیدستر از هر یک سه درم کندش ببت درم کوفته
و بیخته قدری در بینی دمند عطوسی که از جهت سرعت انزال نظیر ندارد صفت زیبق بخ مثقال
با قدری سرکه بدست انگشت با امن جک صلایه نمایند تا کشته شود و سه مثقال نمک اندرانی سوده
داخل نمایند و معرفه آهن را از سرکه سازند و اینها را در ان معرفه ریزند و بر سر
آتش نهند و سه مثقال زرنیخ سوخته صلایه کرده اندک اندک بخور دلی بدهند و بدستی
انگشت با آهن بهم میزنند تا ملغمه شود و بعد از ان ابزا بوصله مقالی پاک جا لائید انچه سود در
کرپاس کالند بسانند و چندان با آب بشستند میگرد تمام پاک شوند و چرک از ان بیرود
پس از انکه لعاب سازند و میان ابزاسوراخ کنند و در ریسمان در ان بگذارند و در

آب لیمون اندازند و یکشب بگذارند تا محکم شود و با مد صحری بعد از ان انرا در روغن تازه بجوشانند
و در محل حاجت در دهن نگاه دارند چون خواهند که ازال شود از دهن بیرون افگنند باب اندر غرغره
از جهت بعض اشیا که بسبب آن بلغم باشد صفت نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا
مویزج سعتر ایارج فیقرا ایرسا از هریک نیم درم بوره ارمنی وج از هریک نیم درم نمک دفادار
فلفل از هریک ده درم کوفته و بیخته بعسل سرشته و با سکنجبین غرغره کنند غرغره که قرحه حلق را
نافع بود صفت زاج سفید و سیاه کاغذ سوخته مازو سکر کنند رخنا زعفران از هریک یک مثقال
نمک سوخته نوشادر از هریک نیم مثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره دیگر که همین خاصیت
دارد صفت مازو سکر کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که همین
منفعت دارد صفت اصل السوس خرنوب کوفته و بیخته بعسل و گلاب غرغره کنند غرغره دیگر که
همین عمل کند صفت کندر یکدرم مازو سوخته یک عدد زنگار نیم درم کاغذ مصری سوخته یکورق
زعفران دانگی کوفته و بیخته در سرکه و عسل کرده نیم درم غرغره کنند غرغره که فالج و لقوه و صرع
را نافع باشد و سر و دماغ را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت ایارج فیقرا وج خردل مویزج
عاقرقرحا زنجبیل پودنه صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند غرغره که
ثقل زبان و سکته و فالج را سود دارد صفت مویزج خردل زنجبیل عاقرقرحا دارفلفل
فلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنگوش مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق
و ورم که صفراوی و دموی را نافع باشد و حرارت لهات بنشاند صفت گلسرخ طباشیر
نشاسته تخم گل بنفشه از هریک دو درم تخم کرفس سه درم مازو سماق از هریک نیم درم قند

بپاره

چهار ده درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت مویزج
دانگی و نیم عاقرقرحا خردل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند غرغره که قلاع
واسترخای لهاة و دیگر را نافع باشد صفت سماق برگ مورد گلسرخ زیتون جوش داده
صاف کرده رب توت ده درم اضافه نموده غرغره کنند غرغره که سقوط لهات را که بسبب آن
رطوبات باشد نافع بود صفت گلنار نیم درم شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال و نیم
اقماع الرمان تخم گل از هر یک نیم درم و نیم کوفته و بیخته برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع
سوداوی را نافع باشد صفت سماق گلسرخ کشنیز خشک گلنار برگ مورد خرنوب جو نیم کوفته
غرغره کنند غرغره که نافع است از جهت سرفه که بسبب آن نزله باشد صفت گلسرخ گلنار جو
بجوشانند و صاف کنند و مثل آن از خواب غرغره کنند غمره که روی را صاف و سفید و براق
گرداند صفت آرد جو آرد نخود آرد باقلا نشاسته کتیرا تخم ترب کوفته و بیخته بسرکه سرشته سازند
و شب بر روی مالند و صباح با آب گرم و سبوس بشویند غمره دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آرد جو آرد باقلا آرد نخود از هر یک یک جزو عدس مقشر کثیرا نشاسته زعفران
از هر یک نیم جزو مغز تخم خربزه و بورق بسفیده تخم مرغ سرشته تنک مالند و صباح با آبی
که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند بشویند غمره که همین منفعت دارد صفت
باقلای مقشر کرسنه ترمس تخم ترب مغز تخم خربزه نخود کوفته و بیخته روی را
بدان بشویند باب الهاء مخصوص معده را قوت دهد و بواسیر را نافع باشد و باه را
زیاده کند و رنگ رخسار را نیکو گرداند و دفع سرعت انزال کند صفت پوست هلیله کابلی

وهلیله سیاه و پوست بلیله امله مقشر شیطرج هندی سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل
سعد از هر یک ده درم تخم شبت تخم گندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم
عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانروز در سرکه خیسانند بعد از ان
خشک کنند و صلایه کنند چندانکه بر روی آب باشد و به اب فرو برود و باقی ادویه
کوفته و بیخته اضافه نمایند و با عسل معجون سازند بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
دو درم مشک اضافه نمایند [illegible] نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض زبان حامله را
که بسبب آن برودت باشد سود دارد و بادهای غلیظ را دفع کند صفته فرفیون تخم حرمل
سنبل زعفران از هر یک هفت درم افیون بزر بنج از هر یک بیست درم کوفته و بیخته با عسل
بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند [illegible] معده را قوت دهد و باه را زیاده
کند و سرعت انزال را دفع کند صفت پوست هلیله زرد و هلیله کابلی شیطرج هندی
تخم کرفس جرجیر و اقسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان مامیران مسک از هر یک سه
درم پوست بلیله امله مقشر یا بخواه دهد فلفل از هر یک چهار درم بودریان فرفیون
سنبل جوزبوا زنجبیل ملقلموته از هر یک هشت درم سعد ده درم مسک دو
مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید سه بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل
مصفی دو وزن و نیم بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو درم به جند و سی تا استر گوسفند جوارش درد معده و امعا را
سود دارد و معده را گرم کند و بادها بشکند صفته زعفران الخیدان تخم سداب

اقی

تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز چلغوزه از هر یک شش درم فلفل هشت درم کندر دو درم مغز بادام تلخ
دو درم عسل دو وزن ادویه شربتی یک مثقال تا دو مثقال صداع سودا به نسخه دیگر منافع هر دو قرص
یکی یکی زنجبیل فلفل سیاه سنبل از هر یک شش درم مصطکی نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس
بودینه از هر یک دو درم ساذج هندی یک درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیای رومی که اثر معجون
مبارکست و نزلها باز دارد و دردها ساکن گرداند قی الدم و اسهال و موی قولنج و نفخ
و سیلان طمث را نافع باشد صفت فلفل سفید دار فلفل بزر البنج از هر یک هشت مثقال افیون
ده مثقال زعفران پنج مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس
بطی سه مثقال ساذج سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فرفیون از هر یک دو و در بعضی نسخها
بعوض تخم کرفس بطی دو دوست مجموعه کوفته بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبخ سعد و از جهت درد گرده
در طبخ جعده و از جهت درد معده در طبخ انیسون و از جهت تب ربع با سکنجبین
و از جهت مثانه در طبخ رازیانه و از جهت بازداشتن خون در طبخ سماق دهند
فلونیای فارسی استفراغ خون از هر موضعی که باشد باز دارد و رحم را
قوت دهد و بادهای رحم را دفع کند و محافظت حمل نماید و استعمال وی
باز دارد و دردها بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه زیاده کند صفت فلفل
سفید بزر البنج از هر یک بیست درم کلمخوام از هر یک ده درم زعفران پنج درم فرفیون
سنبل عاقرقرحا از هر یک ده درم جندبیدستر یک درم زرنباد درونج مروارید ناسفته

مسک از هر یک نیم درم کافور دانکی و نیم کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشته و بعد از شش ماه استعمال
کنند شربتی یکدرم صفت مصطکی درد معده و جگر که سبب آن برودت باشد و حمیات بلغمی و
ربع و تپهای کهنه را سود دارد صفت فودنج نهری و فودنج کوهی فطراسالیون سیسالیوس از
هر یک دوازده درم تخم کرفس بابونه انیسون از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم
فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته و بیخته باسه وزن عسل مصفی سرشته و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی یکدرم باب گرم صفت فلافلی درد معده و شهوت کلبی را نافع باشد و باد
های غلیظ را دفع کند و طعام هضم گرداند صفت دار فلفل فلفل از هر یک سه درم
حب بلسان ده درم حماما سنبل از هر یک یکدرم زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه
اسارون زراوند از هر یک یکدرم کوفته و بیخته باسه مقابل ادویه عسل مصفی سرشته
شربتی یکدرم باب گرم صفت حلاقون اکله و عفونت و لثه را نافع باشد و گوشت
مرده را ببرد صفت اقاقیا دوازده درم زرنیخ سرخ زرنیخ زرد از هر یک یکدرم
مرچهار درم املک زنده هشت درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه سرشته
و قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت استعمال نمایند فتیله که رعاف
باز دارد صفت آن گلنار کندر انسیا مازو از هر یک نیم درم افیون دانکی کوفته و بیخته
بعصاره سرکین خر سرشته و بجای [illegible] بکز دانند و در بینی نهند
بعد از انکه بینی را بجلاب و سرکه شسته باشند فتیله دیگر که همین خاصیت دارد صفت
مازو سوخته در سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی شش درم کافور

دانکی

دانکی کوفته بیخته فتیله را کتان بسته بدان کردانند و در بینی نهند فتیله دیگر که همین خاصیت دارد صفت
کاغذ سوخته تخم سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم کوفته بیخته با آب بادروج یا آب لسان الحمل
سرشته فتیله را بدان تر سازند و در بینی نهند فتیله که گند بینی برد صفت سر پوست انار ترش
از هر یک دو درم قصب الذریره بزر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج قرنفل از هر یک یکدرم فتیله را بآب
تر کنند و داروها کوفته و بیخته بدان الوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را نافع باشد صفت
زاج سیاه شب یمانی مر زردلو مال سوخته از هر یک پنج درم زراوند طویل شش درم کندر دوازده
درم مجموعه کوفته در دو من آب بپزند و بپالایند تا بقوام عسل آید و فتیله بدان الوده میکنند و در
بینی نهند فتیله که چشم را نافع باشد صفت سعد صبر سنبل گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب سرشته
و در بینی نهند بعد از آن که بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر شونیز را بریان کنند
و یکشبانه روز در سرکه خیسانند و باندکی روغن زیت در بینی چکانند و همین عمل کند فتیله که
نافع است از جهت وجع گوش و ورم گوش و ریم جاری باشد صفت انزروت تخم مرو بعسل
سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند فتیله که کرم گوش را ببرد صفت انجیر سفید
فربه بشکافند و تخم آن از وی جدا کنند و بوره و قردمانا و خردل کوفته و بیخته بدان سرشته و فتیله
سازند و در گوش نهند و خردل و انجیر کوفته در گوش نهادن همین عمل کند فرزجه که اخراج
مشیمه و حمل میت کند صفت زراوند مدحرج اشق ترمس حرف از هر یک جزوی کوفته و
بیخته بزهره گاو سرشته فرزجه سازند فرزجه دیگر همین خاصیت دارد صفت تخم حنظل خردل
کوفته و بیخته با قسطران سرشته و فرزجه سازند فرزجه دیگر که مانع آبستنی کند صفت تخم حندقوقی

سرگین فیل خردل حب فلفل استخوان زعرور مساوی کوفته و بیخته معه بابل سرشته
پشم پاره بر دارند هرگز آبستن نشود و اگر آبستن شده باشد بیندازد و گفته اند که هر زنی
که چهل حب الخروع بلع یک سال آبستن نشود و اگر دو دانه دو سال و همچنین باشد فرزجه
که بچه زنده و مرده بیندازند صفته اشنان فارسی عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک
قدری کوفته و بیخته بروغن زیت سرشته و استعمال کنند فرزجه که در آبستن معین شود صفته
سرگین بز کوهی ماده خرگوش از هر یک قدری کوفته و بیخته بعسل کرم کرده سرشته و به پشم پاره
فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد صفته مشک و زعفران سوده بزهره گاو سرشته و
به پشم پاره احتمال کنند فرزجه که همین منفعت دارد صفته ماده خرگوش دارچینی زراج نبات مساوی
کوفته و بیخته بگلاب سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفته ماميران چینی سورنجان صبر
رازیانه زبد البحر از هر یک دانگی و سکر سرخ فرزجه سازند فرزجه دیگر که همین نفع دارد صفته میعه
سایله جند بیدستر قسط مازو جاوشیر مقل مشک کوفته و بیخته فرزجه سازند بعد از طهر بردارند
بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه دیگر که همین عمل کند صفته ماده خرگوش و سرگین او
بعسل سرشته و به پشم پاره بردارند و سه شب و بعد از آن مجامعت کنند فرزجه دیگر که بچه مرده
فرود آورد صفت مرحا و شیر حربق سفید مساوی بزهره گاو سرشته و استعمال نمایند فرزجه
که حیض براند صفته اشنان عاقرقرحا جاوشیر سداب از هر یک یک درم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته
بقطران سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع حمل کند صفته مازو حب الآس مساوی کوفته و بیخته
باب کرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه که وجع رحم و وجع

بواسیر را نافع بود وورم ورحم را نافع بود صفت بابونه بطر اسیون موم مساوی به پشم
پاره بردارند فرزجه دیگر که اورام را نافع باشد صفت کندر انزروت دم الاخوین حب الآس
گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته با لعاب بزرقطونا سرشته به پشم پاره احتمال نمایند فرزجه که رحم را قوت
دهد و فرج را خشک و تنگ گرداند صفت بسباسه سنبل مرزنگوش قسط کندر صمغ اذخر
جوزبوا گل سرخ پوست بیخ کبر ترمس مساوی کوفته و بیخته بروغن بان بسرشند و به پشم پاره
بردارند فرزجه دیگر که همین خاصیت دارد صفت فقاح اذخر سعد عود قرنفل از هر یک
یکدرم عنبر نیم درم مشک دانگی ایلا نیم دانگ کوفته و بیخته بجلاب بسرشند و به پشم پاره بردارند
فرزجه که حکه رحم را از ابنه النسا گویند نافع بود صفت سداب نعناع پوست انار عدس مقشر
در جلاب و قیروطی سرکه بپزند و به پشم پاره نجور کنند فرزجه دیگر را همین منفعت دارد صفت زعفران کافور
از هر یک دانگی مرداسنگ دو دانگ حب الغار نیم درم کوفته بیخته بسفیده تخم مرغ در روغن گل بسرشند
و فرزجه سازند فرزجه را حیض بند بود صفت گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا شب یمانی
مساوی کوفته بیخته با لعاب بزرقطونا بسرشند و فرزجه سازند و زیت و عانه طلا کنند فرزجه دیگر
را همین منفعت دارد صفت کاغذ سوخته اقاقیا گلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو و جلبه
کتان سوخته مساوی کوفته بیخته بسرکه بسرشند و استعمال نمایند فرزجه دیگر را حیض براند صفت
بورق مورد از هر یک چهار درم ابهل دو درم سداب ده درم مشک سه درم کوفته بیخته بزهره
گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه را درد صلابت رحم را نافع باشد صفت مقل بازرد
از هر یک دو درم زعفران جاوشیر اشق از هر یک نیم درم مصطکی جندبیدستر موم سایله

روغن سوسن پنج روغن بابونه از هر یک سه درم صمغ بادرزد و مصطکی حل سازند و بیه را در روغن
بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته کنند و استعمال کنند باب العاشر فی قرص العنصل
پیاز کوچک و عنصل بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند تا پخته شود بعد از آن مغز آنرا که نرم شده
باشد بگیرند و در هاون بکوبند و بوزن آن آرد کرسنه اضافه نمایند و بقدر شراب سرشته کنند و دست را به روغن
گل چرب کنند و قرص سازند و بعد از دو ماه استعمال نمایند قرص افعی بدانکه افاعی بسیار است و آنکه
در تریاق فاروق مستعمل است اسود باید زیرا که سیاه سخت زهرناک باشد و زهر آن به بود و سفید
ضعیف باشد و اشقر معتدل بود و جوان و تن درست باید و نشان جوانی آنست که حرکتهای
او قوی باشد و سریع الحرکت بود و نشان تندرستی و قوت آنست که سر او فراخ دارد
و چشمهای او سرخ بود و دیر باشد و معده باید زیرا که زهره معده ضعیف تر از زهر باشد
و نشان ماده کی آنست که در دهان او چهار دندان زهر باشد که از ابیشی دندان گویند از هر جانبی
دو و تر را کی باشد و محرق ثقل او و هرج او نزدیک به دنبال باشد و دنبال او دراز باشد و این را
مارکران کلته دم خوانند و مار ماده که پوست شکم او صلب شده زیرا که صلابت علامت آن
باشد که در شکم او رطوبت فضله نیست و نیز نشان آنکه سر پهن علامت قوت دماغ است
و در بیان فصل بهار باید گرفت که افعی در بهار باشد اگر بهار طبع مستان داشته باشد در آخر
بهار یا اول تابستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای او در میان درختان بیابان خاصه درخت
بلوط و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای پاکیزه باید و بهتر آن باشد
که در محلی او را بگیرند و بکشند تا اصفرار بسیار نکند و خشم آلوده نگردد و تشنه و بیمار نشود

و کمی

وکشتن او چنان باید که بمقدار چهار انگشت از سر و دنبال او بیک ضرب بیندازد و ما بقی سه بر چهار پنجه
قطعه آنکه پوست بر روی بماند و بیک ضرب جدا شود زیرا که زهر در دهان و جانب سر او
باشد و وصلهای دو جانب دنبال و چون کشته باشند نظر کنند و اگر از وی خون بسیار آید و دیر
حرکت کنند نیک باشد اگر زود از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد بدین کار نشاید و آنکه شاید
اینکار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست او وا کنند و آنرا پاک صاف بچند نوبت بشویند
پس در آب صاف و اندکی نمک با چند شاخ چوب شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از استخوان
جدا کرده و بگذارند تا سرد شود و آب از وی بپالایند و آن گوشت را با چهار یک آن نان سفید پاکیزه
بریان کرده بکوبند و با آب آن که از آن پالوده باشد بسرشند و دست و بینی را بروغن بلسان
چرب کرده اقراص سازند هر یکی یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانچه مطلقا اثر نم دران نباشد
و در ظرف آبگینه نگاه دارند باید که در محل بحث افعی و کوفتن و قرص ساختن بینی بگیرند
تا بوی آن بدماغ نرسد قرص اندروخوران مستعمل در تریاق بخاروق است و این نسخه اختیار
حنین ابن اسحق است صفت دارشیشعان قصب الذریره اسارون عود بلسان
و سلیخه مصطکی از هر یک سه مثقال فقاح اذخر زعفران از هر یک دوازده مثقال دارچینی
حماما از هر یک بیست و چهار مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی بسرشند و دست
را بروغن بلسان مستعمل چرب کنند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند قرص قیفورنا
مستعمل در مثرودیطوس صفت مر میعه چهار درم علک البطم بیست و چهار درم اذخر
مر از هر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار الطیب سنبل رومی سلیخه اکلیل الملک

نسعد حب الغار از هریک سه درم فقر الیهود دو درم و نیم قصب الذریره سه درم زعفران
یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب بسرشتند و قرص سازند **قرص اندرمعا** که در مخلصه اگر استعمال
صفت حماما دارشیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض یا نخواه از هریک سه مثقال
جوزه یکمثقال سنبل الطیب سافج هندی از هریک هفت مثقال مر دارچینی مصطکی زعفران
از هریک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب صاف بسرشتند و اقراص سازند قرصی یکمثقال
و در سایه خشک کنند **قرص کوکب** معده ضعیف را قوت دهد و نگذارد که فضول بآن معده
نشود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع باشد و منع نزلات کند با زرد یا او بیاویزند
و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن کند و چون با آب مرزنکوش در گوش چکانند درد
بنشاند و نفث الدم و سیلان خون از هر موضعی که باشد باز دارد و سرفه کهنه را
سود دارد و تبهای دایره را نافع آید و چون با آب مرزنگوش دهند و چون با آب شراب
بیاشامند جمیع زهرها و گزیدن جانوران را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال دموی
و قروح امعاء و مثانه را نافع باشد **صفت** مر چینی بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست
بیخ لفاح از هریک چهار درم افیون زعفران قسط کواکب الارض و انزروت کندر
از هریک پنج درم انیسون دو درم بسباسه بزر البنج میعه سائله تخم کرفس از هریک
سه درم صمغ را در شراب ریحانی حل کنند و داروها کوفته بیخته با آن بسرشتند و اقراص
سازند و قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند **قرص طباشیر** سرفه و خشونت سینه و تبهای
محرقه را نافع باشد و طبع نرم کند و تشنگی بنشاند **صفت** طباشیر سفید چهار درم [illegible]

سه درم

سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر یک یک درم بلعاب
بزرقطونا سرشته و اقراص سازند **قرص طباشیر** تبهای صفراوی را نافع بود و تشنگی ببرد
و خون باز دارد و تشنگی بنشاند **صفت آن** گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی
از هر یک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از هر یک پنج درم کوفته بیخته بگلاب قرص سازند
قرص طباشیر لؤلؤی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال شبه کهربا تخم حماض بری طراثیث
صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش بریان کرده هفت درم کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند **قرص طباشیر کافوری**
تب دق و محرقه و سرفه گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند **صفت آن** طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم
خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یک مثقال کافور دانگی کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته
اقراص سازند **قرص کهربا** که خون رفتن از شکم باز دارد **صفت** کهربا مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک
پنج درم شاخ بز کوهی سوخته پوست بیضه سوخته صمغ عربی از هر یک درمی گشنیز خشک بریان از هر یک
شش درم خشخاش سفید و سیاه شش درم ودع سوخته بزر البنج از هر یک دو درم کوفته
بلعاب بزرقطونا اقراص زنند **قرص طباشیر** خونی رفتن از زیر موضع باز دارد **صفت** سلیخه گل ارمنی
صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا از هر یک سه درم کثیرا دو درم کوفته بیخته با آب
گلنار اقراص سازند **قرص زرشک** ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود **صفت** عصاره
زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه از هر یک سه درم گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم
تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی مصطکی سنبل الطیب عصاره غافث مویز منقی
معسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته بیخته با آب برنجاسف

اقراص سازند قرص زرشک صغیر زرشک مقشر پانزده درم تخم کاسنی تخم خرفه سوده تخم خیارین
از هر یک سه درم گلسرخ پنج درم ریوند چینی سنبل از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند قرص زرشک کبیر زرشک پنج درم لک مغسول ریوند چینی عصاره غافث
سنبل افسنتین مصطکی از هر یک یکدرم کوفته بیخته اقراص سازند قرص زرشک بارد زرشک
پنج درم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک دو درم و نیم
بکوبند اقراص سازند شربتی دو مثقال سکنجبین و آب کاسنی و آب عنب الثعلب
اقراص سازند قرص ریوند چینی ورم صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه را نافع باشد
صفت ریوند چینی شش درم عوده لک مغسول منقی از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون
عصاره غافث از هر یک یکدرم کوفته و بیخته باب خالص اقراص سازند قرص خشخاش
که رئس سینه و نفس را نافع باشد صفت گلسرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته
کثیرا رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید و سیاه از هر یک زعفران نیم درم
طباشیر پنج درم باب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال با ده درم شراب خشخاش قرص گل
درد معده تبهای بلغمی را سود دارد صفته ورق گلسرخ شش درم رب السوس چهار درم
سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته و بیخته بمسح سرشته اقراص
سازند قرص گل نسخه دیگر جمیع تبهارا نافع بود صفته گل سرخ ده درم سنبل دو درم
اصل السوس سه درم مصطکی چهار درم طباشیر سفید سه درم کوفته و بیخته بکوبند
اقراص سازند قرص گل دیگر گلسرخ چهار درم سنبل ریوند خطایی پنج مهک از هر یک دو درم

جالینوس

طباشیر سفید مصطکی از هریک یکدرم باب بادیان قرص سازند قرص گل به نسخه دیگر اوی از اول صفت
گلسرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین از هریک چهار درم مصطکی سنبل الطیب
اسارون عود خام اذخر از هریک یکدرم کوفته بیخته بگلاب اقراص سازند قرص گل بنوشند دیگر
[illegible] وتبهای مرکبه را نافع باشد و معده را قوت دهد صفت گلسرخ اصل السوس از هریک چهار درم
طباشیر سنبل الطیب افسنتین از هریک دو درم ترنجبین سه درم بگلاب قرص سازند قرص غافث یرقان
و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهن را نافع باشد و سده بگشاید صفت عصاره غافث
بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته بیخته باب [illegible] سرشته اقراص سازند قرص
کاکنج قروح گرده و مثانه و بول الدم را نافع بود صفت مغز تخم خیارین کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس
نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کندر از هریک ده درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم باب
[illegible] اقراص سازند شربتی یک درم تا یکمثقال قرص مقل ورم صلب و معده را نافع باشد
صفت گلسرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران از هریک یکدرم قسط مغز بادام تلخ از هر
یکدرم و نیم مقل در شراب حل کنند و داروهای دیگر کوفته بیخته بان بسرشند و اقراص سازند قرص
کافور یرقان و تب کهنه را سود دارد صفت زرشک منقی طباشیر گل سرخ از هریک
هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از هریک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو
[illegible] صندل سفید رب السوس از هریک دو درم کافور یک درم بلعاب
بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم بسکنجبین قرص کافور به نسخه دیگر تب دق
و عطش محرقه را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هریک

پنج درم تخم کاسنی رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو از هر یک
هفت درم ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا اقراص سازند **قرص سرم** استسقای
زقی را نافع باشد **صفت** سرم و بله از هر یک مساوی کوفته بیخته قرص سازند شربتی دانگی با سکنجبین
و مثرودیج می افزایند **قرص لک** استسقای لحمی را سود دارد و سده بگشاید **صفت** لک مغسول
ریوند خطائی یا چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند طویل جنطیانا سنبل مصطکی تخم کرفس
انیسون نانخواه اذخر ایهل قسط مغز بادام تلخ حوه افسنتین عصاره غافث از هر یک
دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم کوفته بیخته با عرق رازیانه قرص سازند شربتی یک مثقال
قرص افسنتین درد معده را که از پس طعام پیدا شود سود دارد **صفت** افسنتین تخم کرفس
انیسون از هر یک پنج درم سلیخه سه درم فلفل چینی هندی سنبل افیون از هر یک
نه درم کوفته بیخته با آب جلاب اقراص سازند **قرص افسنتین** به نسخه دیگر حمیات بلغمی و عسر البول
دیر و ... را نافع باشد و سده طحال و کبد بگشاید **صفت** افسنتین تخم کرفس
اسارون سنبل بادام مساوی کوفته بیخته با آب جالیوس بسرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص کبیر اوجاع طحال را نافع بود و سده بگشاید **صفت** پوست بیخ کبر آس از هر یک
چهار درم زراوند طویل دو درم تخم ... فلفل از هر یک شش درم اشق را بگیرند
در سرکه کهنه حل سازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند
قرص انیسون تب بلغمی و جگر ضعیف را نافع باشد **صفت** انیسون افسنتین مغز بادام
تلخ سنبل هر از هر یک چهار درم عصاره غافث سادج هندی اسارون از هر یک

دو درم

سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی یکدرم
با طبیخ افسنتین قرص حماض سپرز صلب را نرم صفته ایرسا چهار درم فلفل سفید اشق از
هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته بیخته بان سرشته کنند و اقراص
سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص کشوث سده سپرز و جگر بگشاید صفته تخم کشوث
تخم کاسنی تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته بیخته بسکنجبین سرشته کنند و اقراص سازند قرص مو
طحال را نافع بود صفته مو دوازده درم پوست بیخ کبر ایرسا زراوند طویل از هر یک
دو درم کوفته بیخته بسکنجبین سرشته کنند و اقراص سازند و در طبیخ افسنتین استعمال نمایند
قرص عود قی و هیضه باز دارد صفته عود چهار درم کبابه مصطکی قرنفل سنبل از هر یک دو درم
قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم قرص نعنع بو عبید بکر
معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و اشتهای آورد صفته قرنفل مصطکی از هر یک یکدرم
قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند قرص کندر قی و هیضه باز دارد صفته
کندر سه درم قرفه پنجدرم کباب چینی قاقله سک انیسون از هر یک دو درم مشک کافور از هر یک
دانگی قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی یک مثقال با ده درم شراب انار منعنع
قرص ریاحین قی و هیضه باز دارد و خواب آورد صفته قرنفل ده درم سک قرفه راسن از
هر یک دو درم مصطکی افیون پوست بیخ لفاح از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفته سماق حب الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته
بریان کعک بلوط از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار مازو از هر یک پنجدرم کوفته

و بنجنه اقراص سازند شربتی دو درم باب به یا آب سیب **قرص دیگر** که قی بلغمی و امراض سودا
و نیز را نافع باشد و معده را قوت دهد **صفته** پوست بیرون پسته گلسرخ از هر یک چهار درم
عود خام مصطکی از هر یک سه درم مشک نیم درم کوفته و بنجنه باب سیب قرص سازند شربتی
یک مثقال **قرص سیب** فی الدم را نافع باشد **صفته** رب سیب مغسول ده درم کندر اقاقیا گلنار
صمغ عربی از هر یک چهار درم کهربا گل مختوم از هر یک سه درم دارچینی یکدرم کوفته بنجنه
اقراص سازند شربتی یک مثقال بشراب انجبار **قرص سرب** که قریب المنفعت است بقرص سیب
صفته سرب اصفهانی شادنج عدسی مغسول دم الاخوین از هر یک سه درم گلنار مازو
از هر یک دو درم شاخ بزکوهی سوخته اقاقیا از هر یک یکدرم کندر زعفران از هر یک
نیم درم پر سیاوشان یکدرم و نیم کوفته بنجنه باب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم
قرص الطین قرحه و مثانه و بول الدم را نافع باشد **صفته** گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی
و فارسی تخم خربوزه مغز تخم خیارین مساوی کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند
قرص سنبل ورم صلابت جگر و معده را نافع باشد **صفته** سنبل فقاح اذخر سلیخه ریوند
چینی قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران انیسون مر قسط تلخ فلفل از هر یک
یکدرم مقل مصطکی از هر یک دو درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث حل کنند
و داروهای دیگر کوفته و بنجنه بان بسرشند و اقراص سازند شربتی دو درم جهت دردهای معده
با مثلث و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند **قرص کاکنج** ترکیب جالینوس است صلابت سپرز را
بگدازد **صفته** کاکنج چهار مثقال فلفل سفید سنبل انزروت اشق از هر یک دو مثقال

اشق را

اشق را در سرکهٔ عنصل حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بان سرشته و اقراص سازند شربتی یک مثقال

با سکنجبین **قرص کهربا** که بول الدم را نافع باشد **صفت** کهربا صمغ نشاسته کثیرا تخم کدو از هر یک

سه درم گلنار اقاقیا از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی

دو درم شیرهٔ تخم خرفه **قرص سیب** همان خاصیت دارد **صفت** شب یمانی شاخ گوزن سوخته کثیرا گل ارمنی

گلنار سرخ تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته باب خرفه اقراص سازند **قرص** بسد عقید **صفت** شب یمانی

دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کثیرا نشاسته درم صمغ عربی دو درم کوفته و بیخته باب خرفه سرشته

اقراص سازند و با شراب حب الاس دهند **قرص دیگر** جرب مثانه را نافع باشد **صفت** مغز تخم خربزه

ده درم مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید

گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بزرالبنج یکدرم کوفته اقراص سازند و بشراب بنفشه دهند **قرص بنفشه**

تب با سرفه نافع باشد **صفت** بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز خیار کثیرا گل سرخ از هر یک

پنجدرم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یک مثقال سنبل **قرص بنفشه**

بنفشه دیگر چون با تب سرفه و قبض طبیعت باشد نافع بود **صفت** بنفشه ده درم زرد سفید

پنجدرم رب السوس سه درم گل سرخ پنجدرم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم کشنیز

کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم بجلاب دهند **قرص غاریقون** سپرز غلیظ بگدازد

صفت غاریقون گلسرخ از هر یک پنجدرم طباشیر زرشک از هر یک دو درم عصاره

غافث سنبل لک مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر حب کرفس تخم کاسنی و حب کرده

از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین **قرص دیگر**

که ضعف معده وضیق النفس وسلسل البول را نافع باشد صفته کلسرخ سنبل از هر یک سه درم
صمغ عربی بارسنگ از هر یک دو درم مصطکی یکدرم کلنار طباشیر از هر یک یکمثقال و نیم کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی سه درم بآب قند قرص صحیح [?] دشواری وضع حمل را آسان گرداند و بچه مرده
و زنده را در ساعت بیرون آورد صفته مر جاوشیر [?] از هر یک یکدرم حلتیت سه درم مجموعه
یکشربت باشد بآب طبیخ [?] حلبه و تخم انیسون همین عمل کند قرص که قی الدم را نافع باشد
صفته اقاقیا تخم گل افیون بزربنج گل ارمنی کلنار صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته بآب خرفه قرص سازند
شربتی یکمثقال بآب به یا آب سیب قرص کهربا نسخه دیگر اسهال دموی و افراط خون بواسیر و حیض
را نافع باشد صفته خشخاش کهربا مصطکی از هر یک ده درم زعفران دو درم کوفته و بیخته بلعاب
بزرقطونا اقراص سازند قرص حماض معده را قوت دهد و قی واسهال باز دارد صفته کلسرخ طباشیر
انار دانه کثیرا عفص بریان از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته مصطکی از هر یک نیم مثقال سماق
سه مثقال زیره کرمانی بذر [?] یکمثقال کوفته و بیخته بلعاب اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرص لک نسخه دیگر صفته لک مغسول عصاره تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک یکدرم رازیانه
انیسون و دوا [?] از هر یک یکمثقال تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص مبارک تپ دق و سرفه [?] و تپهای حاده و یرقان را نافع بود و تشنگی بنشاند صفته
کلسرخ ترنجبین از هر یک پنج درم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم
و نیم تخم کدو دو درم رب السوس یکمثقال کافور دانگی و نیم اقراص سازند قرص الجبار الجبار
طمث و قی الدم را نافع بود صفته بیخ الجبار چهار درم کلسرخ صمغ عربی کهربا خرفه از هر یک

سه درم

سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی بسد طباشیر رب السوس از هر یک ده درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته
و بخته بآب بهی قرص سازند قرصی که استسقا را نافع بود صفته گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی
سلیخه فقاح اذخر دارچینی افسنتین از هر یک یکدرم کوفته بخته اقراص سازند قرصی دیگر که همین
خاصیت دارد صفته تخم بادیان بیخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون ساوی کوفته و بخته
قرص سازند قرص البیدی تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک
چهار درم فلفل غاریقون جند بیدستر از هر یک دو درم بآب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرصی که خناق امتلائی را نافع بود صفته قسط تلخ جبر سقوطری اذخر تمام پودنه کوهی نعناع خشک
سداب تخم کرکس کندر اسارون از هر یک یکدرم افیون دانگی و نیم گل سرخ نیم درم کوفته بخته
بمثلث سرشته اقراص سازند قرصی اخرجون شکم در رحم و نفث الدم را نافع بود صفته
گل مختوم گل ارمنی قرط طباشیر اسپغول بلوط اروکنار حب الاس از هر یک دو درم تخم حماض بری
صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک
یکدرم بازورد بیه کرمانی در سرکه خیسانیده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و بخته بلعاب
بذر قطونا اقراص سازند قرص سرطانی سل و دق و نفث الدم را نافع باشد صفته گل مختوم
گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا طباشیر از هر یک
نیم درم رب السوس سه درم کوفته و بخته بآب لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیار
ده درم تخم خرفه اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر سرطان محرق از هر یک دو درم
نشاسته کثیرا از هر یک یکدرم کوفته و بخته بلعاب بذر قطونا سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال

قرصی که اسهال و سعال و نفث الدم را نافع باشد صفته تخم حماض بریان کرده زرشک مثقل

بقیع نشاسته طباشیر حب الآس سیاه بلوط از هر یک پنج درم زعفران گل مختوم صمغ عربی از هر یک

ده درم کهربا بسد از هر یک سه درم کوفته بیخته باب حماض قرص سازند شربتی دو درم قرصی

که سحج قدیم را نافع بود صفته رب السوس صمغ عربی نشاسته مغز تخم کدو از هر یک دو مثقال

انزروت مربی ریوند چینی از هر یک یک مثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا و

بلعاب بهی سرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرصی که نسخه محمد ذکریاست معده و

دل و جگر را باز دارد و قوت دهد و غشی و خفقان باز دارد و جامع معده را نافع باشد

صفته مصطکی قرنفل عود دارچینی سنبل سک جوزبوا کبابه اصل السوس پوست ترنج قاقله

از هر یک یکمثقال مشک دانگی کوفته بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربتی یک

مثقال قرصی طباشیر نسخه باسترخره صفته حب الآس تخم حماض مقشر از هر یک دو درم صمغ عربی

نشاسته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم

قرص طباشیر دیگر نسخه دیگر صفته طباشیر رب السوس از هر یک ده درم تخم کاهو بسبست درم تخم خرفه بریان

ده درم گلسرخ کشنیز خشک از هر یک پنج درم اقاقیا صندل سفید گل ارمنی گلنار دو درم کافور

نیم درم کوفته بیخته بگلاب قرص سازند شربتی سه درم با آب بارتنگ قرص نفث الدم کندر

دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم و دو دانگ کهربا پنج درم ساذنج گل مختوم از هر یک ده درم

شب یمانی دو درم و نیم افیون زعفران دارچینی از هر یک دو درم مجموع را زاده قرص سازند هر شبی

یک عدد با آب خرفه قرص دیگر که دل و دماغ را قوت دهد یرقان و خفقان حاره را نافع

باشد

باشد صفت گل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم کدو
خیارین از هر یک پنجدرم تخم خرفه سه درم زعفران نیم درم کوفته بلعاب بذر قطونا اقراص
سازند شربتی یکمثقال با سکنجبین قرص کرب و صداع و سرسام را نافع بود و تشنگی بنشاند
و خواب آورد و تبهای را دفع کند صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم کاهو هر یک ده درم
رب السوس [illegible] کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته بیخته با آب کاهو یا لعاب بذر قطونا
[illegible] درم قرص سازند شربتی یکعدد یا دو عدد قرص [illegible] رب السوس ده درم بنفشه ده
درم [illegible] کثیرا تخم خطمی رازیانه از هر یک سه درم کوفته بیخته بلعاب بزرگ بذر قطونا و بهدانه
سرشته قرص سازند شربتی سه درم بشراب بنفشه قرص فواق مغص ریحی و فواق امتلائی
را نافع است صفت کندر پنجدرم راسن پودنه سداب نمام از هر یک سه درم سعتر نانخواه سعد از
هر یک یکدرم و نیم بگلاب قرص سازند شربتی یکمثقال با طبیخ زیره قرص راوند استسقای زقی
حار را نافع باشد صفت تخم کاسنی ده درم مازریون غاریقون عصاره غافث از هر یک
یکدرم و چهار دانگ گل سرخ مغز تخم کدو از هر یک دو درم و نیم کوفته بیخته مجموع را ده قرص
سازند و هر روز یک قرص بدهند قرص که استسقای حار و فساد جگر و سپرز را که
باسهال بود نافع باشد صفت طباشیر گل سرخ گلنار زرشک سماق گزمازج تخم حماض تخم کاسنی
صمغ تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد فقاح اذخر افسنتین سنبل راوند لک پوست
بیخ کبر افیون از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته بیخته قرص سازند شربتی سه درم
قرص افسنتین قوی بیخ را اسهال نماید صفت تربد افسنتین از هر یک ده درم سکنجبین بخرام

کوفته بیخته ده قرص سازند و هر روز یک قرص بمای الاصول بدهند **قرصی** که نافع سحج

را که با آن ریاح و قراقر باشد و حرارت نباشد **صفه** بزر البنج سپید رازیانه از هر یک پنجدرم

نانخواه دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال

قرص خرنوب اسهال دموی و غیر دموی را نافع بود **صفه** مازو خرنوب نبطی کلنار از هر یک

یک جزو افیون صمغ عربی از هر یک نیم جزو کوفته بیخته اقراص سازند شربتی دو درم برب به

قرص طباشیر اسهال با فراط حرارت را نافع باشد **صفه** طباشیر گلسرخ تخم کاهو تخم خرفه تخم کاشنی

سماق از هر یک یکدرم کلنار صندل افیون از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور

دانگی با آب خالص قرص سازند شربتی یکدرم **قرص حب الآس** اسهال با تب را نافع باشد

صفه حب الآس ده درم پرسیاوشان مغز تخم خربوزه از هر یک پنجدرم رب السوس

صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته بیخته اقراص سازند شربتی سه درم **قرصی** که بول

الدم را نافع باشد **صفه** مغز تخم خربوزه مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک کثیرا درم

و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم کوفته بیخته اقراص سازند شربتی دو درم بشراب

قرص مر که حیض براند و تسهیل ولادت کند **صفه** مر سه درم ترمس پنجدرم سداب

بوده نه درم مامامسکطرامشیع فوه حلتیت جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته بیخته

قرص سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل **قرص مفتح السدد** تب ربع دفع کند و ترهل را نافع

باشد **صفه** افیون غافث عصاره از هر یک چهار درم اسارون ساذج هندی

افسنتین تخم کرفس مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم جبر دو درم کوفته بیخته

بطبیخ

بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم باب کرم قرص منوم حار تخم بنج دو درم زعفران مر بزرالبنج
میعه از هر یک یکدانگ افیون یک طسوج کوفته بیخته قرصی سازند شربتی یک مثقال قرص منوم بارد
تخم کاهو خشخاش بقلة الحمقا تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یک طسوج کوفته بیخته بلعاب بزرقطونا
قرص سازند قرصی که نافع است از جهت افراط خون بواسیر صفته مرجان کهربا دودغ سوخته گل ارمنی
از هر یک دو درم بلیله سیاه هلیله املج از هر یک پنجدرم تخم گندنا سه درم مقل ده درم در آب گندنا
حل کنند و داروها کوفته بیخته باقی بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم باده درم آب
سکهران قرصی که قی و هیضه باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد صفته مسک قرنفل از هر یک ده درم کمانج
پوست انار مازو از هر یک پنجدرم افیون دانگی کوفته بیخته برب سرشته قرص سازند شربتی یکدرم
و نیم صفته زرچوب مغز بادام تلخ از هر یک یکجزو مقل را در سرکه خیسانند سه روز متوالی و زرد قرص سعد
چوب و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص سازند و در وقت
حاجت با آب کاسنی بسایند و طلا کنند قرص مقل صداع و شقیقه و سهر را نافع باشد و چون
بر پیشانی طلا کنند صفته افیون مصری مرمکی لاذن کافور زعفران بزرالبنج پوست بیخ لفاح
از هر یک پنجدرم کندر انزروت امله گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته بیخته بلعاب و آب
کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو تا از اعراض دیگر نگاه داشته باشد و در وقت حاجت استعمال
نماید قرص راوند الکلادینی حلیته دانافع بود و عفونت دفع کند صفته راوند سرخ راوند دار
اکنه زنده مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار از هر یک پنجدرم نبات یا اقاقیا گلنار
از هر یک سه درم کوفته بیخته در سرکه خیسانند و یک در آفتاب بگذارند بعد از آن قراصی

سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج دانگی مله و دهن نگاهدارد دوای دیگر بعد
از ان که بسیل حنده باشند استعمال نمایند صفة نوشادر مس سوخته از هر یک دو درم توتیا
دوازده درم کوفته بیخته بزرده تخم مرغ سرشته در پوست تخم کنند و در کلچک گیرند و در کوزه
نهند و در کوزه نهند و در کوره محاذی بگذارند تا پخته شود و بعد از ان حلایه کرده استعمال
نمایند قطور که نافع است لهبه چشته قرحه گوش و چرکی که از گوش آید صفة انزروت جبر
البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر مر زنگار خبث الحدید کوفته بیخته بسرکه در گوش چکانند
بعد از ان که چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند و فتیله را بالعسل تر سازند و بادویه مذکوره
بکردانند و در گوش نهند قطوری که درد گوش را از گرمی نباشد ساکن گرداند صفة
روغن گل یک درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکه ده درم با آتش نرم بر آید چند انکه
سرکه برود و روغن بماند نیم گرم در گوش چکانند قطور دیگر که طنین و کرانی گوش را ببرد
صفة کندر زعفران فرفیون جند بیدستر خربق سفید مر از هر یک سه درم نطرون بوره از
هر یک دو درم و نیم کوفته بیخته در شراب حل کنند و بچکانند قطوری که کرم گوش را که باشد
بکشد صفة آب برگ شفتالو آب برگ کدو و آب برگ ترب از هر یک پنج درم باهم
در کوزه بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود و بعد از ان بکبیند و در گوش چکانند قطوری
که درد گوش را که از سردی باشد نافع بود صفة افیون جند بیدستر از هر یک دو درم
کوفته بیخته در دو من سیج سرشته تا بقوام آید در روغن سوسن حل کنند و نیم گرم در گوش
چکانند قطوری که طرش را نافع بود صفة خربق سفید یک مثقال جند بیدستر نیم مثقال

نطرون

نطرون و انگژد و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند یا آب سیر که آبی است تازه بر گوش
چکانند یا هر یک با عسل جوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را نافع بود صفت
افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن روغن گل چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر
مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند قطور که همین خاصیت دارد صفت زهره گاو تازه ده
مثقال روغن جرد دو مثقال بجوشانند تا ماری زهره برود و همه روغن بماند قطره قطره در گوش
چکانند قطوری که درد گوش بار ورا نافع باشد صفت سیر مکوفته با زهره کوفته بجوشانند
و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که نافع است از بهر آب که در گوش رفته باشد صفت آب برگ
ترب تا سه بار بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که کری گوش را ببرد صفت شحم حنظل دو درم
بوره ارمنی یکدرم جندبیدستر زراوند قسط فرفیون افسنتین از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته
بزهره گاو سرشته و گلوله‌ها سازند و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ
بسایند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که شبکوری را ببرد صفت آب سداب آب گشنیز
مساوی بجوشانند تا نیمه آید و دست نوبت در چشم چکانند قطور که چون در احلیل چکانند
قرحه و سوزش بول را نافع باشد صفت سفید آب کندر انزروت صمغ عربی نشاسته
دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته گلوله‌ها سازند و در وقت احتیاج یکی از آن در شیر
دختران بسایند بچکانند قطوری که دوی و طنین و کری گوش را نافع باشد صفت
شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی نیم درم جندبیدستر زراوند مدحرج از هر یک یکدرم و نیم
عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته کنند

وکلو لها سازند و در وقت حاجت بر روغن بادام دو قطره در گوش چکانند نافع

باشد ان شاء الله تعالی **باب الکاف مسهل** استسقا بورق معده و تپیهای کهن

مسهل ...

و سرفه بلغمی و ضیق النفس قولنج و صرع و طحال و سلعه بلغمی و بهق و احتیاق رحم را

سود دارد و بول بگشاید **صفت** هلیله سیاه پوست هلیله املج مقشر از هر یک پنج درم

دار فلفل زنجبیل فلفل موسیر نمک هندی سرخ نمک اندرانی طبرزد نمک حرانی

العصافیر سطوخودوس هندی سعد خیربوا قرنفه قرنفل سعتر برنگ کابلی مقشر شونیز حب

النیل زیره کرمانی ورق درخ هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک پنج درم تربد

صد و پنجاه درم فلوس خیارشنبر ده درم مویز منقی نیم من شیر املج یک من

مویز املج را در شش من آب بریزند تا بجوشد و من آید و بپالایند و خیارشنبر در آن

حل کنند و سه من قند هم در آن آب بگذارند و نیم من روغن کنجد با آن بیامیزند

و بجوشانند تا بقوام آید داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند شربتی پنج درم

با شیر شتر با آب عنب الثعلب **مسهل نافع** استسقا حار را نافع باشد **صفت**

مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم عصاره افسنتین

سه درم بخبوسش گل سرخ تخم کاسنی تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم

ترنجبین فلوس خیارشنبر خرما مد سجری از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام

آورده داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند شربتی دو درم تا چهار درم

مسهل نافع صفت الاستسقای را که با او حرارت باشد **صفت** مازریون مدبر

غاریقون

غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنج درم ایرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث
سنبل الطیب افتیمون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربت سه درم با چهار درم
کمونی برودت معده و شهوت کلبی و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق بلغمی و امتلای و قی
و قولنج ریحی را نافع باشد و باد را دفع کند صفت زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده
درم زنجبیل سذاب از هر یک سه درم بوره ارمنی پنج درم عسل سه وزن ادویه معجون
سازند چنانچه رسم است شربتی یک مثقال کحل الجواهر حکه و [illegible] و [illegible] چشم و دمعه و سیلان
را نافع باشد صفت زعفران سنبل از هر یک دو درم نوشادر یک درم مازو سه درم
کوفته و بیخته بحریر و در چشم کشند کحلی دیگر که خاصیت همین دارد صفت ساذج مغسول
ده درم دم الاخوین ساذج هندی سنبل دار فلفل از هر یک نیم درم مازو یک درم
قاقله مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته بیخته بدان اکتحال نمایند کحل دمعه
توتیای مغسول ده درم اسرب هلیله زنجار از هر یک چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل
یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را قوت دهد و تیز کند صفت سرمه اصفهانی
هشت درم مارقشیشا پنج درم اقلیمیای طلا دو از ده درم مروارید ناسفته زعفران یک درم
ساذج هندی دو درم صلایه کرده در چشم کشند کحل الجواهر به نسخه دیگر صفت سرمه
شش درم توتیای چهار درم اسرب مارقشیشا از هر یک دو درم مروارید ناسفته [illegible] درم
ساذج هندی یک درم مشک یک طسوج صلایه کرده چنانکه رسم است استعمال نمایند
کحل الجواهر به نوع دیگر صفت سرمه اصفهانی توتیای هندی از هر یک ده درم مرقشیشا مرجان

سرخ و ماهی فرنگ عقیق سرخ طلا و نقره مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیای
طلا اقلیمیای نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان بحری مروارید ناسفته ساذج
هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران بول ماهی سوخته از هر یک
ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنایی نافع است از جهة ضعف بصر و شبکوری
صفة مس سوخته شادنج مغسول از هر یک پنج درم فلفل دار فلفل شحم حنظل زعفران از
هر یک پنج درم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک یک درم اقلیمیا دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز گرداند و تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را
نافع باشد صفة سرمه اصفهانی سوخته پنج درم اقلیمیای طلا و نقره شادنج عدسی مغسول
توتیای هندی مس سوخته از هر یک ده درم پوست هلیله زرد ساذج هندی فلفل دار فلفل
نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران سرطان بحری از هر یک یک درم زنجبیل نیم درم
کافور نیم دانگ مشک سه حبه قرنفل دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند کحل بازو
بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه [illegible] را سود دارد صفة شادنج عدسی ساذج هندی
از هر یک ده درم دار فلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته بازو از هر یک
نیم درم قاقله مشک از هر یک دانگی کافور یک طسوج کوفته و بیخته بجز الکحل نمایند کحل
که بیاض و آثار قروح از چشم ببرد و سبل را نافع باشد صفة زبد البحر اقلیمیای نقره
سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم
صمغ عربی کثیرا انزروت حجر الصلت سنگ سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته بیخته استعمال

نماید

نمایند کحلی که نزول آب را نافع باشد صفت زهرهٔ بز کوهی ده درم کوفته و بیخته بآب رازیانه
یا آب سداب بسرشند کحلی که مزه برویاند صفت استخوان خرما سوخته پنج درم و دخان کندر
چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن کشند
کحل مقوی تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفت آن ساذج مغسول دو درم
دم الاخوین دانگی روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم ساذج هندی دو
دانگ قاقله مسک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته بیخته بحریر استعمال نمایند کحلی
که صحت نگاه دارد صفت توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض
مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته بیخته باب غوره یا آب سماق بسرشند و در سایه
خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند للحکمت کحل زرد ماک چهار من بکوبند و ببرند
و یک من کاغذ و نیم من نمک در آب کنند و بدست بمالند تا حل شود و بعد از این کحل بر سر
آن کنند و تک چهار تک موی سر آدمی بمقراض چیده یکچهار یک سرگین اسپ بیخته
داخل کنند و نیک بمالند و هفت روز تا به تر میکنند و می سرشند انگاه فصله فصله
میکنند و خشک گردانند و در وقت حاجت انقدار که خواهند بکوبند و تاب بسرشند و
استعمال نمایند باب اللام لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه
را نرم کند و نفث را آسان گرداند و طبع را نرم کند صفت سپستان دویست عدد
مویز منقی چهل درم ملوس خیار شنبر پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدو
رطل آید و بدست بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه کرده بقوام آورند

لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند
صفت زوفا خشک بیخ سوسن از هر یک بیست درم در سه رطل آب جوش نشانند تا
برطلی آید صاف کنند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق کحب الاسد سرفه بلغمی را نافع
بود و سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت تخم تره ترب ده درم اصل السوس
چهار درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم مجموعه را بکوفته در دو رطل آب بجوشانند
تا به رطلی آید صاف کنند و با یک رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق برگ کرنب ربو و سعال
مزمن را نافع باشد و سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند و بر نفث اعانت دهد
صفت برگ کرنب بریان کرده شش درم [illegible] ده درم کوفته بیخته بعسل بسرشند و لعوق
سازند لعوق طباشیر سعال و قرحه ریه و سرفه حار را نافع بود صفت نشاسته کتیرا از
هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار و مغز چلغوزه صمغ عربی فانیذ از هر یک
هفت درم قند سفید شصت مثقال کوفته بیخته بروغن بادام و عسل بسرشند و استعمال
نمایند لعوق خلبه بحوحه و غلظ صوت را نافع کند و سینه را نرم کند و نفث را آسان
گرداند صفت برگ ده درم خلبه مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم کتیرا
اصل السوس مغز چلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل
بسرشند لعوق سازند لعوق بادام سرفه و خشونت حلق و صدره را سود دارد
صفت صمغ عربی کتیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو و مغز بادام
از هر یک پنج درم قند سفید بیست درم کوفته بیخته بسرشند و بروغن بادام قند

بچرب سازند

چرب سازند و لعوق کنند لعوق رب السوس سعال مزمن را نافع باشد و فضول لزجه از سینه دفع گرداند و بر
نفث یاری دهد صفت آن رب السوس کثیرا بازرد مغز بادام را زیانه مساوی کوفته بیخته بعسل
بسرشند و روغن بادام و لعوق سازند لعوق عنصل ربو و سعال مزمن را که با بلغم بود و
نافع باشد صفت آن پیاز عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون زوفا از هر یک یک درم
کوفته بعسل مصفی بسرشند و لعوق سازند لعوقی که سرفه خشک را نافع بود و سینه را نرم کند
صفت رب السوس بهدانه مقشر از هر یک دو درم آرد باقلا نشاسته کثیرا صمغ عربی تخم خطمی
مغز تخم خیارزین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم خشخاش دو درم مغز بادام مویز منقی
از هر یک بیست درم مویز را بروغن بادام بپزند و ادویه دیگر را کوفته و بیخته با آن بیامیزند و
با سطح بسرشند و لعوق سازند لعوق حب الشعیر نسخه یحیی بن ماسویه ورم حلق و تب و تشنگی
و خشونت زبان را نافع بود صفت عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم جو پوست
و پنج درم هفت اصل السوس کوفته از هر یک پانزده درم کثیرا شانزده درم بزرقطونا بیست درم
مجموعه را در هفت رطل آب بجوشانند تا ثلثی آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارزین در آن
حل کنند و دیگر باره صاف کنند و یک رطل فانید و سی درم فانید داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ
شود و بروغن بنفشه یا بادام بکشند لعوق خشخاش سنبل و قرحه امعا و نفث الدم و ورم ریه
و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت پوست خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند
تا رطلی آید و یک رطل عسل اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن رب السوس
و مغز بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته بیخته با آن ممزوج سازند شربتی ده درم بکنند

معجون خشخاش به نسخهٔ دیگر نزلهٔ گرم رقیق را ساکن گرداند صفت تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته
کتیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز بهیدانه شیرین از هر یک سه درم کوفته بیخته بگلاب
سرشته معجون سازند معجون حب الصنوبر سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت مغز بادام شیرین
ده درم مغز پسته دانه ده درم ادویه باقلا پنج درم کرسنه و حب الصنوبر از هر یک سه درم عناب
شصت درم عناب را در آب بپزند و بقوام آرند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن
بسرشند شربتی بلعقه بامداد و شبانگاه معجون دیگر سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت
آب کرنب پخته یکمن و نیم با نیم من عسل بپزند و بقوام آورند بعد از آن مغز چلغوزه و مغز پسته
دانه وارد با قلا از هر یک ده درم مویز بزرگ بریان کرده حلبه از هر یک پنج درم مویز پیپا پانزده
درم کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج درم بشیر خر نافع باشد معجون دیگر سرفهٔ بلغمی را سود
دارد و باده را نفخ دهد و سینه پاک کند صفت سیر پاک کرده نیم من در نیم من روغن
بادام یا گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و نمک کم کنند و با یکمن عسل صاف بقوام آورند
معجون چلغوزه ربو و سعال و مزمن و ضیق النفس را سود دارد و سینه از اخلاط پاک کند
صفت مغز چلغوزه بخشخاش و صمغ عربی کتیرا مویز بزرگ بریان کرده خرمای بهیدانه از هر یک
سه درم [illegible] پنج درم کوفته با دو رطل عسل و دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی بلعقه
معجون [illegible] چون [illegible] در حلق اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع بود صفت
صمغ عربی کتیرا رب السوس عناب از هر یک چهار درم مغز بهیدانه یکدرم کوفته و بعسل
بسرشند معجون [illegible] که ربو و ضیق النفس را و سرفهٔ بلغمی را نافع باشد صفت مویز بزرگ بریان

کرده

کرده کوفته ده درم با یک مثقال روغن بنفشه بادام و چند درم عسل سرشته و لعوق سازند لعوقی دیگر همین
خاصیت صفت بزرگ کرسنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز چلغوزه پنج درم نخود سیاه هفت درم صمغ عربی
کثیرا از هر یک سه درم بعسل صاف سرشته لعوق سازند لعوقی دیگر که همین حکم دارد صفت مغز چلغوزه
چهل درم مغز بادام چهل درم و پنج درم رب السوس بست و پنج درم عسل سرشته بلند لطوخی که شقیقه را نافع بود
صفت بزر تخم کاهو از هر یک یک درم بزر البنج کثیرا از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته بیخته
بسرکه سرشته و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه چسبانند درد ساکن کند لطوخی که همین عمل کند
صفت زعفران افیون دم الاخوین صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین
چسبانند لطوخی بهمین خاصیت صفت تخم کاسنی تخم کاهو از هر یک دو درم مر یک درم حضض یک درم
افیون نیم درم کوفته بیخته بلعاب بزر قطونا سرشته بر کاغذ کشند و بر صدغین چسبانند لخلخه که
خواب آورد صفت تخم گل بنفشه تفاح از هر یک یک درم افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته و بیخته در ظرفی
کنند و بویند لخلخه دیگر که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد صفت صندل سفید سعد بیده و کشنیز
خشک گلاب و سرکه در ظرفی کنند و بویند سفوف کبیر گرده را قوی کند و گرم گرداند و منی زیاده کند و
نشاط آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ را نیکو سازد و اعضا
را محکم سازد و درد را ... بگذارد صفت مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز تخم الخیار اگر ...
مغز چلغوزه مغز حب الزلم ماهی روبیان خولنجان شقاقل بهمن بودری سرخ و زرد زنجبیل
کنجد مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل الطیب قرنفل کباب چینی حب الفلفل تخم کندر
تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم انجره تخم هلیون لسان العصافیر عاقرقرحا زرنباد ...

از هر یک سه درم جوزبوا کبابه بسباسه بروالة دارفلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب نارجیل تازه
مغز پسته خشخاش از هر یک ده درم قضیب گاو سوده سورنجان بوزیدان النعناع خشک از
هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال
ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک نیم مثقال عسل
سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند منفعت منی زیاده کند و کلیه و مثانه را
قوی گرداند و نسیان را نافع بود و رنگ روی نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد صفت آن مغز بادام
مغز گردکان مغز حب الخضرا مغز جلغوزه مغز حب القلم مغز فندق مغز پسته مغز نارجیل تازه حب
القلقل خشخاش سفید بود رین کنجد مقشر مغز تخم خیار چرخ بیاز تخم شلغم تخم اسپست بهمن زرد و سرخ
زنجبیل دارفلفل کبابه قرنفه دارچینی شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن
ادویه معجون سازند چنانچه رسم است شربتی دو درم باب المیم سوید هوشی قریب المنفعت
هست شریان فاروق مثل تریاق فاروق در دفع سموم از من النفع است و مقدار شربت
وی در امراض مذکوره زیاده از آنست صفت آن مر زعفران غاریقون زنجبیل دارچینی
کشنیز از هر یک ده درم سنبل کندر خردل سفید عود بلسان اسطوخودوس سنبل الطیب
خشت کمافیطوس مسته علک الانباط دارفلفل عصاره لحیة التیس جند بیدستر ساذج
هندی میعه جاوشیر از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید و سیاه سورنجان جعده
اسقوردیون و دوقو اکلیل الملک جنطیانا روغن بلسان حب بلسان اقراص قرفیون
مقل از هر یک هفت درم سداب دو درم اشق سنبل رومی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون

قردمانا

قرص ماراز بانه افیون کلسج مشکطرامشیع از هر یک پنج درم انیسون وج موسکلیخ اسارون
از هر یک سه درم جوز اقماقیا ساف سقنقور سوخار نیفون از هر یک چهار درم و نیم شراب
ریحانی کهنه چندانکه صمغها درآن حل شود عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود معجون
سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند **معجون اکبر** صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه
و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و ربو بلغمی و قروح
امعا و مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و نفث الدم را باز دارد و چون با آب بادیان
الحلو خورند هضم معده ویرا نافع باشد و دفع سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ
تمام آورد **صفته** سلیخه اذخر مر از هر یک یک وقیه و نیم جند بیدستر فطر اسالیون از هر یک
پانزده مثقال تخم کرفس و ورد و فوه سیسالیوس یک مثقال قسط دارچینی اقراص اذخر
ممامیثا سلیخه اسارون از هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل
هفت مثقال حماما زعفران دارفلفل از هر یک چهار مثقال افیون افتیمون از هر یک ده
مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
از یک درم تا یک مثقال **معجون [illegible]** و اورا معده الحیوانات نیز خوانند و هاضمه را قوت
دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و نسیان و سلسل البول و درد پشت و درد گرده
و اوجاع مفاصل را نافع باشد و منی زیاده کند و باه را برانگیزاند و دندانها سخت کند
و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش کند و پیران را
موافق باشد **صفته** زنجبیل دارفلفل دارچینی اهله بلیله سنبل الطیب هندی بزر البنج

حبة القلب مغز چلغوزه عروق بابونه نارجیل تازه از هر یک ده درم تخم بابونه پنج درم

بهمن سرخ بهمن سفید شش درم عسل مصفی وزن ادویه معجون سازند شربتی دو درم معجون جالینوس

گرده و مثانه سرد را گرم کند و سده بگشاید صفت آن فلفل سیاه و سفید حماما حنطه

سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا

تخم انجره تخم سداب مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال در ماء الاصول

یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم و این معجون را فریادرس نیز گویند و درد

مفاصل تسکین دهد صفت افیون بزرالبنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل

عاقرقرحا سورنجان فاقد دار فلفل از هر یک پنج مثقال کوفته بیخته بعسل سرشته شربتی

از دانگی تا نیم مثقال معجون مهلله قوت بنج ضعف را در زمان بگشاید صفت خیربوا

قرنفل ساذج هندی فلفل دار فلفل زنجبیل برگ کابلی مقشر املج مقشر قرنفل از

هر یک یک مثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال شکر سفید از هر یک

ده مثقال کوفته بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون ... که همیشه حکیم

دارد صفت آن ... بلادر چهار درم ... پنج درم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم

کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک درم تا چهار مثقال معجون ... قوت بنج

بگشاید بلغم و باد دفع کند و ... را ساکن گرداند صفت سقمونیا ده درم

... کبابه ... صغار زنجبیل دارچینی ... قرنفل فرفیون فلفل سکر

... از هر یک صد مثقال عسل بقدر احتیاج شربتی دو درم معجون ...

صفرا و بلغم دفع کنند

صفرا و بلغم دفع کند صفت مغز کافشه مغز بادام سقمونیا از هریک ده درم زعفران یکدرم نبات

بیست و پنجدرم نبات را در گلاب بگدازند و داروهای کوفته بیخته بسرشند شربتی یکمثقال

معجون [illegible] زحیر و اسهال کهنه را سود دارد صفت افیون جند بیدستر میعه بزر البنج زعفران اسارون

هر تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی [illegible] کوفته بیخته با سه چندان عسل معجون سازند

شربتی یکدرم با آب مورد یا آب [illegible] معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفت

مغز سه تخم مغز تخم کدو حب کاکنج از هریک پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم جلاب کرده بعسل

بسرشند شربتی دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ گرده و مثانه را بریزاند و گزندگی

عقرب را [illegible] نافع باشد صفت عقرب محرق سه درم و نیم جنطیانا یکدرم و نیم زنجبیل

یکدرم فلفل دار فلفل از هریک دو درم کاکنج پنجدرم و نیم جند بیدستر چهار درم کوفته بیخته با عسل

معجون سازند شربتی دانگی با آب کرفس معجون کاکنج قرحهٔ گرده و مثانه و بول الدم را مفید بود

صفت بزر البنج تخم کرفس رازیانه از هریک هفتدرم مغز تخم خربزه تخم خشخاش افیون مغز حب صنوبر

بریان مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از هریک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج

بیست و پنجدرم کثیرا چهار درم کوفته بعسل بسرشند شربتی یکدرم با جند بیدستر یا جلاب العسل

شراب خشخاش بنوشند معجون مداوا المزاج لقوه و فالج و رعشه [illegible] و جذام را

نافع [illegible] صفت زنجبیل عاقرقرحا مغز [illegible] عسل بلادر از هریک ده درم سداب

حلتیت ریوند مدحرج جنطیانا سیطرج حب النار جند بیدستر خردل از هریک پنجدرم

با عسل صاف معجون سازند شربتی یکمثقال معجون حب الصبا نسخه محمد زکریا با قوت [illegible]

واستسقاء طحلی و جمیع امراض بلغمی و ریحی را که با آن حرارت نباشد نافع بود صفت آن
سداب خشک پنج درم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز سعتر کرویا فطراسالیون مغز
بادام تلخ فلفل پودنه دارفلفل وج زوفا حب النار جندبیدستر از هر یک دو درم جاوشیر
سه درم سکبینج چهار درم صمغها از شراب حل سازند و داروهای کوفته داخل
نمایند و بعسل سرشته سرشند شربتی دو مثقال معجون روح اوبد و از این معجون زهوبر گویند
از تراکیب محمد زکریاست ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت زراوند مدحرج
قردمانا فلفل کرسنه تخم سپندان سفید مغز بادام تلخ تخم انجره از هر یک پنج درم اصل السوس
پرسیاوشان زوفا از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشته سرشند شربتی سه درم بلغم
زوفا سواد بارده را دفع کند و بادها را تسکین کند صفت ابهل نانخواه وج دارچینی ساذج
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی دو درم صفت معجون لبوب نافعست که سرفه از سبب
آن رطوبت باشد صفت مغز چلغوزه سه درم مغز پسته پنج درم مغز بادام مقشر بزرک از هر یک
ده درم فانید سی درم بطریق معهود معجون سازند شربتی مقابل کردکان معجون دیگر
که ورم جگر را نافع باشد صفت گل سرخ چهار درم بجبسوش هفت درم ریوند چینی لک مغسول
از هر یک یک مثقال و نیم زعفران سلیخه از هر یک سه درم مر نیم مثقال زعفران را
در سرکه حل کنند و داروها کوفته و بیخته بعد از آن سرشته و بعسل معجون سازند معجون راحت
قولنج بگشاید در ساعت صفت فلفل دارفلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب فودنجان
قرفه از هر یک ده درم سقمونیا چهار درم عسل صد و چهل درم شربتی یک مثقال معجون
روح

دج ابتدای نزول را نافع بود صفت وج حلتیت زنجبیل را زیانه مساوی بعسل معجون سازند معجون لولوی
ترکیب جالینوس است هفت منفعت دارد و قضیب را سخت کند و ادویه منی بیفزاید و شهوت زیاده کند
و اعصاب را قوت دهد و در خون تغیر عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دو سه برد و درد ازن پیدا آ
کند صفت مروارید ناسفته به از هریک یک مثقال انیسون بهمن سفید از هریک سه درم کاکنج بیخ
لبلاب از هریک یک درم فقاح اذخر زرماذج سلیخه دارچینی اسارون مصطکی از هریک نیم مثقال
صمغ عربی کتیرا نیم درم کوفته و بیخته با چندان عسل سرشتند و در وقت خواب یک مثقال
با آب نیکو با هم بنوشند معجون دیگر که اعضای رئیسه را قوت دهد و باه را زیاده کند و نشاط آورد و معده
را قوی گرداند و اشتها آورد و رنگ را نیکو گرداند و طعام را هضم کند صفت آن دارچینی سنبل الطیب
پوست بیرون پسته جوز بوا خولنجان معاث بهمن سرخ و سفید شقاقل دوانه پوست هلیله و
بادرنجبویه هلیله کاوزبان از هریک سه درم مصطکی و سنبل زرنب زنجبیل قرنفل اسارون
سادج هندی کباب چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد صندل سفید حب الفلفل انیسون
نعناع بسباسه هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماهی روبیان کهربا مروارید مرجان صلایه نموده از
هریک دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هریک چهار درم ماهی روبیان خصیة الثعلب تودری
از هریک پنج درم مشک نیم مثقال عنبر اشهب یک مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره بجای عدد و
قند و عسل مصفا همه را معجون سازند چنانچه رسم است معجون عطلی دفع حول و سرعت انزال را
نافع بود صفت علک رومی کندر حب بلوط براده القصب وی کوفته و بیخته با دو مقدار عسل سرشتند
شربتی یک مثقال معجون کندری که همان حکم دارد صفت کلنار بلوط شونیز کندر کشنیز خشک از هریک

یکدرم زیره کرمانی کروبا نانخواه از هریک نیم درم پوست هلیله هلیله سیاه پوست هلیله زرد

امله سعتر از هریک سه درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند شربتی دو مثقال

صادف غذا کباب معجون ستبری همان خاصیت دارد صفته کباب چینی موصل قرنفل سنبل خصیة

الثعلب مصطکی نانخواه از هریک ده درم با نیم من عسل معجون سازند شربتی دو درم معجون بزور

در تقویت باه بی نظیرست تخم کندنا تخم شلغم تخم پیاز تخم ترب تخم هلیون تخم اسپست تخم جرجیر

مغز چلغوزه حب الفلفل حب الزلم بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل

بهمنین دارفلفل حرف حلتیت قرفه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم با ده

درم شیر تازه یا شراب نوشیرین معجون نافع این معجون در مفرحات ست و بعضی گفته‌اند که از

یرقان است و منافع او بسیارست صفته قرنفل موصل زنجبیل سنبل دارفلفل جوز بوا فاقله کبار

ساذج هندی لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی لسان الثور خولنجان [illegible] مروارید

نا سفته صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گلسرخ یاقوت رمانی بهمنین از هریک دو درم بسباسه شش درم

پوست ترنج سه درم پوست هلیله یکدرم عنبر اشهب زعفران از هریک یکدرم و نیم مشک نیم درم کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی یکدرم با دو مثقال معجون سلیمانی مباهی مزاج را و در معده راسود دارد

صفته قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هریک دوازده درم زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس

تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی وج فوفطراسالیون کاشم اسارون افسنتین انجدان فودنه

نعناع از هریک چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون نسیانی حافظه را قوت دهد و نسیان را

نافع بود صفته بلادر افیمون از هریک ده درم صبر شصت مثقال غاریقون بسفایج چهار مثقال سلیخه

نج

وج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک شش مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از
هر یک هفت مثقال عسل سه چهار دانگ معجون سازند معجون [illegible] قولنج بگشاید صفته زنجبیل فلفل
سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرمای دانه بیرون کرده مغز بادام مقشر سداب از هر یک
شصت درم خرما را در سرکه خیسانند یک شبانه روز بکوبند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با
عسل صاف معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم معجون [illegible] صلابت سپرز و درد جگر و معده
دگرده مثانه را نافع است و سده بگشاید صفته حبطیا ناردین فلفل سیاه از هر یک ده درم
قسط سازج هندی سنبل ریوند چینی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند
شربتی ده درم با آب سداب معجون [illegible] درد معده و جگر را که از سردی باشد زایل کند
و استسقا را نافع باشد صفته انیسون تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی کوفته بیخته
با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون معده را قوت دهد و جگر را نافع بود
سنبل الطیب فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم مویز [illegible] سلیخه از هر یک هفت درم
زعفران مر انیسون از هر یک یک درم فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل و شونیز را
در سرکه یا مثلث حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بدان بسرشند و با عسل معجون سازند
معجون [illegible] سرفه و درد جگر و درد معده و سینه را سود دارد و او را صافی کند و بول براند صفته
مویز منقی بیست و پنج درم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یک درم قصب الذریره
فقاح اذخر [illegible] البطم مقل از هر یک دو درم و نیم مر چهار درم اکثر حل کرده در مثلث
حل کنند و آنچه که کوفتنی است بکوبند و بیزند و مجموعه را در عسل مصفی بسرشند شربت یک درم

بشراب زوفا یا آب گرم بنوشند معجون جاد الملک نقرس و مفاصل و درد سر و بیماریها کهن
و سرفه کهنه و سل و درد روده و تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن
خبطانا رومی اسطوخودوس قردمانا جاوشیر کمافیطوس تخم سداب فراسیون اسقور
دلفون مقو ساله از هر یک پنج مثقال تخم زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل فرفیون کبریت
بیخ تفاح انیسون اشق بوزیدان رازیانه دوقو ورق گل سرخ مازریون حب بلسان از هر یک
سه مثقال قرنفل سنبل مثقال سلیخه ده مثقال عصاره غافث تخم چغندر رومی مغز بادام
از هر یک چهار درم انیسون بزر البنج سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار مثقال ... حل
کرده و بعسل حل کنند و آنچه کوبیدنی است بکوبند و با این ممزوج سازند و بعسل معجون سازند
بعد از شش ماه استعمال نمایند معجون مفرح خفقان بارد و صرع و درد معده که از سردی باشد
و فواق امتلائی را نافع بود و سده بگشاید صفت جند بیدستر رب السوس سلیخه قسط تخم
فلفل سیاه افیون میعه زعفران سنبل از هر یک سه درم جاوشیر یک درم دارچینی عاقرقرحا بسباسه
مروارید ناسفته از هر یک نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل کف گرفته سرشند شربتی مثقالی
یک نخود معجون دیگر که از جهت ضعف معده نافع است صفت طباشیر پوست سلیخه ... خروس
از هر یک دو مثقال گل سرخ سه درم نعناع خشک ... پسته پوست ترنج پوست
هلیله زرد از هر یک مثقال بهمن سرخ و سفید صندل ... گرده حب الآس
از هر یک دو درم کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند شربتی دو مثقال معجون نجاح
مسهل سودا و بلغم بود و امراض سوداوی را و ... را نافع باشد صفت هلیله سیاه پوست بلیله

پوست هلیله کابلی

پوست هلیله کابلی امله مقشر افتیمون از هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخدوس تربد سفید از هر یک
پنج مثقال غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم سقمونیا سه درم کوفته و بیخته
با صد و پنجاه درم عسل کف گرفته سرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون خیارشنبر مسهل صفرا و بلغم باشد
صفت تربد سفید چهل درم بنفشه بیست و پنج درم بلیله هندی رب السوس از هر یک هفده درم رازیانه انیسون
مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم مغز خیارشنبر صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل
از هر یک صد مثقال مغز خیارشنبر را در عسل و قند حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کرده بر یکدیگر سرشند شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال معجون خبث الحدید مسهل بلغم و صفرا باشد
و مخصوص بقولنج صفراوی و بلغمی و عرق النسا است صفت سورنجان شش مثقال ماهی زهره زیره کرمانی
پوست بیخ کبر شیطرج هندی بوزیدان از هر یک دو درم پوست هلیله زرد هفت درم تخم کرفس تخم
هندبی برگ خیار بادرنج فلفل سفید رازیانه سعتر از هر یک یک مثقال گل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک
از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم و نیم عسل صاف یکصد و پنجاه درم
شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون [illegible] درد جگر و ضعف معده را نافع باشد و سده بگشاید
دو درم صلابه را تحلیل دهد صفت مشک سلیخه سادج هندی لک مغسول مصطکی ریوند چینی [illegible]
از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل از هر یک نیم
مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند معجون [illegible] معده را پاک کند و اشتهای طعام آورد
و باه را قوت دهد صفت زوفا نانخواه سعتر نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال وج
بسباسه رازیانه زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال جاوشیر ده مثقال کوفته و بیخته با [illegible].

عسل لبریز شند معجون مسیح درد پشت و درد پای را نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را پاک
گرداند و سودا او را سهل کند و سودا را دفع کند و سرعت انزال را سود دارد صفتش گل سرخ
سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران دارچینی جوز بوا اجزاء مساوی قند و عسل مصفّی
بقدر احتیاج قند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
معجون [illegible] اشتها را آورد و بوی دهان خوش کند و حفظ بفزاید و منی زیاده کند صفتش زعفران عاقرقرحا
بزر البنج فرفیون جوز بوا [illegible] قاقله کبار و صغار دارفلفل جند بیدستر اجزاء مساوی کوفته بیخته با چندان
عسل بسرشند معجون [illegible] لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و [illegible] و برص را نافع باشد
و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت بفزاید و رنگ را سرخ گرداند و حرارت
غریزی را برافروزد بغایت نافع بود صفتش سیر پاک کرده نیم من در یکمن شیر گاو بپزند تا مهرا شود پیرانرا
و [illegible] چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سر آتش ریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش
فرو گیرند و این داروها کوفته بیخته با آن بسرشند صفتش قرنفل جوز بوا بسباسه قرنفل مصطکی بلیله
کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود خام زعفران از هر یک پنج درم شربتش مثقالی گردکان
معجون [illegible] معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی را باز دارد و دوار بلغمی سوداوی را نافع آید صفتش
هلیله سیاه بلیله امله هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی
دو درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون چهار درم کوفته بیخته بسکنجبین بسرشند شربتش سه درم با آب
گرم معجون [illegible] اوجاع کند و معده را نافع باشد صفتش دارچینی سلیخه قسط از هر یک سه درم اسارون
ریوند چینی تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون لسان [illegible] درم زعفران هشت درم فقاح اذخر

از بلر

مر از هر یک بیست وچهار درم مر را در شراب حل کنند ادویه دیگر کوفته بیخته با آن ممزوج سازند
و بعسل صاف معجون سازند معجون [illegible] فالج ولقوه واسترخا و امراض بلغمی را نافع باشد
و چون مرار و مقلی [illegible] طلا کنند نافع آید صفت افیون فرفیون جند بیدستر دار چینی
فلفل بزر البنج سنبل زنجبیل زعفران همه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون
که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت پوست بلیله زرد [illegible] زنجانی عاقرقرحا از هر یک یکدرم
فلفل سفید یکدرم ونیم زیره کرمانی هشتدرم راسن چهار درم زنجبیل دو درم افیون هم وزن کل
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون [illegible] قولنج را نافع باشد صفت سکبینج تخم کرفس
جند بیدستر [illegible] سقمونیا [illegible] سقمونیا را در روغن بادام بسایند و سکبینج را در
عسل حل کرده بیامیزند وداروهای کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی سه مثقال معجون [illegible]
عسر البول را نافع باشد صفت [illegible] ریوند چینی اذخر انیسون سنبل [illegible] دار چینی
اسارون فطراسالیون کمافیطوس از هر یک سه درم [illegible] سه درم نعناع
خشک [illegible] درم کوفته بعسل بسرشند معجون ریوند درد جگر و معده را و درد [illegible] رحم را نافع
بود صفت ریوند چینی [illegible] بیخ [illegible] تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه
مساوی بعسل بسرشند و بعضی عوض [illegible] را [illegible] کنند شربتی یکمثقال با ماء العسل
معجون فیقرا [illegible] صداع را نافع بود صفت ایارج فیقرا
دوازده درم پوست بلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک ده درم ملح نفطی دو درم ونیم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ بود در معجون بادها کنند

و طعام را هضم کند صفته پودنه برگ سداب فلفل زنجبیل نانخواه کرویا کاشم دارچینی دار فلفل مساوی
بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون مقل بادی بواسیر و اورام مقعد را نافع باشد و باد را تحلیل کند
و چون زمانی از مقعد باز دارد صفته هلیله کابلی پوست بلیله آمله تخم سپندان سفید تخم گندنا تخم ریحان
از هر یک پنج درم مقل پانزده درم مقل را در آب گندنا حل کنند و داروهای کوفته و بیخته با آن بسرشند
شربتی دو درم معجون کولوانی مانع سلس بول [البول] را و سیلان منی را باز دارد خاصه پیران را
صفته اقاقیا گلنار را از هر یک سه درم صمغ عربی عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
طباشیر از هر یک دو درم حب الآس دو مثقال کندر یک درم کوفته و بیخته با رب بسرشند شربتی یک درم
غذا نان بریان و زیره خشک معجون … سحر را نافع باشد صفته افیون جندبیدستر میعه سایله بزر البنج
زعفران مر اسارون تخم کرفس سلیخه افیون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار مساوی کوفته بیخته
با سه چندان عسل معجون سازند شربتی نیم درم با رب به یا رب سرد یا رب سماق صفته معجون کرم
امراض صفراوی را نافع باشد و صفرا دفع کند صفته بنفشه و مغز بادام شیرین از هر یک ده درم کاسنی
سه درم مغز خیارین مغز تخم کدو تخم خیار سلیخه از هر یک پنج درم کثیرا یک درم اصل السوس دو درم کوفته
بقند و گلاب معجون سازند شربتی دو درم بگلاب گرم کرده معجون سراط لسان مالیخولیا و صرع
و فالج و برص و اوجاع مفاصل و درد معده را و البحه و داء الثعلب و داء الفیل تقطیر البول
و سرفه کهنه و تپ ربع و تپهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان سددی و طحال را نافع
باشد و دفع غایله سموم کند و دل را قوت دهد و باه زیاده کند و حب القرع را دفع نماید و
سنگ گرده و مثانه بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن خوش کند و عرق خوش آورد و دور
ابان

زبان را ببرد و صداي را زايل كند و جميع امراض بلغمي و سوداوي را سود دارد و پيرانرا بغايت نافع باشد

صفته حنطيانا مرو ماميثا و بسبايه تخم فرنجمشك حب الغار زراوند طويل از هر يك يك مثقال انيسون مصطكي از هر يك چند چند سنبل حب الفلفل تكو دليان سليخه اسارون از هر يك يكدرم حروح درونج عقربي زراوند

تخم كرفس تخم مرو تخم بادروج از هر يك دو درم جندبيدستر اسقوطري ده درم ترمد سفيد بيست درم عود خام دار فلفل

درم جوز بوا بوزيدان فرنفل قاقله اسعد بسباسه سنبل زعفران اسقيل بريان زرنب سليخه اقليميا دارچيني

از هر يك سه درم ورق گل سرخ بادرنجبويه بلك مقل از هر يك پنجدرم بسفايج از هر يك چهار درم

هليله سياه كابلي زنجبيل بليله آمله از هر يك شش درم كوفته و بيخته بروغن بادام تلخ چرب كنند و باسه چندان عسل

بسرشند و در ظرف انگبين كنند و نشانده و در ميان جو نگاه دارند شربتي از دو درم تا پنجدرم معجون مقوي

و اين تركيب عظيم المنافع حب بركي عجيب و خواص بسيار دارد و در فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسيان و عرق النسا

و مفاصل بلغمي و جميع امراض بارده را نافع بود و حفظ معده را قوت دهد و باه را بخير و سرعت انزال

نكند و سلس بول را دفع كند و پيرانرا موافق باشد صفته زعفران بنفش و دارفلفل سعد قرنفل

بابونه ليمون صلابه كرده كبابه چيني مصطكي انيسون اسقنقور سنبل كهربا فرنفل دارچيني صندل زرنب

كرمانه سياه دانه تخم جرجير تخم كاسني خشخاش عاقرقرحا بهمنين هليله سياه كهربا مرجان مرواريد ناسفته

لسان العصافير تخم كرفس تخم سه تخم بالوره زيره كرفته بريان كرده ضبط بابانه بشتر اعرابي زنجبيل

مغز كنجشك مغز سر خر گوش كنجد مقشر كندر رومي بابونه جوز بوا امله قاقله كبابه چيني هليله سليطرج

ناخواه جوز هندي و ليمون سليخه سعد بهمن از هر يك دو مثقال اسقنقور مغز چلغوزه بهار كردگان حب البلسان

هندي خصيه الثعلب زرنباد رازيانه بلادر زهر گرفته كچله زهر گرفته بريان كرده افتيمون زراوند طويل

بسباسه عنصل زراوند مدحرج شاهتره از هر یک پنج مثقال افیون مصری چهار مثقال عنبر خالص مشک از هر یک
یک پنج مثقال ورق طلا و نقره از هر یک ده عدد قند سفید ربع ادویه عسل مقابل ادویه فولاد مکلس
صد مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند طریق
تکلیس فولاد آنست که فولاد جوهردار خالی از خاک بگیرند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد
پنجاه مثقال گوگرد زرد پاک صلایه کرده با آن ضم سازند و در بوته ریزند و کوزه بنهند و آتش بر آن
کنند و چنانکه گوگرد تمام بسوزد و دود گوگرد برآید بعد از آن بیرون آورند و خوب صلایه کرده و باز پنجاه
مثقال دیگر گوگرد با و صلایه کنند و بهمان طریق در بوته ریزند و در کوزه نهند و آتش دهند تا تمام بسوزد
پس از بوته بیرون آورند و باب صبر و سرکه که یک هفته صلایه کنند تا مانند سرمه شود بعد از آن سرکه
بشویند تا تلخی آن دور برود و پس باب بشویند بعد از آن خشک کنند و باب ترب صلایه کنند چند آنکه
چون در آب ریزند بر روی تمام بر روی جای آب بایستد مجرب است معجون نافع است از جهت
بواسیر ... و سوء طعام ... کند صفته ماهی دانه فوتنج اذخر از هر یک یک درم اسپند سفید فلفل
کبابه ... از هر یک پنج درم ... زنجبیل دارچینی ... از هر یک دانگی
مصطکی عود خام از هر یک دو دانگ قرنفل مشک از هر یک دانگی ... موید ...
و قدری آب اضافه کنند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود دیگر ادویه را کوفته
و بیخته بدان سرشته و هر روز مقابل ... تناول نمایند معجون ... فالج و لقوه و وجع
و تشنج و عرق النسا و مفاصل جمیع امراض بارده را مفید بود صفته قرنفل مشک دارچینی
سنبل الطیب ذهب الذریره ... یکدرم گاوزبان سورنجان بابونه از هر یک درم

فلفل

فلفل مصطکی زنجبیل عود قماری اسطوخودوس فلفل دراز فلفل از هر دو درم هیل یکدرم چوب چینی هفت
درم و زعفران دو درم ده درم و عسل سفید سه وزن علی الرسم معجون سازند شربتی چهار درم یا شش درم
معجون خبث الحدید سرعت انزال را و ضعف معده و بواسیر را نافع بود صفته پوست هلیله کابلی و هلیله زرد و املج
بلیله گلسرخ از هر یک ده درم اصل السوس جوز بوا مسک سنبل اذخر مصطکی از هر یک هفت درم مشک یکدرم
خبث الحدید مدبر صد درم کوفته بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم معجون نانخواه مقوی معده دفع
بلغم و جشا کند و آب از دهن باز دارد و سده‌ها و کرم معده و ... دفع کند و معده
گرم را قوی گرداند و ریگ مثانه بر دارد و اشتها زیاده کند و شهوت افزاید مقوی جگر بود و بقراط میگوید
اگر سالی از بین ترکیب سه درم بخورد و در یک هفته هر روزی که از شهوت طلبند باید معجون راس
صفته نانخواه زنجبیل از هر یک ده درم زعفران یکدرم بیخ کرفس پنج درم مصطکی و عود خام
از هر یک ده درم عاقرقرحا سنبل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با سه چندان عسل کف گرفته معجون سازند
شربتی سه درم معجون مصطکی ورم صلابت معده جگر را نافع بود صفته ... زنجبیل راس السرطان از
از هر یک یکجزو تخم کرفس رازیانه افسنتین نانخواه از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی
مقابل یک فندق معجون ... اسهال کهنه و ... را نافع بود و گاهی که با او حرارت باشد صفته ...
اسارون افیون میعه سایله بزر البنج کنند مساوی بعسل سرشته شربتی ده درم یا سه درم
معجون ... مرع را نافع باشد صفته پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی پوست بلیله املج اسطوخودوس
از هر یک ده درم عود صلیب پنج درم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه را کوفته و بیخته با مویز
معجون سازند شربتی پنج درم معجون ... همین خاصیت دارد صفته ... عاقرقرحا

اسطوخودوس از هر یک دو درم غاریقون یک درم فرد ماحلب زرد و بندحرج از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی معجون سازند شربتی یک مثقال معجون نسیان نسیان را نافع
باشد صفته کندر وج سعد از هر یک ده درم و فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی یک مثقال معجونی که منع مستی کند صفته شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ کرنب نبطی
کوهی ملح نفطی سداب ماکول مساوی کوفته بیخته بعسل معجون کنند معجونی که سلس البول
باز دارد صفته کلنار ده درم کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد کرویا از هر یک پنج درم
کوفته بیخته بعسل معجون سازند معجونی که بهی قاطع دارد ست ه بلوط پنج درم کلنار دو درم دار فلفل
خصیة الثعلب از هر یک یک درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی یک درم معجونی نسخه دیگر در
معده و جگر و سپرز را نافع باشد و بادها تحلیل کند و دفع کند صفته سلیخه حماما سنبل بالنگو
بادیان تخم کرفس انیسون سیب الیوسن جند بیدستر تخم کرنب زراوند طویل مصطکی اسارون
کرویا مساوی کوفته بیخته بعسل معجون سازند معجونی که بادهای زنان البته را دفع کند
و حیض را محافظت نماید صفته زرنباد درونج عقرقرحا از هر یک دو درم مروارید ناسفته
کهربا از هر یک یک درم جندبیدستر یک مثقال وج و سنبل از هر یک یک درم کوفته بیخته بعسل
بسرشند شربتی یک مثقال معجونی دیگر که همین منفعت دارد صفته زرنباد جندبیدستر حلتیت
مازو طباشیر از هر یک یک درم زنجبیل ده درم قند سفید ده درم مشک نیم مثقال کوفته بیخته
بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون مغاص سورنجان ده درم سنای مکی پنج درم
زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هر یک یک درم کوفته بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال

بابرام

باب گرم معجون مفرح مالیخولیا و توحش را نافع باشد و دل را قوت دهد و نشاط آورد
صفت آن ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک یک درم بسباسه پوست ترنج قرفه تخم فرنجمشک از
هر یک سه درم مشک نیم دانگ کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند معجون معتدل دل را قوت دهد
و خفقان را نافع آید و رنگ روی نیکو گرداند و تشنگی بنشاند صفت بردارند [illegible]
گاوزبان عود خام از هر یک دو درم تخم کاسنی کشنیز خشک از هر یک پنج درم صندل ابیض طباشیر از
هر یکی بیست درم افتیمون گل سرخ از هر یک شش درم ساذج هندی زرنباد تخم فرنجمشک تخم
بادرنجبویه خطمی آس بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران عنبر درونج از هر یک دو درم
کافور یک درم مشک یک درم کوفته بیخته بشراب سیب معجون سازند معجون حار خفقان و ضعف
دل را قوت دهد که از سردی باشد صفت گاوزبان بادرنجبویه بهمنین تخم فرنجمشک از
هر یک بیست درم ابریشم مقرض بریان کرده بیست درم عود قماری ده درم [illegible] مروارید ناسفته
از هر یک یک مثقال زعفران یک درم بسد سوخته کهربا سوخته [illegible] زرنب کشنیز خشک [illegible]
از هر یک دو درم کبابه چینی زرنباد از هر یک سه درم گل سرخ شقاقل مصری از هر یک یک درم
عسل بلیله چهار رنگ یاقوت و مرجان محلول از هر یک یک درم درونج عقرب یک درم [illegible] مویز
منقی همین قند عسل بلیله و قند منقی را با یکدیگر بجوشانند و بقوام آورند و داروهای کوفته
و بیخته بر آن بسرشند شربتی یک مثقال معجون بارد خفقان حار را نافع آید و دل را قوت دهد
صفت گل سرخ طباشیر بهمنین گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید از هر یک یک درم مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم ورد منقی شش درم

مروارید ناسفته کهربا زعفران کافور از هر یک نیم درم نبات مصری چند درم نبات را در عرق بید
مشک یکبار بندد تا پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشند مفرح
مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر بهمن سفید گاوزبان کهربا کاکلی ارمنی از هر یک دو درم مشک
چنانچه نیم درم قند سفید سی درم معجون سازند چنانچه رسم است مفرح مانع خفقان و ضعف
صفت دلرا زایل کند و زغا تمام آرد مفرح بهمن سرخ و سفید نیم درم پوست هلیله کابلی پوست بیرون
پسته پوست ترنج ابریشم خام مقرض مروارید ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره
بادرنجبویه از هر یک دو درم کشنیز خشک طباشیر از هر یک سه درم کهربا بسد درونج رومی
از هر یک یک درم عود خام یک مثقال آب انار آب ترنج از هر یک ده درم قند سفید
و شربت بنفشه از هر یک صد مثقال این همه را با قند و شراب بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته بان سرشند مفرح بهمن سفید و سرخ و خولنجان از هر یک نیم درم زنجبیل آب
مثقالی بایه شتر اعرابی پنج مثقال عود دری سفید شقاقل از هر یک پنج مثقال خشک
مربی ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام ده مثقال زعفران سه درهم گاوزبان پنج
مثقال لسباب سه درم عنبر اشهب یکدرم صندق الجمال صد مثقال بطریق معهود
صفت معجون سازند مفرح خفقان و ضعف دلرا که از سردی پیدا شود دارد
پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه مغز تخم خیارین از هر یک نیم درم بهمن سفید و سرخ از هر یک
دو درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام و حب الآس سفید کنجد مقشر از هر یک سه درم زعفران
دو درم دارچینی یکدرم و نیم تخم کرفس یکدرم مشک نیم مثقال روغن بادام نیم مثقال

نبات

نبات مصری ترنجبین سفید از هر یکی نبات و ترنجبین را در گلاب حل کنند و بقوام آورند و داروهای
دیگر کوفته بیخته با آن سرشته مفرح خفقان سودا و یرا نافع بود صفته ساذج هندی مالخواه انیسون
تخم کرفس تخم فرنجمشک از هر یکی سه درم مروارید ناسفته نیم درم از هر یکی پنج درم عصاره افسنتین سنبل الطیب
زعفران و مسک از هر یکی درم بادرنجبویه ده درم پوست ترنج دو درم گاوزبان هفت درم کوفته بیخته
با آب افتیمون جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربای هلیله معده را قوت دهد و فضله را قوی
کرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع بود و باه را قوی کرداند و نسیان را زایل سازد و حوالی
نگاه دارد صفته آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان آب بر سر ریزند تا بپوشاند و
خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن کنند و چهار نوبت آب خاکستر را نو کنند در هر سه روز یکبار پس بشویند
چنانچه پوست از آن جدا بود و در دیگ اندازند و آب صاف در روی ریزند و بکمی جو مقشر نکوفته اضافه
آن نماید و جوش دهند تا جو پخته شود پس بیرون آورند و دیگر باره بدان دستور بشویند و هر هلیله را دو
سوزن سر بند و در ظرفی کنند چندان عسل بر سر آن ریزند که از آن بپوشاند و بیست روز بگذارند و بعد
از آن از میان عسل بیرون آورند و آن عسل را نگاه دارند و دیگر عسل بار بر سر آن کنند ده روز بعد از آن
با عسل اول و دویم بجوشانند تا بقوام آید این داروها کوفته در آن حل کنند و بهتر باشد قرفه زنجبیل
قاقله جوزبوا مصطکی عود هر یکی پنج مثقال مسک نیم درم زعفران یک مثقال در ظرف چینی کنند و بعد از
چهل روز استعمال کنند مربای شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ بسیار آورد و مثانه را سود دارد
شقاقل تازه را در آب جوشانیده تا آن آب بریزند و یکشبانه روز دیگر در آب خیسانند بعد از آن
مقشر کنند و جوشانند و بقوام باز آید در ظرفی کنند و بعد از چهل روز استعمال نمایند مربای مالنگ

معده را قوت دهد و فرح آورد صفت پوست ترنج را در دیگ اندازند و بجوشانند با آب تا نیم پخته

شود و برون آورند و معصارند با عسل صاف بر سر آن ریزند و با آتش نرم جوشانند تا بقوام آید

و اگر خواهند بقند هم چنین اما مربای تمر هندی در بوده و ست اشال انبها کنند مربای جوز بویا را قوت دهد

و سینه نرم کند و پشت را محکم گرداند صفت کند بزرگ را از پوست جدا کنند و پاره پاره سازند

میان آن بیدارند و در آب عسل جوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون کنند و در عسل اندازند و اندک

جوشی بدهند و صرفی کنند و بعد از چهل روز استعمال کنند مربای زنجبیل گرده و مثانه و باده بادر

را نافع بود و تحول براند و تپهای بلغمی را سود دارد و باه زیاده کند صفت زنجبیل را در جوب

تر را در در رنگ کند و ریشه کنند و بشویند و ست روز در آب کرد آن بیبرند بعد از آن

بیرون آورند و با آب عسل جوشانند تا بقوام آید مربای کدو معده را قوت دهد و باه را زیاده

کند صفت بستانند کدو کان تازه که هنوز صلب نشده باشد و پوست از و جدا کنند و با آب عسل جوشانند

تا بقوام آید مربای ... تب و بلغمی و فالج و صرع را نافع بود صفت ... را بستانند و روز در

آب بجوشانند بعد از آن بیرون آورند و در آب عسل جوشانند تا بقوام آید مربای خیار سبز دفع کند

و تشنگی بنشانند صفت بستانند پوست ... و سبزی او تراشند و سه روز در آب و اندک جوشانند

روز چهارم در آب و نمک ... یک شبانه روز بگذارند پس بیرون آورند و یک شبانه روز در آب

شیرین اندازند و بنهند تا آب او زود برود و دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند تا بقوام آید

مربای کدو سینه و شش و مثانه را نافع بود صفت کدوی تازه بتراشند و مغز جدا کنند و پاره پاره

کنند و در آب عسل جوشانند تا بقوام آید مربای تمر هندی صفرا زایل کند و تپ را دفع کند و مزاج

مزاج

مزاج را موافق بود **صفت** تمر هندی را از چوب و دانه پاک سازند و در گلاب خیسانند و یک ساعت بعد از ان
قند دالقوام آورند و بر ان بریزند و چون یک جوش بخورد فرو گیرند **مربای به** معده و دل را نافع بود
سست را از پوست پاک کنند و دانه بیرون آورند و در آب جوش دهند با هم نخیسه شود با قند بقوام آورند
مربای دیگر با بیش مربای سیب اما سیب را در شربت مربا کنند به رابستن **مربای زنجبیل** معده را قوت دهد و دقی
و غثیان باز دارد و هیضه و فواق و درد جگر را نافع بود **صفت** آب به برگشن چهار من شراب ریحانی
هشت من عسل مصفی دو من مجموعه را در دیگ ریزند زنجبیل مصطکی قاقله کبابه صغار دارچینی کباب
قرنفل از هر یک هفت درم زعفران سه درم همه را کوفته کنند سوای زعفران در کیسه کنند و در ان اندازند
و بجوشانند و بیان کیسه را بالانند [illegible] را بس [illegible] زعفران [illegible] ساید و اضافه نمایند و بقوام آورند **مربای عسل**
معده را قوت دهد و اشتها آورد و بول براند و مفاصل را از بلغمی را نافع بود **صفت** یکی و آب دو جزو عسل
جوشانند تا یک بمی آید و دو ثلث نماید و اگر تقویت خواهد دارچینی جوزبوا زنجبیل مصطکی و زعفران [illegible]
سبابه کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه کنند **مربای [illegible]** [illegible] و جرب و کلف [illegible]
را نافع بود و صفرا را بنشاند و افیون [illegible] سود ابد **صفت** [illegible] که چند [illegible]
او گذاشته باشند چند روز [illegible] و یا از [illegible] باشد
تازه دهند و بعد از آن رطل دو سیر تازه او بستانند و ده یک سکنجبین کنند و با تشن نرم بجوشانند
و چون [illegible] بنهند یک رطل سکنجبین صادق الحموضت بر ان ریزند بچوب انجیر [illegible] کنند
بجوشانند تا به بند و پس از آتش فرو گیرند و در کاسه اندازند و بیاویزند تا آب ازو بچکد
آب را بگیرند و دیگر باره بجوشانند و کف بر دارند و با سکنجبین [illegible] بنشنند و هر روز یک رطل سه دفع چنانچه

میان هر دو دفع یک ساعت یکند رود که بعد از نوشیدن چند کام برود ماء الاصول حار نقرس و اوجاع مفاصل بلغمی
و سوداوی را سود دارد صفته پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از
هر یک ده درم رازیانه تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک
بست درم در سه رطل آب جوشانند تا به نیمه آید صاف کند و هر روز سی درم با ده درم گل عسل بنوشند
ماء الاصول بارد اوجاع مفاصل حار را نافع بود صفته عناب سپستان از هر یک سی عدد پوست بیخ کاسنی
پوست بیخ رازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در سه رطل آب جوشانند تا به نیمه آید صاف
کنند و هر روز سی درم با ده درم گل قند بنوشند ماء الاصل لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی
و سوداوی را نافع بود و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید و استسقا و اوجاع
مفاصل را سود دارد صفته پوست بیخ کرفس و پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم پوست بیخ کبر پنج درم تخم
کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار درم حب البان اسارون از هر یک دو درم سنبل حنظل از
هر یک دو نیم درم عود بلسان بوزیدان بزر اسفند از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در دو من
آب بپزند تا یک من آید پالایند بیاشامند شیر ... مثقال یا دو مثقال روغن بید انجیر و پنج درم روغن بادام تلخ
دیگر منفعت آن بود که سنگ گرده و مثانه و سده جگر و سپرز بگشاید و اوجاع مفاصل را سود
دارد ماء الاصول دیگر سده جگر و سپرز بگشاید و برودت معده و جگر و سپرز و استسقاء بلغمی را نافع بود
صفته پوست بیخ کرفس و پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم اذخر و فقاح اذخر از هر یک سه درم سنبل
مصطکی از هر یک یک درم و نیم ... منقی عود بلسان از هر یک دو درم غافث افسنتین ...
بادآورد پوست بیخ کبر از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند

تا به نیمه آید

تا به نیمه آید صاف کنند و هر روز چهل درم با یک درم روغن بادام تلخ و یک درم روغن بادام شیرین بنوشند مطبوخ
اسطوخودوس اسطوخودوس پنج درم خشخاش از هر سه درم بادرنجبویه سه درم شاهتره سه درم نیلوفر
سه درم گلسرخ چهار درم ترنجبین پانزده درم ماء البزور بادها را کشنده کند و اخلاط غلیظ را نضج
نماید و قولنج و استسقای طبلی را نافع بود صفته بابونه کاشم زیره کرمانی کرویا سعتر شونیز از هر یک
کفی در سه رطل آب بجوشانند تا که رطلی آید صاف کنند و هر روز وقت حمام بیست درم از آن آب با یک
درم روغن بیدانجیر بنوشند مطبوخ هلیله اسهال صفرا کند صفته پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی
سیاه بیست دانه سپستان بیست دانه شاهتره و سنای مکی از هر یک پنج درم گلسرخ چهار درم عناب
ده عدد بادیان تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس مقشر نیلوفر از
هر یک سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هر یک
ده مثقال ترنجبین مغز خیارشنبر روغن بادام چرب کرده از هر یک پانزده مثقال در آن حل کرده بنوشند
مطبوخ فواکه حمیات حاره را نافع بود صفته سنای مکی هفت درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک
سه درم عناب سپستان آلوی بخارا از هر یک بیست عدد گلسرخ چهار درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید صاف کنند و تمر هندی و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست درم در آن حل نمایند
و بنوشند مطبوخ افسنتین تب کهنه گرم و ضعف را نافع بود صفته افسنتین پنج درم گلسرخ شش درم تمر هندی
بیست درم ترنجبین بیست و سه درم گل افسنتین را بجوشانند و صاف کنند و تمر هندی را در آن
حل سازند و یک درم ایارج فیقرا حب سازند و فرو برند و عقب آن این مطبوخ بنوشند مطبوخ افتیمون
صفرا سوخته و بلغم سودا را نفع کند و امراض سوداوی را نافع بود صفته سنای مکی هفت درم گلسرخ

چهار درم افتیمون در تنزیب بسته و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک یکدرم بسفایج فستقی
اصل السوس رازیانه از هر یک دو درم اسطوخودوس پرسیاوشان گاوزبان شاهتره
بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک سی دانه در سه رطل آب
جوشانیده تا به نیمه آید صاف نموده گلقند آفتابی ده درم مغز خیارشنبر روغن بادام چرب
کرده و ترنجبین از هر یک نه ده درم در آن حل کنند و بنوشند مطبوخ سورنجان وجع مفاصل را
نافع بود صفته سنا مکی هفت درم گلسرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان رازیانه
تخم کرفس پوست بیخ رازیانه انیسون قنطوریون و مثل از هر یک ده درم پرسیاوشان
گاوزبان بادرنجبویه از هر یک سه درم جوشانیده و صاف کرده گلقند آفتابی ده مثقال
و ترنجبین بیست مثقال در آن حل ساخته بنوشند مطبوخ شاهتره شاهتره پنجدرم بنفشه سه درم
گاوزبان بادرنجبویه تخم کاسنی از هر یک سه درم عناب پنجدرم هلیله سیاه سه درم سنای مکی
سه درم ترنجبین ده مثقال شیرخشت ده مثقال آلو دوازده مرهم دیاخیلون بواسیر و شقاق مقعد
را نافع بود صفته ساذج هندی سوال کل ارمنی عصاره لحیه التیس از هر یک سه درم افیون نیم مثقال
و چهار حبه سفیداب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام یا روغن گل بادام از هر یک
ده درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته بدان ممزوج سازند
و با ده درم شیر دختران در هاون بمالند تا مرهم شود مرهم کافوری ترقیدن لب و مقعد و سوزش
و باسور و سوختگی آتش را نفع کند صفته مردار سنگ سفیداب ارزیر موم سفید از هر یک
پنجدرم روغن گل بیست و پنجدرم موم را در روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته اضافه نمایند و در

هاون

هاون سایند تا هموار گردد و بگذارند تا که خشک شود و یک سفیده تخم مرغ و قدری کافور داخل کرده مرهم سازند

مرهم [illegible] اورام صلبه و سل خنازیر و سلعه و سرطان را نافع بود و جراحت از گوشت زنده در هم پاک کند

و ناصور را با صلاح آورد مرهم حواری سبز زنگار بار زرد مرار از هر یک دو درم اسفیداج چند درم کندر و زراوند طویل از هر یک

سه درم مقل مرداسنگ از هر یک چهار درم موم و راتینج از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را در سرکه

حل کنند و موم را در روغن بگذارند آنچه که کوفتنی است بکوبند و بیزند و جمله جمع کنند و در یکدیگر بجا آرند تا مرهم شود

مرهم [illegible] گوشت نو برویاند و جراحتها را خوش کند صفته مرداسنگ [illegible] درم صلایه کنند و باده

درم موم [illegible] و عنقل [illegible] درم حل کنند و با قدری سرکه برهم سازند مرهم زنگار گوشت زاید را بخورد و ریشهای

کهنه را خشک کند صفته زنگار صلایه کرده دو درم و با موم و علک البطم و راتینج از هر یک پنج درم در

سی درم روغن زیت گداخته در هاون کنند و با یکدیگر برهم آرند و [illegible] گرفته و نیک بجا آرند تا مرهم

شود مرهم داخلیون اورام صلبه را نرم کند و پخته گرداند صفته مرداسنگ ده درم صلایه کرده با یک

[illegible] روغن زیت در پاتیله کنند و بجوشانند تا [illegible] شود [illegible] بر پزند و بگذارند تا سرد شود

پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب بزرقطونا و لعاب خطمی و لعاب بزرکتان [illegible] از هر یک [illegible] درم

بیکدیگر کنند و بر سر آن بریزند و با آتش نرم بجوشانند و کفچه زنند تا غلیظ شود و بهر بند برکفد مرهم سرخ

سرطان و خنازیر را نافع بود و ورمها را پخته گرداند صفته مرداسنگ پنج درم کوفته با زرد [illegible] موم از هر یک

ده درم علک البطم سرخ از هر یک [illegible] درم آنچه گداختنی است در روغن بگدازند آنچه کوفتنی است بکوبند

و با هم جمع سازند و در هاون بجا آرند تا مرهم شود مرهم [illegible] گوشت مرده بخورد و ریشها را اصلاح

اصلاح آورد صفته مرداسنگ پنج [illegible] روی سوخته [illegible] علک البطم پنج درم روغن [illegible]

نیم من موم بیست درم کداخته همه را در روغن زیتون بگذارند و مرداسنگ را صلایه کرده بر وی افشانند
و بجنبانند تا مرهم شود مرهم توتیا جراحت قضیب را سود دارد صفته آن توتیا بیست درم صلایه کرده هشت درم
موم و پنجاه درم روغن گل کداخته مرهم سازند مرهم زنگار جراحت گوشت فاسد را نافع بود صفته سرکه هفت درم
عسل هشت درم در دیگ دیگر بجوشانند و بقوام آورند و دو درم زنگار سوده بر آن افشانند و
مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته در گوشت نهند مرهم دیگر سوختگی آتش را نافع بود صفته
مرداسنگ چهار درم صفته سفیداب قمولیا از هر یک سه درم روغن گل سرخ موم سفیداب سفیده تخم مرغ
با یکدیگر مرهم سازند چنانکه رسم است مرهم دیگر گوشت برویاند و جراحت خشک گرداند و جراحت
بنشانند صفته سفیداب ارزیر موم سفید از هر یک دو درم روغن ده درم با زرده تخم مرغ مرهم سازند
مرهم دیگر سرطانی و خنازیر و اورام صلبه را نافع بود صفته مرداسنگ پنج درم بارزد و اشق موم سفید
از هر یک ده درم علک البطم شش درم سنگ هشت درم روغن زیتون با کلک سرخ پنجاه درم بدستور
مرهم سازند مرهم دیگر نافع بود زنگار و سریشم و مرداسنگ و زاج از هر یک یک درم
برگ مورد و عصاره لسان الحمل از هر یک ده درم با موم سفید و روغن گل مرهم سازند چنانکه
مرهم دیگر کرده بنشانند و جراحت را با صلاح آورند صفته پوست درخت انار اقاقیا از هر یک دو درم سفید
یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان سوخته یک درم و موم سفید چهار درم در روغن گل ده مثقال
بطریق متعارف مرهم سازند مرهم اسل چرک از این جراحات و دمامیل پاک کند صفته عسل چون بجوشد
تا غلیظ شود و بر آن آرد گوشت کوفته تا بند ممزوج سازند مرهم دیگر که جراحت آتش را نافع بود صفته
سفیداب توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم مرداسنگ دو درم زنگار سفیدرم و موم پنج درم

داروغن

در روغن زیت بیست درم مرهم سازند **مرهم باسلیقون** مرداسنگ توتیا عناب تخم کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند

مرهم سوخته آتش را نافع بود **صفت** موم سفید یک درم مقل دو درم روغن مغز زردآلو ده درم موم و مقل را

در روغن گداخته مرهم سازند **مرهم دیگر** که همین خاصیت دارد و بیک ازان اقوی و انفع است **صفت** مقل کوتانج

سپیدی تخم مرغ سوخته و استخوان زرداو و پیه ساق گاو و روغن گل همه یکدیگر ممزوج سازند و مرهم نمایند

مرهم دیگر پیه ساق گاو و پیه مرغ و کوهان شتر و روغن گل بالسویه در یکدیگر جوش دهند و قدری افیون

با آن ضم کنند و در هاون نیک صلایه کنند و مرهم سازند و استعمال نمایند **مرهم** که از جهت بواسیر نفع

عظیم کند **صفت** پیه بط پیه ماکیان پیه بز از هر یک پنج درم پیه ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زردآلو تلخ

و روغن گل از هر یک ده درم موم سفید دو مثقال مقل ازرق بیست درم آب کنند تا بقدر

احتیاج موم سفید پنج درم مقل را در آب گرم کنند تا اندازه نرم تا حل شود و روغنها را با موم و پیه بگدازند

و با مقل محلول در هاون بیکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند **باب اول نوع هلیله**

صفرا و صداع حار را نافع بود **صفت** بوست هلیله زرد ... ده درم در آب خیسانیده و صاف

صاف کرده بیاشامند **نوع دیگر** صفرا و رفع سازد و تشنگی نشاند **صفت** آلوی سیاه و آلوی بخارا

عناب سپستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زردآلو خشک ده عدد ترنجبین بیست درم قند ده درم

شب خیسانند و صباح صاف کرده بنوشند **نوع دیگر** صداع حار را نافع بود **صفت** آب کاسنی هشتاد مثقال

شیر خشت یا شکر طبرزد چهار دانگ در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم نهند و روز سوم

صاف کرده بنوشند **نوع دیگر** صداع بلغمی را نافع بود **صفت** سعد سنبل افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس

رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک کف در یک من و نیم آب بجوشانند تا نیم آید صاف کنند و ربع درم

صمغ وران حل کنند و سه روز در آفتاب بگذارند و روز چهارم صاف کنند شربتی سه درم با سه درم

بید انجیر بنوشند لعوق مربه [illegible] صداع سوداوی را نافع بود صفته افتیمون ده درم [illegible]

قنطوریون و مصطکی از هر یک سه درم [illegible] بسفایج [illegible] درم ادویه [illegible] سه رطل آب

گرم خیسانند و سه روز در آفتاب بنهند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یک درم [illegible]

شیرین لطوخی که خواب آورد و سرسام را نافع بود صفته بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست

خشخاش گل سرخ [illegible] پوست بیدی [illegible] از هر یک ده درم کشک جو پنجاه درم در [illegible] من آب

بپزند تا مرهم آید سرکه بر آن بدارند لطوخی که صداع بارد را نافع کند صفته بابونه اکلیل الملک [illegible] مرزنجوش

پر سیاوشان [illegible] ساوی [illegible] سرکا ران بدارند لطوخی که صداع [illegible] را نافع

بود صفته بابونه اکلیل الملک [illegible] مرزنجوش [illegible] سرکا ران

بدارند لطوخی که صداع سوداوی را سود دارد صفته بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه [illegible] کنند

[illegible] لطوخی که [illegible] را که از عقب [illegible] پیدا

شده باشد [illegible] صفته بابونه اکلیل الملک [illegible] از هر یک ده درم

تمام مرزنجوش [illegible] پوست بیخ [illegible] گل سرخ از هر یک [illegible] درم در ده من آب

جوشانند تا به سه من آید سرد کنند [illegible] بدارند لطوخی که صداع حار [illegible] را نافع بود

صفته بنفشه [illegible] تخم کدو کوفته [illegible] تخم کاهو تخم خرفه پوست خشخاش گل خشخاش [illegible]

لعاب تخم خطمی برگ بید گل سرخ جوشانیده سرکا ران بدارند لطوخی که [illegible] از اعضا

ببرد صفته گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ و سفید هم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم

دار فلفل

درهفت من آب جوشانند تا سه من آید بپالایند و چون از حمام بیرون خواهند آمد بر اعضا ریزند نطولی که

خشک کند ... بیرون آورد و پاره پاره کنند و بول براند صفه بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی

خشک از هر یک ده درم ... پوست خربزه خشک سیاوشان تخم ملک نیم کوفته از هر یک از هر یک هفت درم

اسفناخ اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هر یک پنج درم کابلی حلبه از هر یک چهار درم برنجاسف

بنفشه از هر یک سه درم و ... برگ نیلوفر از هر یک دو مثقال در ده من آب جوشانند تا پنجم آب بماند و

در آن نشینند و چون بیرون آیند دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند نطولی که همین خاصیت دارد

صفه بابونه درمنه ترکی که نام دیگرش برگ ... سرکین کبوتر در آب بجوشانند و در آب آن نشینند

و بثفل آن ... ضماد کنند نطولی که همین عمل کند صفه درمنه ترکی برگ ترب سداب

فودنه برنجاسف سنبل ... که نام خطمی شلغم بابونه شبت ... بجوشانند تا نرم شود و ثفل آن را

بر عانه ضماد کنند و در آن آب نشینند نطولی که همین منفعت دارد صفه بنفشه نیلوفر گلسرخ خطمی از هر یک

پنج درم پوست خربزه اکلیل الملک ... از هر یک سه درم بجوشانند و در آب آن نشینند و

ثفل آن بر عانه و موضع گرده ضماد کنند نطولی که افراط طمث را نافع بود صفه گلسرخ برگ مورد از

هر یک ده درم ... مازو نیم کوفته گلنار از هر یک پنج درم پوست انار کوفته جوز السرو ...

از هر یک سه درم اقاقیا دو درم مجموعه را بجوشانند و در آن نشینند و قرص کهربا و رب مورد

بنوشند نطولی که محافظت جنین کند و نگذارد ... وقت بیرون آمدن صفه گلسرخ ...

درم ... گلنار از هر یک پنج درم برگ مورد خشک چهار درم ... پوست انار مازو از هر یک

سه درم ... بجوشانند و در آن نشینند نطولی که از جهت خروج مقعد نافع بود صفه گلنار

پوست انار جفت بلوط مورد تر گل سرخ مازو از هر یک قدری نیم کوفته بجوشانند و در ان نشینند نفوجی
کشنده بینی بگشاید صفت لادن و حوب کز و شونیز بجوشانند و بخاران ببرارند نفوجی که گنده بینی را
ببرد صفت زاج سبک فلفل ساوی کوفته و بیخته در بینی دهند نفوجی که مسکوت را بهوش اورد
صفت کرسفس و خربق سفید کوفته اندک اندک در بینی دهند بوری که صداع مزمن را نفع دهد
صفت عصاره حمار الحمار بخور مریم بطرون کوفته بیخته در بینی دهند شونیز عصاره حمار الحمار همین عمل کند
شونیز فلفل برابر او مانند همین عمل کند نفوجی که صرع را نافع باشد صفت شحم حنظل حمار الحمار نشادر
شونیز کندش فلفل اسطوخودوس کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الوجورات
که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت حلتیت جندبیدستر کوفته بیخته در سکنجبین عسلی حل
کرده وجور سازند وجوری که نافع است از جهت غشی که بعد از اسهال پیدا شود صفت مشک
سنبک کوفته در آب حل کرده در حلق چکانند وجوری از جهت صرع اطفال نافع بود صفت جندبیدستر
زعفران مانند مساوی کوفته بشیر جوان حل کرده در گلوی اطفال ریزند وجوری که سرفه اطفال را
نافع بود صفت رب السوس کثیرا صمغ عربی زنان بسته مغز بادام هر یک سه درم قند بادام دو درم
عسل سه درم روغن بادام بخیه درم مانند را با عسل بجوشانند و صاف کرده ادویه را کوفته در او روغن
بادام با آن ممزوج سازند قدری از آن در دهن طفل ریزند باب البار یاقوتی که خفقان و غشی را نافع بود
دل را قوت دهد و فرح آورد صفت مروارید ناسفته شش درم کهربا چهار درم یاقوت رمانی
گل مختوم بادرنجبویه بهمن سفید و سرخ از هر یک دو درم ورق طلا عقیق ملی بسد ساذج هندی
زرنباد درونج رومی از هر یک یکمثقال لاجورد مغسول یکمثقال ابریشم کوه برا زر سکی منقی
کنند

کشنیز خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم مقرض از هر یک سه درم طباشیر
هفت درم صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک سه نیم مثقال
شیره آمله نیم سیر شیره کابلی گلاب شربت سیب انار شیرین شراب به از هر یک بیست درم دواها را بکوبند
و حریر بیزند و با شربت گلاب و آب انار بقوام آورند و معجون بسازند و بعد از چهل روز در میان جو نگاه داشته
باشند استعمال نمایند یک مثقال **یاقوتیه** که خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع بود و اعضای رئیسه را قوت
دهد و بدن را صاف کند و رنگ طعام آورد و سودا را دفع کند **صفت** یاقوت سرخ سبز کبود باجد لاجورد
گل ارمنی الطیب درونج هندی بهمن سرخ بادروج از هر یک دو مثقال یاقوت زرد یاقوت کبود یاقوت
سفید عقیق مروارید ناسفته ابریشم سیدون پسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب محلول نقره محلول گل
دارچینی درونج عقربی بهمن سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه ... ابریشم محرق زرنفش میوه
سفید دارچینی قاقله کبابه از هر یک سه مثقال زرد یک مثقال و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر سفید از هر یک
نیم مثقال آمله مقشر پوست هلیله کابلی از هر یک دو مثقال عصاره زرشک ... درم مشک خالص دو درم
کافور نیم مثقال آب سیب و آب به از هر یک ... آب حماض ... گلاب و عرق بید مشک یکمن و نیم حبات
را در گلاب و عرق حل کنند ... آب سیب بقوام آورند و چون فرو گیرند آب حماض بر آن بریزند
و ادویه کوفته بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بسرشند شربتی یک مثقال **یاقوتی** قوی النفع که از غایت نفع
روحانی گویند دل جگر را قوت دهد و مالیخولیای سودائی را نافع است ... **صفت** مروارید ناسفته
کهربا مرجان فرنجمشک از هر یک یک درم صندل طباشیر زرنباد بادرنجبویه قرنفل سادج هندی عود قماری
ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک دو درم گاوزبان درونج لعل یاقوت عقیق ورق نقره ورق طلا

عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه درم در عسل مصفی کرده پنجاه
درم معجون سازند چنانچه رسم است **یاقوتی** ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را
نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط آورد **صفت** مروارید ناسفته و تخم فرنجمشک پوست بیرون پسته
پوست ترنج صندلین ورق گل سرخ از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ کباب از هر یک یکدرم و نیم کهربا
قرنفل سلیخه هندی دارچینی از هر یک یکدرم لعل عود خام از هر یک یک مثقال یاقوت زرد عنبر
اشهب مروارید محلول نقره محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی طباشیر از هر یک دو
درم زرنباد کافور قیصوری از هر یک نیم درم گاوزبان املج از هر یک نیم درم عصاره زرشک ده
درم زعفران دانگی و نیم شراب سیب مثقال شراب حماض شراب سیب چهل مثقال داروها کوفته
بیخته و جواهر صلایه کرده در شراب ها بقوام آورند و بسرشند شربتی یکمثقال **یاقوتی** یاقوت
حجر لاجورد سنبل قاقله صغار گل مختوم گل ارمنی عنبر اشهب فادزهر صواری جدوار خطائی ورق
طلا ورق نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته کهربا جندبیدستر کشنیز خشک پوست بلیله زرد آملج مقشر
تخم کاسنی مشک خالص از هر یک دو مثقال بادرنجبویه پوست ترنج گاوزبان ابریشم سفید عود خام
ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال بادرنگ زنجبیل ساذج فلفل بزرگ فلفل مصطکی
زعفران از هر یک سه مثقال نبات یکمن و نیم آب به آب سیب آب انار شیرین گلاب عرق بیدمشک
عرق گاوزبان از هر یک نبات را در عرق ها بگذارند و با آب میوه ها بقوام آورند و داروی
کوفته بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند **یاقوتی** یاقوت زرد یاقوت
لعل حجر لاجورد عقیق یمنی جاه فرمس خطائی سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یکمثقال

کهربا

کهربا مروارید ناسفته بسد بهمن سرخ قرفه بادرنگ قاقله صغار شقاقل جدوار زرشک منقی گل نیلوفر یاقوت
هلیله زرد مصطکی ابریشم خام مقرض محرق از هر یک سه مثقال ماذر حوانی عنبر اشهب از هر یک
یکمثقال و نیم ریوند زرنباد بسفایج بهمن هندی کبابه چینی ورق گل سرخ کشنیز خشک ابریشم مقرض تخم کاسنی ورق طلا
ورق نقره از هر یک دو مثقال قرنفل تخم کشک طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال قاقله کبار و صغار چهار مثقال
زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من آب سیب و امرود از هر یک نیم من
آب به یکمن گلاب عرق بیدمشک از هر یک صد درم عرق گاوزبان ده درم آب انار شیرین یک
من عسل مصفی نیم من نبات را در عرقها بگدازند و با عسل و آب میوها بقوام آورند داروها کوفته
و بیخته در آخر قوام بیامیزند شربتی یکمثقال یاقوتیه نسخه شیخ ابو علی سینا مالیخولیا
و امراض سوداوی را بغایت نافع بعون الله داور مفرحه یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی
مشک ختایی کافور از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یک درم و نیم ابریشم مقرض
سرطان محرق از هر یک یکمثقال دوازده طلا مگلس دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج
اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سرخ و سفید عود خام جدوار منی مغسول لاجورد
مغسول مصطکی سلیخه دارچینی زعفران سنبل قاقله کبابه ماه فرنجمشک خطایی از هر یک
یکمثقال افتیمون ده درم و نیم زرنباد زنجبیل سنبل سلیخه هندی از هر یک دو درم درونج
عقربی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خار ورق گل سرخ از هر یک چهار درم گلاب
صد مثقال شراب حماض شراب سیب شیرین شراب انار شیرین از هر یک سی مثقال
عسل صاف بقدر احتیاج بطریق معهود معجون سازند شربتی یکمثقال بعد از هضم طعام والسلام

تمام شد

تمام شد کتاب قرابادین شفائی روز چهارشنبه بوقت سه پهر تاریخ دویم ماه ربیع الثانی

سنه ۱۲۳۵ هجری بخط خام علی محمد [redacted] تحریر یافت نوشته ماند سیه بر سفید نویسنده را نیست فردا امید

تمام شد

۵۵۵

۵

شناخت مرده شدن جنین در شکم حس حرکت نمیکند و اطراف شکم گشته شود و عفونت هوا اید

باید چه در اخراج او کوشند قسط و شونیز و بالان که الرس و مرشان

زمیشران فلفل و جاوشیر و کلقند و ابنا رو در ان ادهیره اگر بسیار زیر سیم حنطل سیم باشند

حاد بسکهن و جندبیدستر شحم حنظل کوفته بیخته در آب مطبوخ که بر ابهانه صغار نمایند

قرزجه بسکهن جندبیدستر در آب گرم فته بیخته قرصها نمایند دو دانگ بدهند بوبه بجای جندبیدستر

رائه دو دانگ دهند ... اگر از این هیچ بر جنین حادث شود بیرون الاذن و شکار را بامیکوب و از دهانه بیرون ...

همه بر گیاه ریزند و بر آتش در آب بجوشانند چون بجوشد صاف کنند روغن کنجد با ریا

درو اندازند چندان بجوشد که آب همه رفته باشد و روغن بماند بسوزانند و برتکیه [illegible] و گرد

سائیده با آن بیامیزند و نگاه دارند به وقت حاجت مالش کنند همه دردها از نقرس و وجع [illegible]

و غیر آن را و درد مفاصل را بادرد و غیرها نافع است الا برکت از شر بالای زمین که

بشنوند و بر سر پنبه محلول کنند یکبار پنبه بر سر عضو معلول را ثقل دارد ۞ ۞ ۞

شصت سالی [illegible] انداختند